نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم - شماره ۴۹۰ - یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۶ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان



مهندس تبادار:

منتظر اعلام کاندیداهای ائتلاف اصلاح طلبان بوشهر هستم

مهندس تبادار استاندار دولت خاتمی در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب در خصوص حمایت خود از کاندیداهای انتخابات مجلس اظهار داشت: همانطور که از قبل نیز گفته بودم به تصمیم ائتلاف انتخاباتی اصلاح طلبان در بوشهر احترام می گذارم و منتظر انتخاب کاندیداهای مورد حمایت این ائتلاف هستم و دوستان ائتلاف پس از برگزاری جلسات و جمع بندی های خود، بر روی هر کاندیدایی که توافق نمودند و افرادی را به عنوان کاندیدای ائتلاف اصلاح طلبان معرفی نمودند، من نیز به عنوان خادمی کوچک به این مردم، حمایتم را این کاندیداها اعلام می دارم.



محمد دادفر:

مردم از کاندیداهای اصلاح طلبان حمایت می کنند

محمد دادفر نماینده اصلاح طلب مجلس ششم در مصاحبه با نسیم جنوب اظهار داشت: خوشبختانه با برنامه ریزی و حرکت بسیار خوبی که ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر انجام دادند، بزودی کاندیداهای ستاد ائتلاف اصلاح طلبان در ۴ حوزه انتخابیه استان بوشهر از سوی این ائتلاف معرفی می شوند و امیدوارم مردم استان با حمایت از کاندیداهای اصلاح طلب گام مهم دیگری در بهسازی امور استان و حمایت از جنبش اصلاحی بردارند.

حضور فعال ائتلاف اصلاح طلبان بوشهر در انتخابات مجلس



علیرغم رد صلاحیت گسترده کاندیداهای اصلاح طلب در استان بوشهر، ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر قصد دارد در هر ۴ حوزه انتخابیه استان بوشهر کاندیدا معرفی نماید. سیاست حضور فعال در انتخابات از سوی ائتلاف اصلاح طلبان استان در هفته گذشته بار دیگر فضای رقابتی را در انتخابات مجلس در استان بوشهر شکل داد. با وجود اینکه فضای انتخاب کاندیداهای مورد نظر اصلاح طلبان به شدت محدود شده است با این حال ائتلاف اصلاح طلبان قصد دارد با تمامی محدودیت ها و با در نظر گرفتن شرایط موجود، سیاست قهر با صندوق های رای را در پیش نگرفته، سعی نماید با معرفی کاندیداهای مورد تایید اصلاح طلبان، مردم را به مشارکت فعال در انتخابات و رای دادن به کاندیداهای اصلاح طلبان فرا خواند.

ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر برای حضور کاندیداها در جلسه این ائتلاف و دفاع از برنامه و دیدگاههای خود یک شرط گذاشته است. شرط این ائتلاف برای حضور کاندیداها در جلسه خود، قبول داشتن منشور ائتلاف اصلاح طلبان است. منشور ائتلاف اصلاح طلبان در برگیرنده اصول اصلاح طلبی است که در جلسات مکرر ائتلاف اصلاح طلبان استان مورد بررسی و تصویب قرار گرفته است.

ائتلاف اصلاح طلبان استان به این شرط پذیرای کاندیداهای انتخابات مجلس در جلسات خود و شنیدن برنامه و دیدگاه آنهاست که این کاندیداها این منشور را پذیرفته باشند، بنابراین حضور کاندیداها در جلسات این ائتلاف پس از پذیرفتن منشور ائتلاف اصلاح طلبان خواهد بود. این منشور از سوی ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر در اختیار کاندیداها گذاشته شده است.بر همین اساس در جلساتی که در ستاد مرکزی ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر تشکیل شده و می شود، کاندیداهای اصلاح طلب حضور یافته و به تشریح دیدگاهها و برنامه های خود پرداخته و به سوالات مطرح شده پاسخ خواهند گفت.

تا کنون مجید کنگانی و علی کرمی از حوزه انتخابیه "کنگان، دیر و جم" و کدخداپور از حوزه انتخابیه "دشتستان" در جلسه ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان حضور یافته اند. همچنین قائدزاده و حق شناس از حوزه انتخابیه "بوشهر، گناوه و دیلم" نیز در جلسه ستاد ائتلاف حاضر خواهند شد. احتمال دارد که میگلی نژاد نیز به این جلسه بیاید. در حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان نیز پورفاطمی در جلسه ستاد ائتلاف اصلاح طلبان شرکت خواهد نمود.

ائتلاف اصلاح طلبان روز چهاردهم اسفند ماه لیست کاندیداهای خود را در هر چهار حوزه انتخاباتی استان اعلام خواهد نمود.

آنچه از ما در پارس جنوبی گذشت باید برای پارس شمالی تجربه باشد



صفحه ۸

بوشهر و دانشگاه از دیرگاه تاکنون



صفحه۳

اشکال کار در کجاست؟



صفحه۷





نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۴۹۰ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

مصاحبه با مهندس رجایی، شهردار بوشهر درباره قطع درختان پارک مصلی:

در کارهای اجرایی نیازی به هماهنگی با شورا نیست

– آقای شهردار قطع درختان در پارک مصلی مورد اعتراض بسیاری قرار گرفت. طراحی جدید پارک مصلی به چه منظوری صورت گرفت؟

– در پارک مصلی هیچ طرح هندسی خاصی را نداریم. اما طرح جدید پارک به دو منظور بوده است. گزینه اول این که خود فضای پارک را اصلاح کنیم و از یک سری المان های شهری استفاده کنیم ضمن این که بیش از ۹۰ درصد درخت های موجود در پارک ها ی مصلی جمبو هستند که این درختان با عمر چند ساله در فضایی با ابعاد کم کار شدند در حالی که زیر آن آسفالت است یعنی یک محدودیت عرضی دارند و درختان به شدت محدودیت رشد و توسعه ریشه دارند و همچنین درختان موجود در آن جا با وضعیت موجود، امکان حفظ و نگهداری آن ها نبود. برای بهسازی این پارک گزینه های مختلفی را بررسی کردیم. اولین گزینه ما در طراحی با مشاور این بود که درختان موجود را حفظ کنیم و با حفظ درختان بهسازی پارک ها را انجام دهیم. اما نظر قطعی مشاور همکاران فضای سبز این بود که با توجه به عمق خاک آن جا و محدودیتی که به لحاظ توسعه و ریشه در آن منطقه دارند امکان حفظ درختان نیست و تنها راه موجود که بتوان پارک را به لحاظ فضای پیرامونی بهسازی کرد و هم فضای سبز را توسعه دهیم این بود که درختان موجود قطع شوند و برای جایگزینی آن فضای سبز مناسبی ایجاد شود. برنامه ما این است که در پارک مصلی از درختان چند ساله استفاده کنیم یعنی نهال نمی کاریم ضمن این که علاوه بر کاشت درختان مشعل جنگل و بنجامین از درختان جمبو نیز در حاشیه ها استفاده خواهیم کرد.



– یکی از نگرانی هایی که هم مردم و هم کارشناسان محیط زیست این است که بوشهر با کمبود فضای سبز مواجه است و با این اقدام شهرداری در جهت بهسازی پارک مصلی و قطع چندین درخت ۲۰ تا ۳۰ ساله آیا امکان جبران آن فراهم خواهد شد؟

– یکی از محدودیت های فضای سبز ما مدیریت نادرست در فضای سبز است وقتی که شرایط رشد درخت را فراهم می کنیم و صرفا به کاشت درخت اکتفا می کنیم قطعا با مشکلاتی مواجه خواهیم شد. هم گونه درخت را به درستی انتخاب نمی کنیم و هم درخت نیازمندی های فضای سبز را تامین نمی کند. همان طور که می دانید اولین نیازمندی درخت خاک است و دومین آن آب است .

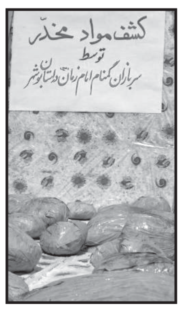
پارک مصلی واقع در خیابان امام روبه روی جایگاه نماز جمعه در سال ۱۳۶۲ احداث گردیده است. گونه های گیاهی کاشته شده در آن ترکیبی است از درختان جمبو، اکالیپتوس، نخل خرما و درختچه های ختمی چینی می باشد که ۹۵درصد گونه های موجود درخت جمبو می باشد که به صورت ابنوه و فشرده در داخل FLOWER BOX های با عرض بسیار کم که بر روی سطح آسفالت احداث شده است کشت گردیده است. ۵ درصد باقی مانده شامل گونه های دیگر می باشد. با توجه به این که درخت جمبو درختی ست که چندین ساله که حداقل فاصله کاشت آن جهت حداکثر رشد می بایستی ۸ متر باشد. که کاشت این درختان در گل جای FLOWER BOX با عرض کم باعث گردیده است که به علت فضای کم ، درخت قادر به ریشه دوانی توسعه ریشه نباشد که پس از سال ها به علت حداکثر رسیدن رشد درختان در داخل BOX توسعه ریشه متوقف گردیده است و به علت عدم توانایی درخت درتهیه مواد غذایی به تدریج درخت ضعیف و شروع به خشک کردن نموده است. به طوری که در چند سال اخیر تعداد زیادی از درختان موجود خشک و قطع گردیده است. با توجه به دلایل ذکر شده فوق اگر پارک مذکور به همین روال رها می گردید در چند سال آینده کلیه درختان جمبو از بین می رفتند به همین دلیل جهت بهسازی پارک مذکور اقدام به تخریب BOX های موجود و طراحی محوطه پارک با استفاده از ایجاد زهکش و کاشت گونه های گیاهی جدید و سازگار از قبیل مشعل جنگل و گونه های بنجامین سبز و استفاده از نخل های موجود خواهد شد.



– طبق گفته رییس کمیسیون عمران و خدمات شهری قطع حتی یک درخت باید با هماهنگی شورا و رییس کمیسیون عمران خدمات شهری صورت گیرد آیا در این زمینه هماهنگی لازم با شورای شهر صورت گرفته بود؟

– کل کارهای اجرایی جز حوزه اختیارات شهرداری است و هیچ گونه هماهنگی با شورا مورد نیاز نیست. طرح، طرح اجرایی ست و شهرداری طرح اجرایی را تهیه، تصویب و اجرا می کند و ما صرفا وظیفه داریم که در زمینه کار اجرایی به شورای شهر گزارش دهیم و شورا وظیفه نظارتی بر فعالیت های شهرداری دارد و من کار اجرایی ام را به صرف گزارش به شورا ارائه دادم. شورای شهر نیز وظیفه نظارت بر حسن انجام وظایف شهرداری را دارد و کارهایی را که ما انجام می دهیم از پشتوانه قوی کار کارشناسی برخورداراست و آن چه که انجام می شود صد درصد به نفع مردم بوشهر است.

باند ترانزیت مواد مخدر در استان بوشهر متلاشی شد



سربازان گمنام امام زمان (عج) در این اداره کل یک باند ترانزیت مواد مخدر را متلاشی کردند. به گزارش این روابط عمومی، این باند قصد داشت یک محمولهافیونی از انواع مواد مخدر را از استان هرمزگان به استان بوشهر منتقل کند. این گزارش افزوده‌است: با هوشیاری ماموران اداره‌کل اطلاعات استان بوشهر، این باند در شهرستان گناوه شناسایی شد و با هماهنگی مرجع قضایی در یک اقدام عملیاتی به دام افتادند. براساس گزارش روابط عمومی اداره‌کل اطلاعات استان بوشهر، در جریان این عملیات ۴۵۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف شد و سه نفر از سوداگران مرگ دستگیر شدند.

قتل یک زن و دستگیری قاتلان در بردخون

ابراهیم دانش خبرنگار نسیم جنوب در شهرستان دیر: برابر اعلام کشاورزان منطقه حاشیه نشین رودخانه روستای کناری، در بخش بردخون، (شهرستان دیر) ، مبنی بر وجود یک جسد در کنار این رودخانه ، با دستور فرماندهی منطقه انتظامی شهرستان سرهنگ حمزه دربندی ، مامورین جان برکف انتظامی ، وارد عمل شده و پس ازبررسی و معاینه اولیه، به دستور مقام قضایی، جسد زنی حدودا ۲۵ ساله با هویت معلوم که بر اثر ضربه وارده به سر و صورت جان باخته بود، را شناسایی و جهت کالبد شکافی به پزشک قانونی استان منتقل نمودند.

ماموریں پر تلاش اگاهی شهرستان دیربه فرماندهی سروان راستگو، که با فعالیت های گسترده و بی نظیر خود در این مدت که منجر به دستگیری مجرمین سابقه دار و کشفیات اموال مسروقه وتامین امنیت شده تحسین اهالی را شاهد بوده، بار دیگر با تمام توان و عملیات تخصصی موفق شدند در کمتر از ۷۲ ساعت کار پلیسی، دو نفر با هویت معلوم دستگیر وپس از تشکیل پرونده (همراه اعتراف به جرم خود) . تحویل مقام قضایی بدهند . برابر اعتراف اولیه انگیزه قتل مسایل اخلاقی و منکراتی بوده است .

پوربهی عضو شورای شهر بوشهر:

شورا باید جلوی قطع درختان را بگیرد



پوربهی رئیس کمیسیون عمران شهرداری بوشهر در اعتراض به قطع درختان مصلی بوشهر به خبرنگار نسیم جنوب گفت: «بهسازی و یا تصحیح در هر شهر و یا دیاری صورت می گیرد اما شرایط جغرافیایی و اقلیمی بوشهر خاص خودش است و با توجه به وجود فضای سبز کافی در آن، بوشهر نیاز به درخت و فضای سبز بیشتر دارد.»

داریوش پوربهی افزود: «در طرح جدید بیشتر از درخت، آلاچیق و سایبان در نظر گرفته شده و این قابل قیاس با وجود درخت نیست.»

وی همچنین با اشاره به تغییر یافتن نقشه پیمانکار در پارک مصلی گفت: «نقشه ای از پارک مصلی که در اختیار پیمانکار قرار گرفته تغییر کرده که حتی با اعتراض پیمانکار نیز مواجه شده به این دلیل که هزینه های تمام شده برای طرح جدید بیشتر می شود. به طور مستند می گویم نقشه عوض شده و جای هیچ گونه حرفی باقی نمی ماند.»

پوربهی با بیان اعتراض خود نسبت به این اقدام شهرداری گفت: «قطع درخت در سال های اخیر آمار بالایی داشته؛ قطع درخت توسط استانداری، قطع درخت در جاده ساحلی و در پارک مصلی و همچنین در خیابان بیسیم و اگر بخواهیم به این صورت جلو برویم شرایط خوبی برای فضای سبز نخواهیم داشت و این موضوع برای شورا صورت خوبی ندارد و انتظار ما این است که شورا به هر طریقی که می داند جلوی این کارها را بگیرد.»

وی افزود: «نقاطی از شهر به فضای بی روحی تبدیل شده و انتظار داریم که در توسعه فضای سبز دقت شود و از قطع درختان جلوگیری شود.»

پوربهی با انتقاد از قطع درختان در پارک مصلی افزود: «وقتی موضوعی در شورای شهر مصوب می شود آیا شهرداری مکلف به انجام آن است یا نه؟اگر شهرداری بر روی مصوبه اعتراضی نداشته باشد و آن را اجرا نکند مسئول است. ضمن اینکه ما در شورای شهر ۳ کمیسیون داریم و تمام اعضای شورا مسئولند و لازم است که چشمانشان را باز کنند و بیندیشند که مصوبه ای اجرا شده یا نه.»

پوربهی اضافه کرد:«همه مصوبات شورای شهر باید اجرا شود و شهرداری باید پاسخگوی تمام مصوبات باشد و اگر انجام ندهد مقصر است و یک روزی باید پاسخ دهد و بنده هر جا که خلاف قانون باشد به شورا اطلاع می دهم و از هیچ کسی هراسی ندارم.»

رئیس شورای شهر بوشهر:

کار شهرداری کار پسندیده و درستی نیست



محمدی باغملای رئیس شورای شهر بوشهر نیز از جمله معترضین به قطع درختان مپارک مصلی است. وی در این زمینه به خبرنگار نسیم جنوب گفت: «کار شهرداری کار پسندیده و درستی نیست. بر فرض که اقدامی بخواهند انجام دهند و یک پشتوانه کارشناسی پشت آن هم باشد اما شهرداری موظف است که اطلاع رسانی کند و به افکار عمومی احترام بگذارد.»

محمدی باغملایی افزود:« این روش روش پسندیده ای نیست که وقت یا بی وقت یک عده با اره به جان درختان بیفتند، به هر دلیلی بدون اینکه اعضای شورا و مردم اطلاع داشته باشند بالاخره لازم است اطلاع رسانی صورت بگیرد تا هم به افکار عمومی احترام بگذاریم و هم تنش و اعتراضات را کاهش دهیم.»

وی اضافه کرد:« این اقدام شهرداری باعث جریحه دار شدن افکار عمومی می شود ضمن اینکه هیچ کس هم پاسخگو نباشد.»

رئیس کل دادگستری بوشهر در افتتاح شورای حل اختلاف مطبوعات بوشهر:

رسالت حاکمیت، فراهم کردن آزادی قلم و بیان است



بهاره عالی پور – شورای حل اختلاف مطبوعات بوشهر، دوشنبه گذشته با حضور مدیرکل و معاونین دادگستری، اعضای هئیت منصفه مطبوعات، رئیس شورای شهر بوشهر و جمعی از روزنامه نگاران در محل خانه مطبوعات استان بوشهر افتتاح شد.

نخست رییس خانه مطبوعات طی سخنانی در جمع خبرنگاران بوشهری گفت: در طی این سال ها که دادگاه های مختلفی از مطبوعات تشکیل شده اکثر پروندهها به نوعی به تبرئه انجامیده و به نظر می رسد که حدود ۹۰ درصد از شکایات به تبرئه انجامیده است.

یونس قیصی زاده گفت: از یک طرف نویسندگان، خبرنگاران و مدیر مسوول و در کل روزنامه نگاران با اهدافی فرهنگی و اجتماعی و بعضا سیاسی که دارند نقد دلسوزانه ای در جهت بهبود امور، چاپ می کنند اما متاسفانه اکثرا اوقات به جای این که با این دیدگاه به این نقدها نگاه شود، نگاه مشکوک می شود و به جای گام برداشتن در روال قانونی، شکایت می کنند.

قیصی زاده افزود: این برخورد یک نوع دوگانگی را به وجودمی آورد. از یک طرف روزنامه نگاران و نویسندگان دلسوزانه فعالیت می کنند به گونه ای که نوشته های آنان عموما مورد استقبال جامعه قرار می گیرند و از طرف دیگر به جای آن که به نقدها عمل شود و در جهت بهبودی گام برداشته شود، از آن ها شکایت می شود.

وی اضافه کرد: خوشبختانه وجود هیات منصفه نقطه قوتی برای روزنامه نگاران می باشد که به نمایندگی از افکار عمومی در آن جا تصمیم گیری می کنند و اکثرا مواقع هم به تبرئه ختم شده است. ضمن این که در طی این سال ها خصوصا ده سال که از تجدید حیات جدی مطبوعات می گذرد، دادگستری بوشهر همکاری بسیار خوبی را با مطبوعات بوشهر داشته است.

رییس خانه مطبوعات با اشاره به تشکیل شورای حل اختلاف مطبوعات گفت: خوشبختانه امروز اتفاق مبارکی در فضای روزنامه نگاری استان بوشهر رخ می دهد و آن تشکیل شورای حل اختلاف است، که امیدواریم که خیلی از شکایات را قبل از رسیدن به دادگاه و هیات منصفه در شورای حل اختلاف حل کنیم.

قیصی زاده در پایان گفت: امیدواریم که دیگر در فضای مطبوعات شاهد آن نباشیم که شکایات به دادگاه کشیده شود و انشاا... بتوانیم در همین شورای حل اختلاف مسایل را حل و فصل نماییم.

وی افزود: چندین ماه است که مقدمات تشکیل شورای حل اختلاف پیگیری می شود و دادگستری در این زمینه همکاری بسیار خوبی با ما داشتند و با توجه به این که استان بوشهر جز چند استان نخست کشور است که این مهم در آن صورت می گیرد امیدواریم این حرکت، حرکت مبارکی باشد وبتواند گره ای از کار روزنامه نگاران و مطبوعات بگشاید.

در ادامه مدیرکل دادگستری به ایراد سخنرانی پرداخت. بحرانی گفت: امیدواریم که با این گردهمایی گام هایی خوبی بین مطبوعات ، دستگاه قضایی در استان ایجاد شود. هر چند که در گذشته نیز بین آن ها تعامل بوده اما توقع ما این است که این تعامل بیش از این باشد که خدمات مورد نظر ما را بهتر به مردم ارائه بدهیم .

وی افزود: رسالتی که دستگاه قضا دارد در قانون اساسی پیش بینی شده و جایگاه ویژه ای است، وجود دستگاه قضا در کنار سایر قوا به عنوان قوای حاکمیتی می تواند در پایدار بودن نظام نقش عمده ای داشته باشد.

وی اضافه کرد: اگر دستگاه قضا خوب عمل کند و رضایتمندی مردم را جلب نماید یقین داشته باشید که مردم هم می توانند به امور خودشان برسند و دستگاه حاکمیتی نیز بهتر می تواند نقش خودش را ایفا کند.

وی همچنین در خصوص وظایفی که مطبوعات و دستگاه قضا در قبال یکدیگر دارند گفت: مطبوعات



در اهداف و وظایفی که برای دستگاه قضا برایش پیش بینی شده می توانند پشتوانه قوی برای ما باشند. ایجاد فرهنگ صلح و سازش، نهادینه کردن این فرهنگ در جامعه مساوی با پایداری و ایجاد یک امنیت قوی در جامعه است. اگر در بحث پیشگیری از جرم نگاهی داشته باشیم یقین داشته باشید که مطبوعات در این بحث که از وظایف و سیاست های اصلی قضا در اصل ۱۵۷ است می تواند نقش عمده ای داشه باشند.

وی افزود: تجزیه و تحلیل کردن جرایم برای مردم و آگاهی مردم نسبت به قوانین مساوی با ایجاد امنیت است.

رئیس کل دادگستری گفت: امنیت در ابعاد مختلف مطرح است. امنیت اجتماعی که در شرایط فعلی یک ازدغدغه های اساسی مسوولین ماست و مطبوعات می توانند در این زمینه نقش بسیار عمده ای را ایفا کنند و با توجه به این که جوانان ما کسانی هستند که باید مسیر صحیح را برایشان ترسیم کنیم و آن ها را در مسیر سالمی قرار دهیم مطبوعات در بحث امنیت اجتماعی می توانند نقش بسزایی داشته باشند.

وی با اشاره به نقش مطبوعات در بخش های مختلف امنیتی گفت: در بحث امنیت اجتماعی اقتصادی، شناسایی ظرفیت ها و معرفی آن ها و جذب سرمایه ها و در بحث امنیت سیاسی ، جهت دهی مناسب برای مسوولین و فراهم نمودن بستر مناسب برای اتحاد و انسجام و رفع خصومت ها و در نهایت برای پیشرفت و توسعه جامعه و همچنین در امنیت فرهنگی نیز که امروز دغدغه اصلی ماست، نقش مطبوعات بسیار موثر است.

بحرانی افزود: شما در تمام مقوله های امنیتی می توانید نقش داشته باشد در صورتی که هیچ قشری نمی تواند چنین نقشی داشته باشد. لذا اهمیت مطبوعات در این جا مشخص می شود.

بحرانی گفت: در بحث رسالتی که در قوانین برای مطبوعات ترسیم شده بحث تنویر افکار عمومی و نقد منصفانه و سایر موارد به خصوص فراهم نمودن بستر مناسب برای همزیستی افراد مختلف در جامعه بسیار مهم است. هر گونه اقدامی که ما یا شما و یا ارگان های سیاسی ، نظامی یا امنیتی انجام می دهند در جهت جلب رضایت مردم است و ارتباط شما با مردم به عنوان یک پل است یعنی مطبوعات پل ارتباطی مردم و دستگاه حاکمیتی هستند و این، دو وظیفه را مشخص می کند. وظایفی که شما در برابر حاکمیت دارید و وظایفی که حاکمیت در برابر شما دارد.

حاکمیت باید حد و حدود شما را رعایت کند و زمینه آزادی بیان را برای شما فراهم کند و رسالت حاکمیت، فراهم کردن آزادی قلم و بیان است و شما نیز در مقابل آن ها در چارچوب قانون اساسی حرکت کنید. آزادی به معنای ایجاد تفاهم، صلح و سازش در جامعه است و اگر شما خارج از آزادی که در اختیارتان است عمل کنید، این دیگر وظیفه مطبوعات نیست، چرا که آزادی ای که باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه شود درست نیست ، آزادی قلم در راستای حفظ ارزش ها در جامعه است و خارج از آن مساوی با برخوردهایی ست.

بحرانی در پایان گفت: وجود محکمه خاص با حضور هیات منصفه، بیانگر اهمیت مطبوعات است. امیدواریم که بتوانیم با هم اندیشی ، مشورت و با استناد به طور سازش ، پرونده هایی را که راجع به مطبوعات مطرح می شود را به نتیجه مطلوبی برسانیم.

در این آیین دکتر بهرام فرهمند صابر، رضامعتمد وخلیل موحد به عنوان اعضای شورای حل اختلاف مطبوعات استان بوشهر احکام خود را از رییس کل دادگستری بوشهر دریافت کردند و حسین حشتمی نیز به عنوان مسوول دبیرخانه این شورا معرفی شد.

فرماندار دشتستان:

تکذیب می کنم

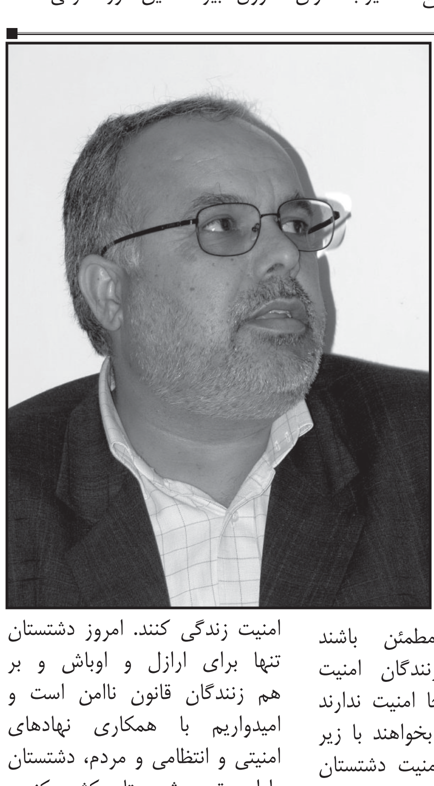
پخش خبر تجاوز چند نفر ارازل و اوباش به یک زن در مقابل همسرش در کوه های امام زاده ابراهیم دشتستان توسط سایت یاس نیوز و عدم پیگیری این مسئله در حالی که به گفته این سایت اصولگرا، عوامل آن شناسایی شده اند، نگرانی هایی را بوجود آورده است. در همین رابطه خبرنگار نسیم جنوب در مصاحبه با کشتکار فرماندار دشتستان صحت این ماجرا را جویا شد.

کشتکار در این خصوص اظهار داشت تا این لحظه هیچ گزارش و یا شکایتی که صحت این مطلب را نشان دهد وجود ندارد و پیگیری های ما نیز برای بررسی این موضوع نشان از کذب بودن این خبر دارد. حتا ما به کسانی که این خبر را در سایت یاس نیوز منتشر کرده اند پیام فرستادیم که مستندات و خبرهای خود را در این خصوص در اختیار ما بگذارند تا پیگیری کنیم اما هیچ مستنداتی ارائه نشد.

وی افزود: این خبر کذب است که معلوم نیست چرا عده ای می خواهند با پخش این گونه خبرها باعث نگرانی خانواده ها و زیر سوال رفتن حیثیت مردم یک منطقه شوند.

فرماندار دشتستان گفت: تمام تلاش ما برای برقراری امنیت در دشتستان است و با قاطعیت اعلام کرده ایم که در مقابل هرگونه ناامنی برای مردم دشتستان خواهیم ایستاد و ملاحظه هیچ کس را هم نخواهیم کرد.

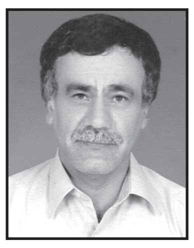
کشتکار در پاسخ به این وموضوع که سایت یاس نیوز مدعی است که مسئول یکی از ارگان های شهرستان با پیگیری هایی که انجام می دهد متجاوزین را شناسایی نموده و با نامه نگاری به شورای تأمین شهرستان، فرماندار و نیروی انتظامی خواستار دستگیری و برخورد با این ارازل و اوباش می شود, اظهار داشت: من با اطمینان کامل این شایعه را رد می کنم و تا کنون هیچ نامه ای در این خصوص به شورای تامین، فرمانداری و یا نیروی انتظامی نرسیده است و مردم دشتستان مطمئن باشند که امروز برهم زنندگان امنیت دشتستان در هیچ جا امنیت ندارند و اینطور نیست که بخواهند با زیر پا گذاشتن قانون، امنیت دشتستان را بر هم زنند و بعد خودشان با امنیت زندگی کنند. امروز دشتستان تنها برای ارازل و اوباش و بر هم زنندگان قانون ناامن است و امیدواریم با همکاری نهادهای امنیتی و انتظامی و مردم، دشتستان را امن ترین شهرستان کشور کنیم.



فلسفه تاریخ از دیدگاه هگل فیلسوف آلمانی

نویسنده: رابرت هامیلتون استاد فلسفه دانشگاه هاروارد ـ ترجمه: خلیل دباش

قسمت چهارم و پایانی



خرد از چنین افراد تاریخی به منظور ایجاد مرحله ای جدید از تاریخ و توسعه شعور آزادی برای دست یابی به اهداف خود استفاده می کند . برای مثال خواست و اشتیاق بود که ناپلئون را برای تصاحب قدرت سیاسی به تحریک درآورد . اما ناپلئون در تسلط بر کشورهای دیگر خواستار آزادی دوره روشنگری برای آنان بود و به همین جهت بسیاری از آن کشورها شیوه آزادیخواهی در پیش گرفتند و برده های خود را آزاد کرده و نظام آموزشی را توسعه دادند . قهرمانان تاریخی جهان مانند ناپلئون و دیگران در جستجوی تمایلات فردی از اهداف مهم تر و عظیم تر واقعیت مطلق که ناآگاهانه به آن خدمت می کردند هیچ ایده روشن و مشخصی نداشتند . آنها مردان سیاست و عمل بودند . امیال شخصی بر آنان حکومت می کرد و در زمانه خود دارای بینش و بصیرت بودند . امام چنین مردان مشهوری نه برای رضایت دیگران بلکه برای خوشنودی خود در جستجوی هدف بودند . با وجود این واقعیت باز هم دیگران از آنها تبعیت می کنند چرا که قهرمانان تاریخی آنچه در ناخودآگاه دیگران است به ضمیر خودآگاه می آورند و مردم نیز معتقدند که سیاست های رهبران منطقی و عقلانی است . هگل در این جا از روان شناسی رهبری صحبت می کند و می گوید که رهبر موفق کسی است که پیروان زیادی دارد و مردم از وی تبعیت کامل می کنند و آنان نیز ندانسته او را تایید می کنند .

اما به هر حال عظمت رهبر محدود است . رهبر بسان قابله ای است که آنچه روح زمان بدان آبستن است به دنیا می آورد . او از مرحله بعدی تاریخ هیچ اطلاعی ندارد . به عقیده هگل خرد از شخصیت های جهانی به عنوان عاملان تغییر و تحول ، بد عت گذار و آورنده آیینی نوین استفاده کرده و در نتیجه آنها می بایست بسیاری از نهادها و مردم را که سد راه آنان است قلع و قمع کنند . اسکندر ، سزار و ناپلئون تعداد کثیری از مردم و حکومت هایشان را از بین بردند تا مرحله جدیدی از آزادی را به وجود آورند . هر چند چنین امری کاملاً غیر اخلاقی است اما با زیرکی و ذکاوت خرد که برتر از اخلاقیات است توجیه می شود . از این رو افراد تاریخی می بایست بسیاری از گل های بی گناه را در راه خود لگدمال و پرپر کنند تا به مقصد نهایی نایل شوند . اما همان گونه که مردان تاریخی با چنین سلطه مرگباری با مردم رفتار می کنند همان طور نیز خرد آگاه با مردان تاریخی رفتار می کند . تمامی طبیعت شخصیت های تاریخی چیزی بیش از امیال و احساسات نیست . به محض این که خرد از آنان استفاده ابزاری کرد و به هدفش نایل گشت آنها نیز همانند پوست که از هسته جدا می شود سرنگون می شوند . آنها زود هنگام می میرند مثل اسکندر مقدونی ، به قتل می رسند مانند سزار و یا به جزیره سنت هلن تبعید می شوند مانند ناپلئون . و همین تسلط ویرانگر در مورد ملت – کشورها نیز صدق می کند . بعد از این که در تاریخ برای مرحبه ی از پیشرفت شعور آزادی از آنها استفاده شد خرد به ملت – کشور دیگر برای تجسم بعدی توسعه آزادی حرکت می کند و ملت – کشور پیشین را از روح تهی کرده و از جنبش وا می دارد تا اهمیت تاریخی آن نابود گردد . در هر دوران ویژه تاریخی تنها یک ملت و کشور و سیله آزادی قرار می گیرد . مردم چنین دوره ای از تاریخ ، مردمی مسلط و غالب هستند و بیشتر از یک بار هم چنین اتفاقی نمی افتد . اما هیچکدام از این مصیبت ها و تراژدی ها در فلسفه عدل الهی هگل شر محسوب نمی شود . هر مصیبتی در ایجاد خوبی عظیم تری نقشی را ایفا می کند که واقعیت مطلق در نهان دارد . از این رو شکست ها ی بشر موفقیتی برای واقعیت مطلق است . شرارت ها و سیله های خداوند جهت رسیدن به خوبی است . در نتیجه اتهاماتی مبنی بر اینکه چرا خدا اجازه می دهد که شر در جهان باشد کاملاً بی پایه است .

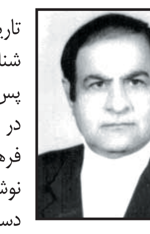
تاریخ و پیشرفت شعور آزادی – سرانجام به مبحث واقعی که هگل در مورد تاریخ و شعور آزادی بیان کرده است می رسیم . پیشرفت در شعور آزادی از طریق تثلیث دیالکتیکی است که خرد با استفاده از ملت – کشورها به عنوان ساختار عظیم اجتماعی و احساسات مردم و شخصیت های تاریخی تحولاتی شگرف را به وجود می آورد . تثلیث دیالکتیکی تاریخ از جهان شرق شروع می شود که در آن تنها یک نفر آزاد است (تز) و پس از آن جهان رومی – یونانی که فقط چند نفر آزاد هستند (آنتی تز) و در نهایت جهان مسیحی – آلمانی مدرن (سنتز) که همه آزادند و در نتیجه ، شعور آزادی به تکامل رسیده است . در جهان شرق که چین نمونه اصلی آن است انسانها به ندرت از ماده تمیز داده می شوند . آنها دارای فردیت معنوی نیستند. آنها در ساختار قالبی جامعه که در آن مذهب ، سنت و قانون هنوز هم از هم جدا نمی باشند قابل تشخیص نمی باشند. مهم تر آن که در جهان شرق تنها یک نفر آزاد است و آن هم دیکتاتور شرقی است . در آغاز توسعه شعور آزادی ، ملت چین در انجماد فکری و روحی و جامعه ای مردابی و قبرستانی زندگی می کرد تا این که روح بشر از مراحل میانه یعنی پارس و هند به یونان باستان حرکت کرد . در یونان چند نفر آزاد هستند . مردمان روم نیز دارای همان شعور مردمان آتن هستند که فقط چند نفر آزادند عدم تکامل شعور آزادی در آنجا ادامه دارد . در نهایت از طریق مراحل میانی فئودالیسم و روشنگری ، روح مردم به جهان مسیحی – آلمانی مدرن حرکت کرده و در آنجا شعور آزادی به تکامل می رسد . از این رو مردم آلمان در قله شعور آزادی و اوج تاریخ قرار می گیرند .

ارزیابی فلسفه تاریخ هگل – آیا فلسفه تاریخ هگل کتمان تمامی شرارت های تاریخ نیست ؟ آیا او نمی گوید که همه چیز از جمله اندوه و محنت بشری برای تحقق خوبی ها است . آیا فلسفه تاریخ هگل تجلیل و ستایش مردم آلمان و مذهب پروتستان نیست ؟ آیا حوادثی که در تاریخ اتفاق افتاده جملگی از واقعیت مطلق نشات گرفته ؟ آیا می توان وجود شر را به عنوان آنتی تز برای رسیدن به ستنز که همان خوبی باشد توجیه کرد ؟ هگل اعلام می کند که تاریخ جهان بیانگر عدالت در جهان است . آیا چنین گفته ای بدان معنا نیست که هر چه در جهان هست عادلانه است ؟ آیا او نمی گوید که حق با قدرت است ؟ و همچنین نمی گوید که حق با کسانی است که پیروز می شوند (مانند آنچه در دادگاه نورنبرگ گذشت) آیا شیوه دیالکتیکی هگل صحت و اعتبار دارد ؟ چه شواهدی اثبات می کند که قوانین دیالکتیکی در تاریخ وجود دارد و هگل مراحل آن را تشخیص داده است . هگل هیچ پاسخ قانع کننده ای برای این سوالها ندارد . توجه داشته باشید که فلسفه تاریخ هگل چقدر با نگرش خوشبینانه روشنگری از تاریخ که توام با پیشرفت در علم و تکنولوژی و حقوق طبیعی افراد است مغایرت دارد . از منظر هگل تاریخ بشری به گروه اتکا دارد نه خرد . تاریخ در ارتباط با روح و فرهنگ مردم است نه با علم و تکنولوژی . تاریخ برای هگل دارای حرکتی مستقیم بسوی پیشرفت نیست بلکه حرکت آن غیرمستقیم و دیالکتیکی است . تاریخ در مقابل خرد مبرهن و خودآگاه نیست اما مملو از تمایلات غیرآگاهانه و نتایج غیرعادی است . از نظر هگل ، تاریخ، پیشرفت بشر را با بالندگی علم و تکنولوژی یا گسترش حقوق طبیعی و دموکراسی به ارمغان نمی آورد . اما فلسفه روشنگری ادعا می کرد که پیشرفت های شگرفی در علم و تکنولوژی و دموکراسی در جریان است و تاریخ به سوی بهبود زندگی بشر در حال حرکت است . اما هگل همگی این گفته ها را مطلقاً رد کرده است و ابراز می کند : « تاریخ تاتر خوشبختی نیست » تاریخ حرکتی به سوی آزادی است اما نه برای افراد بلکه برای ملت ها . تاریخ نه تنها از مقاصد آگاهانه که از تمنیات و تمایلات شخصی برای نیل به نتایجی که از آن اطلاع نداریم عبور می کند . تاریخ همانند جویباری است که در راه خود از سرزمین های غم و اندوه خیر و شر ، مصیبت و جنایت ، هرج و مرج و جنگ ، بی عدالتی ، قتل عام، نظم ، آگاهی ، امیال و ... می گذرد و سرانجام به سرزمین و نزهتگه آزادی می رسد . و این است سرنوشت محتوم تاریخ . افراد بشر تنها عواملی جزیی در بازی تاریخ هستند. مغایرت هایی که بین فلسفه تاریخ هگل و فلسفه تاریخ روشنگری وجود دارد سئوالهای متعددی را به ذهن متبادر می کند: با فلسفه تاریخ هگل چه بر سر حقوق سیاسی مردم می آید؟ آزادی من برای هگل چه مفهومی دارد؟ قدرت و کنترل دولت بر مردم تا چه اندازه است ؟ چقدر می بایست تابع دولت باشیم ؟ برای پاسخ به چنین سئوالهایی باید به فلسفه سیاسی هگل رجوع کنیم.

بوشهر و دانشگاه از دیرگاه تاکنون

در فراگرد پژوهشهای کنجکاوانه به پیشنهاد مهندس و هنر آفرین فرآموخته، جناب شاهین بهرام نژاد

حیدر عرفان





تاریخ دانان و باستان شناسان و خودی های پس از آنان به ویژه در پیرامون سازه های فرهنگی، گفته ها و نوشته های فراوان در دست، می باشد، برای نمونه در برگردانی تازه و روان(۸۶) از سوی جناب پرفسور ایرج نبی پور بوشهری از کتاب پژوهشی تازه «سلامت مردم در ایران قاجار» نوشته «ویلم فلور هلندی» سندهای نوشتاری در نمایه آمده است. این نمایه ها، با نام پارس یا پارسیان آمده است. جز این که شیوه های نوشتار همانند دیگر نویسندگان بیگانه با نادرستی همراه است.

یعنی واژه «pars یا perse» «parsian یا Persian (persien) آورده است. پارس در برداشت «مرز» و پارسیان با برداشت مرزبانان «پارسیاران» است. بیشتر این پیوند به زنجیره سوم فرمانداری و سروری یعنی« هخامنشیان» در پس «کیانیان دوم» و بیش و سر آغاز «کیومرسیان– پیشداویان اول– » می رسد.

واژه ی «فراخکرت، فراخ کرد» در نامه ی پاکینه ی « اوستا avesta ره آورد» و اشو زردشت پارسی نژاده و از زنجیره پیشدادیان نخستین « کوی (koy=kavi = کی ه) از پارسی دیار دریایی نشان دارد. سخنان سخته ی دستان سرای، (فردوسی ابوالقاسم توسی خراسانی) در ایران نامه یا (شاهنامه) از این دست گواهی می باشد. هم این که داستان «کاووس از زنجیره دوم و فرزند قباد با پیشنامی » کی key = کیا kia» پیرامون پرواز دادن شاهین های تخت بر افراشته و فرودش در سیراف، شیلا، و شیر آب، آب شیرین و....... چنین رخداد را به پارسی دریا پیوند می زند. به ویژه این که در جم یادگار جمشید کیانی از زنجیره نخستین در پایگاه دریایی، اولین کشتی را به دریا روانه کرده است. این دریا جز دریای فراخکرد یا پارسیان و آن هم بارکده ی لنگر انداز از دارامند «سیراف siraf »نمی تواند باشد. «جم»این شهر پردیسان زمینی تا امروز از ویژگی زبان سره پارسی و آداب و آیین نیایی رختابی دارد. پی یابی« خط نوشتاری» در سامان پارچه ی شمالی جم این دیار دیرین از سوی «پرفسور ایرج نبی پور » با همه ارزشداری و سخته و والا جای شگفتی ندارد. چرا که نزدیک به نمونه آن در« جیرفت» دستیابی شده است. خاکی که در گذشته به کشور شهر پارس وابسته بوده است. بر همان گونه که ایران شمال غربی میان رودان/ بین النهرین میان دو رود فرات و دجله، بابل، سورستان، بوده است. چنانکه هوشنگ پیشدادی «ایران، نام دوم او» و تختگاه خویش را از پارس «بوشهر» به آن جا برده است. (شاهنامه نک).

در پس این جا به جایی، کورش دوم هخامنشی – پارس نیزپایتخت را به «پارس کاد / پارسکده– نه پاسارگاد» کشانیده است. داریوش اول نیز« شوش / سوس» جای مانده ایلام– انشان و....... برگزیده بوده است.

این هر دوان با نام و نشان در ماندگانی های سنگ نبشته ی سر فرازانه خویشتن را «پارسی» یا« پارسی– انشانی» نامیده اند. می شاید که نام « ایران/ ایران و ج / ایران آباد» از هوشنگ سرور یا.... آمده باشد.

که آریا یا آریایی برگرفته از همین واژه ی بهین و کهین است. زیرا « تیره ی کوچنده با جا جسته از دیار اورال روس» و با منش یورشی– غارتی هم باید از این واژه نامشان به نادرستی هزینه شده باشد. یادکرد دیگر این که دریای پارسیان با زیستار ۳۵ تا ۴۰ میلیون سال– دوره سوم زمین شناس– و جم با دستیابی تازه با چهل هزار سال دیرینگی مردمی، می توانند خواستگاه و جایگاه و گهواره تمدن (شهروندی) آدمیزادگان نخستین باشند.از این سامان آبی، خشکی، کوهسارین، دانشگاه و پالایشگاه و پارچه بافی« سی نیز/ شی نیز) و « توزستان» پرآوازه بوده اند. بی گمان دانشگاه در جزیره نما– شبه جزیره– یا آبخوس (آب خسب) بندر بوشهر پارسی– ایلامی (انجمن شهر) یا« شهر بنیادین سیراف کهن یا بار کده ی راه ادویه داریوش اول هخامنشی هم می بایست نبلاد شده باشند. چه رسد به « شهر کورش برازکان و... برازجان –تا– او– گه= بندر کنار gah، aow،ta، یا شهر پایگاه « استبرک/ ستبرک (غرق /خرک بومی) استبرق عربی شده. (نک نخلستان در استان بوشهر ح– عرفان).

همچنین شهر بزرگ نام داریوش ، دستیافته در سامان کنونی روستای دورودگاه(دالکی – شاپور) دشتستان. جا دارد چنان چه به جای واژه ناهنجار« بردک سیاه= سنگ سیاه کوچک* آن را داریوش شهر/ کیانشهر» بنامیم.

انگشت نشان ها (اشاره ها) ی دانشگاه ایلامی لیان – شهر یا دشت تابان– با پیکاوی پزار و دستیاران تا یادکردهای نویسندگان امروزی خودمان، از گمان زنی فراتر رفته است.

این گونه انگشت نمایی ها را خود نیز درچند مقاله روزنامه ای و نوشته های چاپ شده نمایه آورده ام. اما، در روزگار بالای یکسده و نیمه (۱۵۰ سال) ما از پیگذاری در دبیرستان سعادت مظفری بوشهر یک سد و اند سال پیش » آگاهی داریم. جز این پایگاه دانش ورز، مکتب خانه ها، حوزه های بومی، هم تا زمان خودم نیز در بیشتر شهرها شهرک ها و روستاها با همت« آخوند /مکتب دار/ کتویی– کتابی » آموزش های خورند، آن روز را بر شانه داشتند. دانشگاه با شیوه ی نوین تا سال ۱۳۵۴ خ در این سامان نبود. فرزندان دانش خواه دارامند جا سنگین!! به شهرهای دور درون کشوری رفته یا به کشورهای بیگانه رهسپار می شدند.

چنان که این بنده ی خداوند و آقای جعفر حمیدی، در سال ۱۳۳۷ خ از بوشهرودشتستان، از نخستینانی بودیم که با کمک هزینه دولتی در پرتو به دست آوردن رتبه اولی به دانشگاه شیراز راه یافتیم. خود نخستین لیسانسیه بودم که درخاک زر خیز و دامن گیر خویش (استان بوشهر) به آموزش جوانان دانش خواه – بیشتر نادار– پر تلاش و امیدوار در پایه دبیرستان پرداختم. (۴۸–۱۳۴۰ خ)

در پایان سال ۴۸ به خوزستان (شهر کوه نشین تفتان و مسجد سلیمان و دربندان دوسال دیگر شهرک خشکسار (هفت کل kel= سنگ) کوچانیده «تبعید» شدم.

به دستاویز تلاش دینی – سیاسی ناخواسته ی درگاهیان و دوسیه های شرماگین! انفصال و جریمه حقوق، شکنجه و جای ضربه ها باتون و شکستن مهره های کمر. به سال ۱۳۵۳ خ با آگاهانیده پزشک، به ناچار برای رفتنم به تهران، دستور گرفتم. درکنار دنبال کردن فرآموزی، برای پی گذاری دانشگاه در سامان بوشهر– استان شده نامه نگاری کردم و خود نیز به دیدار سروران دانشگاه رفتم. در پی رفتن از تهران به استان اصفهان (سپاهان۵۹–۵۶) و در پی آن به شیراز ۵۹تا۶۵ . همان برنامه ها را پی گرفتم. هنگامی که آقای رفسنجانی (علی اکبر بهرمان کرمانی) امام جمعه موقت تهران، پیگذاری دانشگاه را در خطبه ویژه پیشنهاد کرد و به انجام رسیده خویشتن با دفتر مرکزی « دانشگاه آزاد اسلامی نوپا» به ریاست آقای دکتر عبد ا... جاسبی به دنبال کار رفتم. بی آنکه به کسی جز استادم جناب آقای عبدالرحیم خضری بوشهری گفته باشم. با راهنمایی آن استاد گرامی، امیدوارانه، کار دنبال شد. تا این که درنامه ی رسمی به استانداری محترم بوشهر موافقت بنیادی جوانه دانشگاه های بوشهر و دشتستان – بنا به پیشنهاد برادر حیدرعرفان و با تقدیرنامه جداگانه– ابلاغ گردید. آقای موسوی رییس دانشگاه جوانه بوشهر، پسین گاهی پرسان پرسان در شیراز به خانه ی ما آمد. ایشان نماز اول شب را در خانه بجا آوردند. پس از آن دلیل آمدنشان را فرموده، خواستند که این بنده برای راه اندازی و آغاز کار دانشگاه – جوانه– بوشهر به بوشهر سفر کنم. خودم از آغاز بازگشایی دانشگاهی از ۱۳۶۲ خ با درخواست آشنایان در دانشگاه شیراز– بخش تاریخ به روش پاره وقت برای دومین بار – در تهران دانشگاه ،علم و صنعت اولین بار کار کرده بودم. تابستان ۶۳ با دانشگاه ابوریحان/ طباطبایی / پیام نور/ و سال آموزشی ۶۴ با دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج همکاری کرده و داشتم. سروران دانشگاه یاسوج هرگونه خواسته هایم را پیشاپیش پذیرا بوده، هم پیش بینی کرده بود. به دلیل چشم در راهی بوشهر نپذیرفتم. دیدارآقای موسوی مرا ناچار کرد که کار یاسوج را شتابانه پایان بدهم. در روز ۱۹ اسفند ۶۴ هنگام کلنگ زنی (بامداد) آموزشکده بوشهر در کوی بهمنی و گشایش دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر (پسین گاه) شرکت کردم. دونگاره (تصویر) آن روز را چندی پیش به جناب دکتر تاجیک ریاست تلاشگر (دانشگاه خلیج فارس) ارمغان کردم. در دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر چهارنوبت انجام خدمت کردم. در زمان ریاست جناب دکتر غلام حسین خواجه، فترت شش ماهه پس از رفتن ایشان، پس از آن گاه درخدمت جناب دکتر عبدالصاحب امامی هم تا ۷۱ و ۷۴ بودم.

آقای دکتر خواجه که از تهران– با دریافت فوق تخصص دامپزشکی– به بوشهر برگشتند ، ساختمان آموزشکده پایان یافته بود. ایشان به درازای هفت سال رییس آموزشکده– دانشگاه بودند. درهمان روزهای بودنش در شیراز، با دفتر مرکزی تهران و پیام نور نیز در کار تلاش بودم. پاسخ آن در بوشهر برای بنیاد کردن جوانه های بوشهر، برازجان، و پس از آن شهرستان های دیگر به بنده رسید. چون که آموزشکده تا دانشگاه بوشهر با نام ساده برایم کوچک می نمود. به دکتر خواجه ریاست پیام نور هم داشتند پیشنهاد کردم؛ پیرامون دانشگاه بین المللی خلیج فارس نامه نگاری کنند. نامه پیشنهادی با دستینه گذاری استانداری گرامی «جناب ندیمی» نماینده ارجمند مجلس شورای اسلامی «جناب مهندس خواجه پور – محمد» دکتر خواجه ریاست کار آمد دانشگاه بوشهر و خوانش نوشته از سوی خودم با ویراستاری نامه «دانشگاه خلیج فارس» به دانشگاه بوشهر داده شد. با نامه نگاری های دریافت سپاسنامه هوده ی کار به این جا کشید که دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، شاخه های دانشگاه های یاد شده در شهرهای استان تا امروز به پیشرفت رسیده است. افزودن دانشگاه «علمی – کابردی» از تلاش دانشجویی زمان خودم در شیراز و رییس دانش سرای پسرانه بوشهر جناب «حسین زنگویی» دنباله این راه ها بوده است. چشم دارم که دانشگاه دانشکده هنر میراث فرهنگی نیز به سامان برسد.

بالا کشیدن پایه های دانشوری دکتری به ویژه دانشگاه (دانشکده نفت و... / با ویژگی های شهرستان « جم شایان» آرزومندی دارم.

*پایگاه یافت شده ی تازه محسنی و تن از بیگانگان باستان نشناس « جین جان/ جن جان» نام داده است. این نامگذاری جین+کان/ جای پریان /جن خانه (!!!) چه ناپسند است.

درختان جمبو از بوشهر می روند؟!!

ابوالحسن گنخکی



اگر سال هایی نه چندان دور در بافت قدیم بوشهر قدم زده و یا وارد حیاطی شده باشید، نخستین چیزی که در هرم گرمای آفتاب تابستان بوشهر، مشاهده کرده اید که نظر هر عابری را به سوی خود جلب می کرد، سایه درختان بود. درختانی چون جمبو، لیلک، ... . گرچه به مرور زمان و ورود سیستم های حمل و نقل، انتقال انرژی برق و سرمایشی به شهر، مردم از سایه درختان به درون خودروها و خانه ها پناه برده اند، اما امروزه نیز این درختان که تعدادشان بسیار کاهش یافته است و در حال انقراض می باشد، مورد توجه شهروندان هستند. برخی آنان را برای رهایی از آفتاب سوزان می پسندند و برخی دیگر نیز که تعلق خاطر بیشتری به بوشهر و گذشته آن دارند، این درختان را جزئی از فرهنگ بوشهر و هویت این شهر می دانند که همپای مردمانش سال ها در این هوای گرم و شرجی زیسته اند و بخشی از تاریخ بوشهر و زندگی شهروندانش محسوب می شوند. گرچه گفته می شود جمبو، یکی از اصلی ترین اجزای تشکیل دهنده فضای سبز بوشهر، همانند برخی شاخص های فرهنگی و اجتماعی شهر، از هندوستان وارد بوشهر شده است اما امروزه این درخت جزئی از زندگی مردم بوشهر است و نماد طراوت و خونگرمی بوشهری ها نیز شناخته می شود. به همین دلیل است که واکنش مردم نسبت به آسیب های وارده به این نوع درخت، بسیار منفی است.

واکنش اخیر بوشهری ها به قطع درختان روبروی مصلای نماز جمعه شهر برای آنچه که مسئولین شهرداری احداث فضای سبز جدید نامیده اند، از همین روست. گرچه امروزه رسم براین است که برای ایجاد و توسعه فضای سبز شهری، کمتر از درختان پرحجم استفاده می کنند و در ترسیم فضای سبز شهری، بیشتر از چمن و درختان کم حجم بهره گرفته می شود اما به نظر می رسد همان طور که گفته می شود در کنار حفظ سنت ها و گذشته نیز می توان از تکنولوژی های جدید بهره گرفت، در توسعه و بهبود فضای سبز شهری نیز می توان ضمن حفظ و پیرایش درختان کهن، که از جایگاه ویژه ای در فرهنگ عمومی بوشهر برخوردارند، از امکانات جدید در زمینه توسعه فضای سبز نیز استفاده نمود.

کاشت درخت و توسعه فضای سبز شهری ضمن بهبود محیط زیست باعث گسترش فضای نشاط و شادابی در شهر نیز خواهد شد. در حالی که توسعه و بهبود فضای سبز شهری نیاز جدی امروز بوشهر است. توجه و دقت نظر مسئولین بویژه شورای شهر و شهرداری در این زمینه ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

تغییر سیمای بوشهر نیازی اساسی است اما مهم تر از آن فرایند این تغییر است. اگر مسئولین شورای شهر و شهرداری بخواهند بدون رعایت برخی شاخص های فرهنگی، نسبت به توسعه فضای سبز شهر اقدام نمایند، آن می شود که تاکنون شده است. یعنی درختان قدیمی بوشهر اندک اندک از شهر رخت بر بسته و تا چند سالی دیگر، جز نامی از آنان در اذهان باقی نخواهد ماند.

مردمسالاری ژورنالیستی

حسین زنگویی نژاد



تطور تاریخی و تکامل اجتماعی جوامع و بروز و ظهور مدنیت و پایبندی به قانون و قانون مداری مستلزم بیداری و تکامل روند اجتماعی و طی پروسه های لازم و رسیدن به مرحله ای است که حرمت به حریم شهروندی یک جامعه به عنوان یک هنجار اجتماعی در همه ی ابعاد و اجزاء زندگی اجتماعی رسوح نموده و شالوده ی تفکر جمعی براساس این فرآیند نهادینه گردد که از آثار امیدوار کننده حرکت رو به جلو و حذف همه ی باورهای غلط اومانیستی و خودبینی و خود محوری است که می تواند آثار میمون و مبارکی را پیش روی شهروندان یک جامعه قرار دهد تا براساس آن حیطه ی مسئولیت پذیری و تن دادن به قانون و نفی قانون گریزی را پیش روی آحاد جامعه قرار دهد .

بی شک سیاسی کاری ـ احساساتی عمل کردن، عدم توجه و تامل در احوالات مردم و کمبودها و کاستی ها به ما این هشدار را می دهد که با اندکی درایت و دوراندیشی به کسانی میدانداری در عرصه های تصمیم گیری جامعه بدهیم که از بوته ی آزمایش موفق و مثبت بدرآمده باشند در این فرصت عقل حکم می کند که ملاکها و گرایش های حزبی و تشکیلاتی که هم اکنون در کشور ما جایگاه مدنی فراگیری ندارند را ملاک عمل قراربدهیم زیرا تناقضات فکری و درگیریهای جناحی باعث هدررفت وقت و فرصتها و زمان از دست مردم می گردد و هیچگاه سودی برای این مردم نداشته است. جزء عده ای فرصت طلب که با موج سواریها برخرمراد سوار شوند و آنگه بیگانه با قانون و خواست مردم ....

"نشریات که همواره نقش تنویر افکار عمومی داشته و به عنوان چراغ روشنای راه مردم عمل می کنند" به جای تحرک احساسات جناحی بهتر است که در این فرصتها با مصاحبه های حساب شده واقعیت های وجودی افراد را که می توانند درمان دردهای مردم این شهر و دیار و استان باشند را بدون در نظر گرفتن ملاکهای سیاسی و با روشن کردن فهم و درک و واقع بینی افراد در عملکردشان به مردم خط و نشان بدهند تا همواره مردم پیروز انتخابات باشند نه با تحرک احساسات و عدم توجه به ملاکهای مورد نیاز در افراد دست پختی تلخ برای حضور مردم حاصل کارشان بشود .

بدون شک این گونه عملکردها و خروجی های شور و تلخ آن مردم را از این فرصتهای تمرین دمکراسی که بعد از سالها انتظار در حال جلوه گری است و می تواند زمینه های مثبتی را در تحولات اجتماعی پی ریزی نماید به هدر نبرد. تا رنج سالها تلاش آنان که برای به دست آوردن این زمینه ها کوشیده اند به باد فنا سپرده نشود و در اثر این تلاشها قانونمندیهای اجتماعی به نفع مردم تغییر نماید .

در این روند چنانچه نشریات به آینده نگری این مهم بیندیشند بی شک دست آوری نزدیک به هدف را نشانه رفته اند و هیچگاه بازنده ی این بازیها نخواهند گشت .

"البته نشریات هیچگاه بازنده نبوده و نیستند و به عنوان نیروهای پیشتاز و در هماره ی تاریخ اجتماعی ایران چونان ستاره ای درخشان در آسمان تاریکها ی این ملت درخشیده اند."

هکذا ....

این هم تجربه ای بس با ارزش برای انتخاب راهی روشن پیش روی پیش قراولان حرکت مردمی و روشن گرانه است و بدون شک نشریات ما هم باید این تجربه های تلخ و شیرین را پشت سر بگذارند تا راهی تکاملی را طی نمایند و به مرحله ی پیشتازی کامل آحاد مردم برسند که این تجربه میمون و مبارکی است که مردم در دسترسی جامع به اهداف و آرمانهایشان تکیه گاهی مطمئن را بر می گزینند که همه از نتایج سوء عدم شکل گیری احزاب قدرتمند در جامعه است که نشریات حلقه مفقوده آنرا با مردم تکمیل می کنند.

"بدون شک حرکت راهبردی نشریات استان در هدایت مردم حرکتی مثبت و امیدوار کننده است و این رویکردی کاملاً درخشان از اعتماد و اطمینان مردم به نشریات است که نشاندهنده ی یک روند رو به جلو و تکاملی در ساختار اجتماعی این دیار است."

واگویه های دردمندانه قلم زنان این دیار در این نشریات راه را اصلاح خواهد نمود و به مدد انوار نورانی ، قلم ، قلم زنان و هدایت گران با ارج و منزلت این دیار راه روشن اصلاحات با هر گرایش و مسلکی به سر منزل مقصود نزدیکتر خواهد گشت.

هر چند که در تجزیه و تحلیل این کارکرد و خروجی آن به این واقعیت بی چون و چرا پی می بریم که وجدان را به قضاوت این میدان بیاوریم تا همواره خرد جمعی و مصالح مردم را محور تلاشها ی خود قراردهیم و به آنانکه به ارزشها و خواستهای مردم می تازند میدان جولان ندهیم .تا آن شود که باید بشود. بامید روزهائی روشن و فردائی بهتر ...

نسیم جنوب
۴
ادب و هنر
شماره ۴۹۰ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

راز نگه دار

ترجمه: زیبا راستیان ـ نویسنده: Brian Keefe



قرار ملاقاتی که در پیش داشتم بسیار مهم بود. گم شده بودم و بسیار دیرم شده بود. باید به دنبال جایی می گشتم که مسیر صحیح را به من نشان دهند. به خود می گفتم یک پمپ بنزین از همه جا بهتر است. در حالی که در شهر سر در گم بودم عقربه بنزین ماشینم به طرز خطرناکی پایین و پایین تر می رفت و من زمان را به سرعت از دست می دادم.

در مسیر خود با نور بالا حرکت می کردم که روشنایی ایستگاه آتش نشانی را دیدم. با خود گفتم: "چه جایی بهتر از اینجا برای پرسیدن مسیر؟" به سرعت از ماشین پیاده شدم و به آن طرف خیابان به سوی ایستگاه رفتم. هر سه در بالا باز بودند و من می توانستم ماشین های آتش نشانی را با رنگ قرمز براق و درهای نیمه بازشان ببینم که با آمادگی تمام منتظر نواختن صدای آژیر بودند.

وقتی که به داخل پا گذاشتم بوی ایستگاه به سمتم هجوم آورد. بوی شیلنگ هایی که روی برج های مخصوص خشک می شدند، بوی کفش های ضد آتش سایز بزرگ و بوی کتها و کلاه های مخصوص. این بوها با بوی کف سالن تازه شسته شده و ماشین های پالیش شده مخلوط می شدند و بوی خوش و عجیب همه ی ایستگاه های آتش نشانی را به وجود می آوردند. خیلی آهسته نفس عمیقی کشیدم. چشم هایم را بستم و به روزهای نوجوانی بازگشتم. به ایستگاهی که پدرم به مدت سی و پنج سال به عنوان سرپرست مرکز کار کرده بود.

به ته ایستگاه آتش نشانی نگاه کردم. میله ی آتش نشان ها که از سقف بالا به سمت پایین می آمد، مانند طلا برق می زد. یک روز پدرم به من و برادر بزرگم "جی" اجازه داد که از روی میله دوبار به پایین سر بخوریم. در گوشه ای دیگر اتاقکی زیر زمینی بود که تعمیرکاران برای تعمیر کامیون ها به داخل آن می رفتند و پدر همیشه می گفت: "مواظب اینجا باشید." گاهی پدرآنقدرمرا می چرخاند تا مثل یک دریانورد مست گیج می شدم. این کار برایم بهتر از هر سرسره بازی بود. درکنار اتاقک، یک ماشین قدیمی فروش نوشابه قرار داشت که آرام کوکا کولا بر روی آن بود. آن وقت ها هنوزنوشابه ها در شیشه های سبز رنگ ده اونسی بودند و ده سنت قیمت داشتند. خرید از ماشین نوشابه همیشه جالب ترین بخش محل کار پدر بود. من عاشق آن بطری های نوشابه بودم.روزی وقتی ده سال داشتم دو نفر ازدوستانم را با خود به ایستگاه بردم تا پدرم را به رخ آن ها بکشم و پز بدهم. همچنین می خواستم ببینم می توانم پول چند نوشابه را از اون کش بروم یا نه. وقتی همه ی ایستگاه را به دوستانم نشان دادم از پدرم خواستم که قبل ازاینکه برای ناهار به خانه برویم برایمان نوشابه بخرد. در لحن صدایش مکثکوتاهی دیدم. اما او گفت"البته" و به هر یک از ما یک سکه ده سنتی داد. هر سه به طرف ماشین نوشابه رفتیم تا ببینیم سر نوشابه هایمان ستاره دار هست یا نه. عجب خوش شانس بودم! سر نوشابه ی من یک ستاره داشت. فقط لازم بود دو تا ستاره دیگر جمع کنم . آن ها را برای شرکت بفرستم تا برایم کلاه با آرم مخصوص ارسال شود. همگی از پدر تشکر کردیم و به سمت خانه به راه افتادیم. قرار بود پس از نهار به شنا برویم.آن روز من خیلی زود از دریاچه به خانه برگشتم. وقتی وارد هال شدم، صدای صحبت های مادر و پدر را شنیدم. انگار مادر از پدر ناراحت بود. وقتی اسم خود را از لابلای حرف هایشان شنیدم با دقت بیشتری گوش دادم. مادر می گفت: "تو باید به او می گفتی که پول برای نوشابه نداری. "برایان" درک می کند. آن پول نهار تو بود. پسرهای ما باید بفهمند که ما پول زیادی نداریم و تو باید حتماً نهار بخوری." پدرم فقط شانه بالا انداخت و هیچ نگفت.

قبل از اینکه متوجه شوند که به حرف هایشان گوش می کنم به سمت پله ها دویدم و به اتاقی که با چهار برادر شریک بودیم وارد شدم. وقتی جیب هایم را خالی کردم، سر نوشابه که آنقدر دردسر درست کرده بود روی کف اتاق افتاد. آن را برداشتم و خواستم آن را در کنار ۷ سر نوشابه ستاره دار دیگر بگذارم. اما به یاد آوردم که پدرم به خاطر این سر ستاره دار فداکاری بزرگی کرده است. پس آن را جدا گذاشتم.

شب موقع خواب به خود قول دادم که آن فداکاری را جبران کنم. روزی قادر خواهم بود به پدرم بگویم من ارزش فداکاری او را در آن نیمروز و روزهای دیگر می دانم و آن ها را هرگز فراموش نخواهم کرد.

پدرم در سن چهل و هفت سالگی اولین حمله قلبی را تجربه کرد. حدس می زنم به خاطر نوع زندگیش و داشتن سه شغل برای حمایت از خانواده ۹ نفری اش این اتفاق برایش افتاد. آن روز بیست و پنجمین سالگرد ازدواج پدر و مادرم بود. در میان همه افراد خانواده او که بزرگ ترین، پرسر و صدا ترین و قوی ترین ما بود نشان داد که اولین ترک در زرهی ایجاد شده که ما بچه ها فکر می کردیم همیشه غیر قابل نفوذ باقی خواهد ماند.

در طول هشت سال بعد پدرم با بیماری می جنگید و سه حمله قلبی دیگر رااز سر گذراند. تا آنکه با قرار دادن دستگاه تنظیم تپش قلب در سینه اش کمی آرام گرفت.

در یک بعد از ظهر ماشین پدرم خراب شد و به همین دلیل به من تلفن کرد تا من او را برای چک آپ سالیانه اش پیش دکترش ببرم. وقتی وارد ایستگاه آتش نشانی شدم پدرم را همراه با همه ی آتش نشان ها در بیرون از ساختمان دیدم که همگی به دور یک کامیون پیکاپ نو حلقه زده اند. این یک پیکاپ فورد آبی پررنگ و زیبا بود. به پدرم گفتم چه ماشین قشنگی است. و او گفت که یک روز یکی از آن را خواهد خرید. ما هر دو خندیدیم. این رویای همیشگی او بود و همیشه غیر قابل دسترس می نمود.

در این زمان، من و برادرانم در زندگی شخصی خود آدم های موفقی در تجارت بودیم. ما بارها به او پیشنهاد کردیم که برایش یک کامیون بخریم اما او همیشه پیشنهاد ما را قاطعانه رد می کرد و می گفت: "اگر خودم نتوانم آن را بخرم، نسبت به آن هیچ احساس مالکیتی ندارم.

وقتی پدرم از مطب دکتر بیرون آمد از خراش ها و سوراخ هایی که روی پوستش ایجاد شده بود، بسیار رنگ پریده به نظر می رسید. به من که رسید فقط گفت: "برویم." توی ماشین نشستیم. متوجه شدم اتفاقی افتاده. در سکوت به راه خود ادامه می دادیم اما می دانستم که پدرم بالاخره به من خواهد گفت که چه اتفاقی افتاده.

در مسیر طولانی که به سمت ایستگاه می پیمودیم وقتی از کنار خانه ی قدیمی مان، زمین بازی، دریاچه و فروشگاه کوچک عبور می کردیم، پدرم از گذشته ها تعریف می کرد و خاطراتی که از هر یک از این محل هل در او زنده می کرد. آن وقت بود که احساس کردم او دارد می میرد. همان موقع به من نگاهی انداخت و سرش را به علامت تصدیق تکان داد. در کنار بستنی فروشی "کبوت" ایستادیم. برای اولین بار در طول پانزده سال گذشته با هم بستنی خوردیم. آن روز را به راستی با هم حرف زدیم.

او به من گفت که چقدر به ما افتخار می کند و اینکه از مرگ نمی ترسد. ترس او فقط این بود که از مادر جدا می شود. به او لبخندی زدم . تا به حال هرگز مردی را ندیده بودم که اینقدرعا شق زنی باشد.

آن روز از من قول گرفت که در موردِ مرگ قریب الوقوع او با کسی صحبتی نکنم.

وقتی قول دادم فهمیدم که این سنگین ترین وسخت ترین رازی است که تا به حال حفظ کرده ام.

در آن مو قع من و همسرم به دنبال یک کامیون یا ماشین نو می گشتیم. پدرم فروشنده فروشگاه «کاچیتوت موتورز» در«ویلند» را می شناخت ازاو خواستم که با من بیاید تا ماشین یا کامیون نو ومناسبی پیدا کنم. وقتی وارد نمایشگاه شدیم و من مشغول صحبت با فروشنده شدم متوجه شدم که پدرم به یک کامیون پیکاپ فوق العاده زیبای شکلاتی و متالیک که هیچ یک از ما تا حال ندیده بودیم، خیره شده. پدرم را می دیدم که مثل مجسمه سازی که شاهکارش ر با دو دست لمس می کند، به ماشین دست می کشد. گفتم:" پدر فکر می کنم باید یک کامیون بخرم. می خواهم مصرف بنزینش هم کم باشد." وقتی فروشنده، نمایشگاه را ترک کرد تا شماره اتومبیل را از دفتر کارش بیاورد به پدرم پیشنهاد کردم که کامیون را برای یک سواری کوتاه بیرون ببریم.

پدرم گفت: "اما تو آن قدر پول نداری که این را بخری." گفتم: "این را من و تو می دانیم امّا فروشنده که نمی داند."

با هم راه افتادیم تا به جاده شماره ۲۷ رسیدیم. از پدرم خواستم پشت فرمان بنشیند. ما مثل دو بچه بلند بلند می خندیدیم. او به مدت ده دقیقه رانندگی کردو در موردِ زیبایی و خوش فرمانی ماشین می گفت و من...

وقتی به نمایشگاه برگشتیم یک کامیون ساندونر کوچک انتخاب کردیم. پدرم گفت که این کامیون کوچک بهتر است و چون من مسافت های طولانی رانندگی می کردم مصرف بنزین آن کمتر بود. قبول کردم و با فروشنده معامله را تمام کردم.

چند شب بعد به پدرم تلفن کردم و از او خواستم برای آوردن ماشین جدیدم با من به نمایشگاه اتومبیل بیاید. او با خوشحالی قبول کرد و گفت :"برویم به کامیون قهوه ای هم نگاهی بیندازیم."

وقتی به حیاط نمایشگاه رفتیم، کامیون کوچک آبی من با کاغذی بر روی شیشه اش که نوشته شده بود "فروخته شد" در جلوی ماشین ها پارک شده بود. در کنار آن پیکاپ قهوه ای براق و درخشان با کاغذ بزرگی که بر روی شیشه اش نوشته بود: "فروخته شد" قرار داشت.

نگاه سریعی به پدرم انداختم و ناامیدی را در سراسر صورتش دیدم. گفت: "یک نفر برای خودش یک کامیون زیبا خریده است." سرم را تکان دادم و گفتم: "پدر می شود به داخل بروی و به فروشنده بگویی من الان ماشینم را پارک می کنم و می آیم؟" وقتی پدرم از کنار کامیون قهوه ای می گذشت دستش را بر روی آن کشید و من باز آن جرقه ی ناامیدی را در صورتش دیدم.ماشینم را کمی دورتر از ساختمان پارک کردم و از پنجره به مردی نگاه کردم که همه ی وجودش را برای خانواده اش داده بود. فروشنده را دیدم که او را نشاند و دسته کلیدی در دستش قرار داد. دسته کلید کامیون قهوه ای را و به او گفت که این ماشین هدیه من به اوست و اینکه این یک راز است.

پدرم از پنجره بیرون را نگاه کرد. نگاه هایمان به هم برخورد کرد و هر دو خندیدیم.

بیرون از خانه ایستاده بودم. پدرم آن شب به خانه ی ما آمد. وقتی از کامیونش پیاده شد او را در آغوش گرفتم و بوسیدم و به او گفتم که چقدر دوستش دارم و به او گفتم که این یک راز است. آن شب با هم برای یک سواری بیرون رفتیم. پدرم گفت: "می فهمم چرا کامیون را برایم خریدی اما نمی دانم معنی این سر کوکاکولای ستاره دار که وسط فرمان چسبانده ای چیست؟"

اسما رستمی
شاعر دوشنبه های ادبی نسیم



می سرایم
قدم هایی را که هیچ آهنگی ندارند
در سکوت محقری
که رنج انتهای ظلمت را افزون می کند
دلم گرفته است
و تصور حیات تپش های شتابناک
تنهایی ام را ترتیل می کند
کم نیستند
چشم هایی که در تصادف دیدنشان
جوابی برای گفتن ندارند
دلم گرفته است
و همه خلوتم خالی از جریان شاعرانه یی ست
در پناه سایه یی کز می کنم
که تاریخ بودنش
به هیچ تمدنی نمی رسد
و رهایی اصراری است بر گمان مفهوم های کهنه یی
که با چشمان باز مرده اند
و این منم
* بین بیست و هشت درجه و پنجاه و نه دقیقه
و سی ثانیه عرض شمالی
و پنجاه درجه و پنجاه و یک دقیقه و پانزده ثانیه طول شرقی
از نصف النهار گرینویچ
از سرزمینی که در ساحلش
پریان آوازهای غم انگیز می خوانند
دلم گرفته است

*موقعیت جغرافیایی بوشهر بر کره زمین

با حضور بزرگان شعر وادب استان

نشست هم اندیشی ادبی در شهر آبدان

ابراهیم دانش خبرنگار نسیم جنوب در شهرستان دیر: اهالی شهر آبدان در اخرین شب از دومین ماه زمستان در یک هوای سرد شاهد یک رویداد بزرگ فرهنگی در این شهر بودند. این مراسم که به ابتکار شورا ی اسلامی و شهرداری این شهر و با حضوربزرگ اساتید ادبیات استان؛ دکتر سید جعفر حمیدی ؛دکتراحمد کازرونی ؛ سید صادقی؛ حیدر عرفان؛ عبدالمجید زنگویی؛ خانم پولادی و دهها شاعر و صاحبان قلم و اندیشه با حضور بی نظیر و گسترده اهالی خصوصا جوانان این منطقه ومسولین محلی و شهرستانی (فرماندار خسروی و معاونین ایشان و روسای فرهنگی شهرستان و علی کرمی رییس سابق اموزش وپرورش شهرستانهای دیر و کنگان) در سالن نوساز مدرسه شهید مطهری که هنوز مورد بهره برداری قرار نگرفته است برگزار شد (توضیحا : شهر آبدان با داشتن توانمندیهای بالای فرهنگی و چندین گروه هنری و علاقمندی مردم به این گونه مراسمات شاید باور کردنی نباشد ولی حقیقت دارد که در میان شهر های استان و شاید کشور تنها شهری است که مکانی مناسب همچون سالن اجتماعات برای تشکیل چنین نشستهای را ندارد و همواره یکی از دهها مورد از گلایه و درخواست به مسئولین همین بوده است).

به هر حال این مراسم در دو بخش نقد وبررسی جایگاه ادبی استان وشهرستان در کشور و قراعت شعر شاعران برگزار شد . پس از خیر مقدم توسط شهردار و رییس شورای اسلامی این شهر و ارائه گزارش نشست توسط دبیر همایش بهرام جعفرزاده که با مجری گری خوب سید موسوی کراماتی از شاعران کشوری همراه میشد. دکتر حمیدی طی سخنانی با تقدیر از جوانا ن علاقمند به ادب و شعر از دوستداران این مقوله خواست که بیش از این به مطالعه متون و ادبیات فارسی بپردازند . ایشان با توجه به اینکه به خوبی شاعران این دیار را میشناسد از فرهنگیانی که در گذشته برای اعتلای فرهنگ غنی فارسی این استان ریاضت کشیده اند به نیکی یاد نمود. دکتر احمد کازرونی، سید صادقی، عرفان، زنگویی و پولادی هم دیگر سخنرانان این نشست ادبی بودندکه هر کدام به نوعی از زبان و ادبیات فارسی به نحو شایسته دفاع نمودند که با تشویق حضار استقبال و بدرقه میشدند .(گرچه همانطور که مرقوم داشتم با توجه به پیش بینی استقبال گسترده و کمبود صندلی؛ جوانان علاقمند در فضای محوطه یا در وسط سالن مستمع برنامه بودند؛ ولی هوای سرد و کمبود جا دلیلی بر خستگی یا گسستگی مراسم نگردید و سخنان دلنشین اساتید بر شور و هیجان و گرمی مجلس می افزود.)

در قسمت دوم برنامه نوبت به قرائت شعر توسط شاعران رسید که به رسم ادب و احترام به مهمان ابتدا شاعران شهرستان کازرون (خصوصا نوید زارع با طنز سیاسی) اشعار خود را اجرا نمودند. در ادامه شاعرانی از شهرهای مختلف استان همچون کاکی ؛ بردخون ؛ دیر ؛ آبدان؛ دوراهک و... سروده های خود را تقدیم حضار نمودند . این مراسم تا پاسی از شب ادامه داشت و در پایان همایش مهمانان لوح تقدیر و هدایای خود را از دست فرماندار خسروی و مسئولین محلی دریافت نمودند .

یازدهمین جشنواره تئاتر دانشجویی بهار آزادی بوشهر برگزار می شود

محمد امید پور عباسی : جشنواره ی تئاتر دانشجویی بهار آزادی توسط گروه هنرهای نمایشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر از تاریخ ۱۹ تا ۲۳ اسفند ۸۶ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (عالی شهر) برگزار می گردد. از ۴۶ متن راه یافته به جشنواره حدود ۱۷ نمایش توسط هیات بازرسی مورد داوری قرار گرفت و از میان آن ها ۸ اثر نمایش در بخش مسابقه و دو اثر در بخش جنبی پذیرفته شدند که عبارتند از :

۱ – زیباترین سردار من – نویسنده و کارگردان: بهزاد و دوانگه ۲ – شاید نجات یابیم – نویسنده : ساموئل گوسیان کارگردان : مجید شافعی ۳ – آرزو یک نگاه – نویسنده و کارگردان : آیت اسدی ۴ – پستو خانه – نویسنده: حمید امجد کارگردان : بابک دهقانی ۵ – اسم شب – نویسنده : سید حسن وزانی کارگردان : محمد امیر پور عباسی ۶ – هتل عروسی – نویسنده: چیستا شربی کارگردان : سارا واحد نوعی ۷ – آرزوی مرگ – نویسنده و کارگردان : سیاوش قایدی ۸ – عروسی خون – نویسنده : گارسیا لورکا کارگردان: زهرا مزیور

آثار بخش جنبی : ۱– می خوام برم... نویسنده و کارگردان: رضا محمد زاده ۲– چه کسی جنگ را آغاز کرد؟ نویسنده : امین ابراهیمی کارگردان : شهرام الماسی هیات بازبین: دکتر محمد رضا شهبازی – یونس حیدری و خلیل مولودی

ضمنا مراسم افتتاحیه و اهدا جوایز در تاریخ ۸۶/۱۲/۲۳ در همان دانشگاه برگزار می شود.

روز ملی خلاء فرهنگی

علی رضا لطیفی ـ در حالی که رفته رفته آخرین روزهای سال هم می آیند و می روند، چندی قبل حداقل برای چند روز هم که شده روزجهانی عشاق، تبدیل به گفتمان غالب نسل جوان شد، پدیده ای که هر سال جای خودش را بیش از پیش درمحافل ایرانی باز می کند و شگفت که هر چه تارهای تنیده شده بر دست و پای نسل پس از انقلاب، چسبنده تر می شود، کورسوهای امید، رنگ و لعاب بیشتری به خود گرفته و هم چون قطره خون جا مانده بر برف، بودن خود را فریاد می زنند. این که چگونه درعرض چند سال اخیر، روز عشاق خودش را به چنین جایگاهی درفرهنگ کشورمان رسانده می توان به دلایل چندی اشاره نمود. از جمله فراگیر تر شدن بحث رسانه هاست، به ویژه این که این گونه به نظر می رسد هر سال تعداد مخاطبین امواج دریافتی از طریق ماهواره ها بیشتر از قبل می شود. در این مورد هیچ گاه آمار رسمی منتشر نشده است. اما تاثیر کانال های ماهواره ای بر روی افکار جامعه قابل انکار نیست. آن چه از بدو انقلاب به عنوان یکی از محورهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته، حذف نفوذ فرهنگ غربی بر قضای حاکم بر ایران بوده است. درحالی که امروز با تسهیل امکانات ماهواره ای که آگاهانه یا غیر آگاهانه دراختیار عموم قرار می گیرد و گسترش کانال های فارسی زبان – این امواج فرامرزی پلی شده اند جهت انتقال فرهنگ غیر ایرانی به داخل کشور. نیم نگاهی به اهمیتی که کشورهای تمدن ساز به حفظ آثار و نمادهای هویت ساز خود دارند، تلنگری است به ما که قدر از این قافله عقب هستیم. بحث جهانی شدن یا گلوبالیزاسیون، بحثی است که کشورهای تاریخ ساز همواره با احتیاط به آن نگریسته اند. ما در این بین فقط پدیده های رونما و نمادین را وارد فرهنگ خود کردیم و از جنبه های سازنده ی جهانی شدن دور مانده ایم. اگر امروز شاهد فرار مغزها و سرمایه از کشور هستیم فرار فرهنگ هم می تواند ضلع سوم این مثلث شوم باشد. دوم آن که مسوولین صدا و سیما صرفا به جایگاه تبلیغاتی برنامه های رادیو و تلویزیون توجه دارند و کمتر سلایق و نیازهای مخاطبین را مد نظر قرار می دهند. به عبارتی در شرایط طبیعی امکان رقابت برنامه های داخلی چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی با شبکه های خارجی وجود ندارد.

این نابرابری کیفی مختص محصولات فرهنگی نیست. به عنوان مثال اگر دولت جهت جبران سطح کیفی نازل صنعت خودروسازی خود با افزایش غیر معقول تعرفه گمرکی خودروهای با کیفیت خارجی، محصولات داخلی را به خود مصرف کننده داخلی می دهد، درارتباط با محصولات فرهنگی چون بحث سود و زیان ریالی درآن مطرح نیست به امان خدا رها می شوند و برخی نیز چاره ای جز روی گردانی به سمت پشت بام های خود ندارند. پدیده ای که آرام آرام اثرات خود را بر روی افکارعمومی نمایان می کند. یکی از تابوها نیز نمادها و آداب و رسوم کهن ایرانی بوده به طوری که کم رنگ کردن این نمادها سرلوحه ی سیاست گذاران اصلی برنامه ها صدا و سیما بوده است. هر چند با آرامتر شدن شور اولیه، موارد افراط کمتر دیده می شود اما حذف رگه های اصلی فرهنگ تاریخی آن مرز و بوم کماکان تداوم داشته است گویی که تمام آن چه ما امروز تحت قالب فرهنگ و میراث تاریخ اجتماعی ایران به یاد داریم، همه و همه زاییده ی دوران سلطنت پدر و پسر در طول ۵۷ سال پادشاهی سلسله پهلوی بوده است و حال باید کاملا محو شود. همان گونه که برای انسجام و تثبیت زمین وجود کوه های سر به فلک کشیده لازم و ضروری است و قرن ها طول می کشد تا خاک به سنگ تبدیل شود، برای زایش یک بستر فرهنگی، سال ها و سال ها زمان لازم است. عدم توجه و بی سیاستی می تواند مانند یک تند باد، ریشه این درخت کهن را که حافظ اصلی خاک این کشور است را سست نماید. بسیار دردناک است که همزمان جشن عشاق در کشوری مثل ایران همانند امیرنشین کوچک جنوب ایران امارات متحده عربی برگزار می شود. اگر امیر نشین دبی به دلایل فرهنگی، تجاری گردش پول و... عشاق را با آب و تاب به بزم می نشیند، آیا ما هم باید همان رویه را دنبال کنیم. آیا به لحاظ قدمت می توان پیشینه ی فلات ایران را با شیخ نشین های خلیج فارس مقایسه نمود؟ آیا ادبیات،عرفان و هنر و دانش ایرانی جایی در زمینه فکری این حاشیه نشین ها دارد؟ چرا باید شاهد برگزاری جشن مشترک با کشورهایی باشیم که هرگز درحد و اندازه نام ایران نبوده و نیستند؟

دیر زمانی پس از سقوط هخامنشی در زمان قرن تسلط سلوکیان یونانی تبار در این مرز و بوم برای محو زبان پارسی در معابرعمومی سرباز یونانی گماردند تا کلیه مکالمات به زبان یونانی انجام شود اما، اجداد ما ضربات تازیانه را بر نابودی زبان مادری شان ترجیح دادند و آن چه را داشتند به ما سپردند. روز سپندارمزد یکی از همان گوهرهایی است که از تاراج بیگانه به سلامت گذشته و به دست ما رسیده، بزرگداشت روز باستانی سپندارمزد به جای نمونه وارداتی آن بدون شک نه پاعث کاهش تورم افسار گسیخته آن هم در شب عید می شود، نه مشکل بنزین را حل می کند، و نه درد فوتبال بدون سر مربی مانده را حل می کند، نه باعث بهبود کیفی سینما و صنعت و... می شود. اما یادمان نرود که ما کشوری هستیم فارسی زبان و ایرانی. چه بسیار خون ها ریخته شده که این زبان و این نژاد باقی بماند و مانده است. آن چه ما را تا به حال سرا پا نگه داشته است لبه تیز شمشیر نبوده است بلکه نگهدارنده این چار چوب فرهنگ غنی ایرانی بوده است. صفحات تاریخ پراز لشکرکشی اقوام عرب، مغول، ترک و رومی و.. به این مرز و بوم است. چه لاله هایی که با شمشیرهای آخته دشمن بر زمین نریختند، چه سینه هایی که پیکان تیز دشمن در آن فرو نرفت، اگر بنا بود لبه برنده شمشیر و غرش سهمگین میدان های جنگ ایران را نابود سازد، مطمئن باشید این چند سطر هم امروز به یکی از دو زبان عربی یا ترکی به نظرخواننده ی محترم می رسید. اتفاقی که در طول چرخه ی تاریخ برای خیلی از اقوام افتاد و نام و نشانی ازآن ها بر جای نماند.

اگر بی توجهی به نمادهای ایرانی تداوم داشته باشد، دور از ذهن نخواهد بود که نسل بعد از ما به جای جشن های شب یلدا، اول مهر، چهارشنبه سوری، عید نوروز، و روز طبیعت و... از معادل های وارداتی آن ها استفاده کند. شاید به زودی در ابتدای زمستان شاهد فروش عروسک های بابا نوئل هم در ایران باشیم. مثل یک کابوس سیاه است در سرزمینی که یادآور دلاوری های آرش، سیاوش، سهراب، آریوبرزن، طاهره غره العین، امیرکبیر و نهایتا حماسه ی خونین هزاران جوان و پیر خفته در خاک گلگون مرزهای کشور در طول ۸ سال جنگ با متجاوز می باشد، در این بین شاهد جشن هایی نظیر والن تاین، جشن هالووین، جشن تخم مرغ در آمریکا و غیره و غیره باشیم.

نقدی بر ترجمه ی "جایی برای آویختن فانوس نیست"

شراره ی اقدام– کارشناس زبان وادبیات انگلیسی

در شماره ۴۸۷ هفته نامه ی نسیم جنوب به تاریخ ۲۱ بهمن ۸۶ داستان "جایی برای آویختن فانوس نیست" چاپ شده بود که آقای ایلیا پارسانیا آن را ترجمه کرده بود. آن چه از متن برمی آید، فضای تقریبا روستایی داستان است و مکالمات افراد در متن اصلی داستان محاوره ای است که مترجم لحن محاوره ای افراد را به خوبی در ترجمه حفظ کرده است. اما استفاده کلمات کم کاربرد، از همان ابتدای داستان مشهود است، کلماتی از قبیل: بنک (قهوه)، ستورگاه (اصطبل)، سه (احساس)، افسوسمند (متاسفانه) و... البته مترجم با دادن پی نوشت در انتهای متن، خواننده را از منظور خودآگاه کرده است، اما ای کاش همان معانی کاربردی در زبان فارسی را از همان ابتدا در متن به کار می برد تا چشم خواننده را با دادن علامات متعددی به پایین متن نکشاند، چرا که نه تنها باعث ایجاد مکث در خواندن داستان می شود بل که این فکر را در ذهن خواننده ایجاد می کند که مترجم در انتخاب واژگان قدرت تصمیم گیری کافی را نداشته و با شماره گذاری کلمات، قصد در القا مفهوم مورد نظر خود را دارد. استفاده از جملات سنگین و انتخاب ساختار ادبی کلمات در متن، حس شاهنامه خوانی را در خواننده ایجاد می کند. گویی این شخصت های شاهنامه هستند که در اصطبل چشم به راه گوساله ای هستند. کلماتی چون: آوای خشمناکی، مودی بی آوا و خموش، هنگامه ی زیبا و دیدنی، با فره و رادمرد، آغازید، نوازید ، ناگهانه ی ناگوار، سخن گشود، خسبید و .. از طرف دیگر مترجم با آوردن عبارات عامیانه از قبیل" گرفت نشست" در جمله ی«نت گرفت روی زمین نزدیک الیو نشست» و«سخن کسی را گرفتن» به معنای متوجه شدن در جمله ی«نت با مودی سخن گفت بدان سان که مودی می توانست سخنان او را بگیرد» خواننده را بر سر دو راهی قرار می دهد که آیا با یک متن عامیانه روبه رو است و یا با داستانی با کلمات و عبارت های ثقیل. جملات عجیبی که د ر متن دیده می شود به هیچ وجه قابل توجیه نمی باشد چرا که نه تنها مترجم به وظیفه خود که همان انتقال مفاهیم از زبان مبدا به مقصد است به درستی عمل نکرده است ، بل که علامت های سوال فراوانی در ذهن خواننده ایجاد می کند و او را بیشتر سردرگم می کند و حتی گاهی اوقات باعث می شود خواننده به سواد فارسی خود شک کند. جملاتی چون: "دل آسودگی از این که چه کار می کند را نداشت"،" سهش سنگینی می کرد و آهسته این و آن سو می رفت" ،" تاریکی اولیو را از جا به در می برد"،" کجا با این تنهایی ؟" ،" ترس و لرز را دریافتن"،" هراس چندان درازی را در نمی یافت"،" سهش گرمی و خرسندی در او پیدا شد"،" آوای خشمناکی در آورد" ،" تنها رک و خیره به مودی چشم دوخته بود". به نظر می رسد مترجم در انتخاب افعال با مشکل مواجه است عباراتی همچون: ترس و لرز را دریافت به جای احساس کردن، آوا در آوردن به جای سر دادن، رک به چیزی چشم دوختن!!! و خواننده با دیدن جمله « هر آن دم بزاید» به یاد عبارت « تکرار مکررات » می افتد ، چرا که هردو کلمه ی" آن" و "دم" به یک معناست و استفاده ی این گونه از آن ها، کاملا نابه جاست. کمی که به پایان داستان نزدیک می شویم به جمله ی« دست های یکدیگر را در دست و سرگرم نوشیدن بنک بودند» بر می خوریم که به اشتباه فعل" بودن" به قرینه حذف شده است زیرا «دست های یکدیگر را در دست بودند» معنای درستی ندارد.

از آن جا که قبلا هم ترجمه ی" ساندویچ برنجی" را از همین مترجم در این هفته نامه خوانده بودیم با خواندن این ترجمه واقعا جای تعجب داشت که چگونه چنین مترجمی این ترجمه ی ضعیف را ارایه داده است!

نسیم جنوب
۵
گزارش
شماره ۴۹۰ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

حکایت سفر باقر خودرو قباکلکیانی به ابوشهر

اندر حکایت رجل المجلس

به کوشش مهدی جهانبخشان



چون دریای متلاطم رد صلاحیت به آرامش نشست و کشتی نشستگانی چند به ساحل امن پای بگذاشتند، روزی به سرای پیرزن منگ منگو شدیم بهر احوال پرسی. در آن سرای نامزدانی چند بودند نیز و بدان جای شده بودند تا مگر آن عجوزه ، آنان را مقبول طبع افتد و خلایق را بفرماید بهر مجلس شورا، نامزدان در صندوق اندازند. پس هر کس از خود می گفت و برنامه ها که داشتند و آن چه که آنان را مال و منال و مطاع دنیوی بود و بی کم کاست. پیرزن روی به اول کس کرد و بفرمود: خو ننه بگو ببینم چه داری چه نداری؟

اول کس بفرمود: مرا مرکبی باشد بسیار گران که کمتر کس اندر این دیار تواند آن را ابتیاع بفرماید. شیشه ها هم دودی چون بر مرکب سوار شوم هیچ کس مرا از پشت شیشه رویت نفرماید و اندر آن مرکب با موبایل بیع و شراء کنم با چین وماچین و دبی و اروپا اقصی نقاط عالم. مرا عمارت های بسیاری است و ویلاها اندر شمال و بسیار جای و نیز مرا فرزندی است که اندر چین باشد.

پیرزن بفرمود: میگم ننه یی بچت سی علم بیسی کردی چین که گفتن برو پی علم حتی تو چین؟ اول کس گفت: نی، آن دوران که به چین می شدند در طلب علم سر آمد؛ او را بفرستادم که هنر تجارت آموزد و کالا فراهم آورد و باسفاین بفرستد و سودها بر من حاصل آید.

پیرزن گفت: بعدی بیاد ببینم او چه داره؟ دوم کس بیامد و بگفت: مرا از این جهان فانی هیچ نبود جز پیکانکی قراضه و آلونکی که آن نیز در رهن بانک باشد، کارم اندر دیوان باشد و حقوق هیچ کفاف نکند. خود و اهل بیت نیز آرزو این باشد که مرغی تاکل کنیم و یا تکه گوشتی از گوسپندی. و نیز ما را هیچ گاه جامه ی نو بر تن نباشد و هر آنچ که داریم به خیاط دهیم تا آن را رفوع کند و با ز بر تن سازیم.

سوم کس بیامد و او بسیار می گریست و قصه می کرد از خود با درد و حرمان و هیچ کلمه نبود که از دهان خارج سازد بی دریای اشکی. او با پیرزن گفت: مرا از این دنیای هیچ سهم و بهره نباشد الا بیچارگی و مشقت دنیا و رنج و تعب تحصیل قوت لایموت. هیچ ندانم که گوشت را مزه چه باشد و سالی چند است که دندان بر گوشت ماکیان ننهاده ام حتی اندر خواب و رویا، مرا منزلی اجاره ای و هیچ مرکب ندارم الا فرغونی که آن هم دسته اش بشکسته و تایرش نیز مدام پنچر باشد و مرا نه سرایی است و نه عمارتی و نه باغی و نه باغچه ای که دلخوش این عالم گرداند من خواهم پای به مجلس نهم تا مگر درد بی چیزان و فقیران رابر همگان بنمایانم و درد آنان را چاره گو باشم. و تا این بفرمود از زیادت گفتار درد آلود از هوش بشد. چون به هوش آمد بدید که پیرزن آن کس اول را مقبول طبع اوفتاده است و بر او نظر دارد که به حمایت از او برآید و خلایق را نیز ندا دهد که دل با او دارند. پس چون از سرای برون شدیم منو گفت: یا شیخ در تعجبم که این عجب چنان مرا درخود بفشرده است که حالت خفقان بر من مستولی گشته است.

گفتم ازچه روی؟

گفت: زآنرو که این عجوزه که خود از طرفداران ضعفا باشد بهر چه دل را با آن کس داشت که او را عمارت ها بود وویلاها و مرکب گران قیمت؟

گفتم: منو خود دانی و همه دانند که مردمان این دیار، از صدق و یا بی خبری آدمی را به مجلس گسیل داشتند و بهر وکالت که او را هیچ نبود الا موتورگازی و هیچ جامه بر تن نداشت الا البسه ای مندرس و خلقان و چنان اندر گرسنگی پیچیده بود که شکم بر کمر سلام می فرمود و این وکیل تا پای به مجلس بنهاد و رقابت را مشاهده فرمود بهر رسیدن به مطاع دنیا، همگان را به باد نسیان بسپرد. و به تغافل آلوده گشت و هیچ او را یادی از دیار و یار نبود. حال چرا مردمان ابوشهر عذاب را برخود هموار سازند و گرسنه ای و بی نوایی را به مجلس فرستند که باز مردم را فراموش فرماید و کیسه زر را پر جوش، پس منعمی را فرستند که او را جیب از زر و مال تهی نباشد.

منو گفت: آفرین بر این عجوزه و آفرین بر تو که چنین به اسرار واقف آمدی.

تغییر هویت در شناسنامه های جدید

محمد کنگانی – بندر طاهری (سیراف)

خداوند انسان ها را با در اختیار قرار دادن عقل و احساس به صورت احسن الخالقین خلق نمود و آن بهترین موجود خداوندی، در جهت تزاید نسل ها و افزایش جمعیت با انتخاب زوج مناسب، مبادرت به ازدواج نمود تا این سلسله جنبان طبیعی و الوهی به جنبش زنجیروار خود در عرصه ی جهان مادی ادامه دهد. و از آن جا که بشر به دلیل نیاز و ادامه زندگی، نقطه ای را انتخاب و در آن روزگار را به بدبختی و یا آسانی سپری می نمود و در همان جا به زاد و ولد امرار معاش و همچنین تزاید نسل و افزایش ایل وتبار و عشیره مشغول بوده است و در هر زمان و هر مکانی فرزندی متولد می شده، پس از مدتی، ثبتی های سیار سازمان سجلات با در دست داشتن مدارک موجود به ایلات عشایر و آبادی ها روانه گشته و به آن هایی که چشم به این دنیای مدرکی گذاشته اند در همان نقطه و با نام همان مکان سجل صادر می نمودند. ولی حال که دهکده جهانی ارتباطات و اینترنتی، دنیای گسترده کنونی را به هم وصل و مرتبط نموده و کوچکترین وقایع در کرات مورد تحقیق با کمترین زمان بر سایت خبرگزاری ها و شبکه های اینترنتی مورد استفاده قرار می گیرد ثبت احوال با استفاده از این جادوی ارتباطی و روابط قلوب مصنوعی دنیا، دارد دست به کاری می نزد تا آبادی ها، روستاها و شهرهای کوچک را از صفحه سجلات و تاریخ محو نماید!

با این وجود کمبود شدید امکانات زایمانی و استفاده از ماماهای محلی که روزگاری کبکبه و دبدبه ای برای خود داشتند و همچنین مرگ و میر زیاد نوزادان و زائوها در هنگام تولد، مسوولین بهداشتی کشور را بر آن داشت که اصرار بر وضع حمل زائو در زایشگاه ها و بیمارستان ها نمایند و حتی الامکان از زایمان آنان در منزل خودداری گردد، این را منوط به صدور شناسنامه با مجوز بیمارستان و یا زایشگاه مربوطه دانستند و کسانی که در منزل متولد شده بودند را با پیچ و خم های اداری سر در گم و تا صدور شناسنامه مورد بازیچه قرار می دادند.

حال به این نکته می رسیم که این امر دولت و مسوول بهداشت و درمان در ایجاد شرایط مثبت و بهداشتی کاملا عملی اصولی و مورد تقدیر می باشد که همین امر باعث کاهش مرگ و میر نوزادان و زائوها در ایران شده ولی متاسفانه موجب افزایش سزارین در کشورمان گردیده که در دنیا حایز رتبه بالایی می باشیم.

ولی موضوع عدم داشتن امکانات زایشگاهی آبادی ها، روستاها و شهرهای کوچک، آیا بایستی موجب حذف آنان از شناسنامه های صادر گردد؟ و محل تولد آبا و اجداد شان به علت تولد در فلان شهر بزرگ به دلیل شرایط اضطراری و ... در شناسنامه آنان درج نگردد تا در آینده به نوعی بی هویتی دست یابند؟

هر چند تاریخ هر منطقه نشانه ی هویت آن منطقه است و جوانان آن منطقه نیز با نشات از سابقه درخشان تاریخی و زندگی آبا واجدادی به هویت ملی، تاریخی و اسلامی خود دست می یابند و این نکته جزیی از نظر مسوولین، اما بزرگ را نباید فراموش کرد و به خاطر فشار یک دکمه کامپیوتر یک نفر را در بی هویتی غرق نمود. پس شایسته است مسوولین مربوطه با در نظر گرفتن نظریات سایر کارشناسان امر، نسبت به درج نام آبادی ها، روستاها و شهرهای کوچک مبادرت نمایند تا فردی که به مدت نه ماه در شکم مادری که در این مناطق بوده، فقط به خاطر ۲۴ ساعت زایش در شهر و مراکز شهرستان ها، موجب حذف نام موطنش در شناسنامه گردند. و این که تاریخ را می توان با جزییات به نسل های آینده انتقال داد و همیشه ذره است که موجب تشکیل اجسام بزرگ تر می گردد و با این هویت دادن های فردی می توان به هویت ملی و سترگ دست یافت که توفان حوادث هم نتواند آن را تکان دهد.

نگاهی به وضعیت فعلی اتوبوسرانی در بوشهر از منظر مردم

اتوبوسرانی بوشهر رو به بهبود است



مدتی است که مردم به جای گلایه و شکایت، از سرویس دهی خوب و به موقع و منظم شدن خطوط اتوبوس ها صحبت می کنند و درکل از بهبود یافتن آن نسبت به ماه های اخیر می گویند. به اعتقاد آن ها سازمان اتوبوسرانی و سرویس دهی آن نسبت به گذشته تغییر چشمگیری داشته و از نظر برنامه ریزی درست و نظم دهی آن با گذشته قابل مقایسه نیست.

اگر کمی به عقب برگردیم و روزهای آغازین سهمیه بندی بنزین را به یاد بیاوریم متوجه خواهیم شد که چه روزهای سختی بود که بر ما گذشت.

یکی از نگرانی های مردم، حمل و نقل شهری بود تا این که اتوبوسرانی با تدابیری که اندیشید اجازه نداد بیش از این به مردم سخت بگذرد و این مشکل و حمل و نقل عمومی را نه به صورت کامل اما تا حدودی رفع کرد.

این موضوع آشکار قابل انکار نیست که حالا اتوبوسرانی بار اصلی حمل و نقل عمومی را به روش می کشد و این گونه است که عده ای از این وضعیت خرسندند و در این مورد اظهار نظر می کنند. در این میان نقش اصلی را مدیر جدید اتوبوسرانی بر عهده داشته است.

در پارکینگ مرکزی هستیم و یکی از مسوولین از طریق بلندگو ساعت حرکت اتوبوس ها را اعلام می کند. پارکینگ اتوبوسرانی مملو از انسان هایی که منتظر اتوبوس مورد نظر هستند.

سبزآباد – ریشهر– امامزاده – سرتل ...

مدتی ست که برای هر کدام از این مسیرها اتوبوس هایی در نظر گرفته شده و به نظر من این یکی از بهترین اتفاق هایی ست که رخ داده است. سرتل آخرین مسیر سرویس سبز آباد است و من که ساکن آن منطقه هستم سریعتر از گذشته به مقصد می رسم. این را ابراهیمی ساکن محله سرتل می گوید.

امیری از بهتر شدن وضعیت اتوبوسرانی و بیشترشدن تعداد اتوبوس ها تعریف می کند و می گوید : وضعیت خوب شده ، حتی برای محصلین هم سرویس ویژه خواهران و برادران در نظر گرفته اند. البته قبلا هم سرویس محصلین بود اما الان برای هر کدام از مسیرهای مختلف سبز آباد – ریشهر و سرتل سرویس در نظر گرفته شده واین خیلی خوب است.

هر پانزده دقیقه مسوول مربوطه حرکت اتوبوس سریع السیر سبزآباد، سریع السیر بهمنی و دواس را اعلام می کند، البته اتوبوس سریع السیر تنها عصرها فعال است.

به خط بهمنی – دواس رسیدیم – تعریف از این خط هم کم نبود البته انتقادهایی را هم به دنبال داشت. شجاعی هم به نکته تقسیم بندی مسیرهای بهمنی اشاره می کند و می گوید: سرویس بهمنی مسیر طولانی دارد. (بهمنی، خواجه ها، مخ بلند، جلالی) همه این مسیرها باید طی شود اما خوشبختانه مدتی ست که مسیرها را تقسیم کردند، برای بهمنی – خواجه ها و مخ بلند یک سرویس و برای دواس– شغاب و جلالی سرویس دیگری می فرستند. سریع ترهم به مقصد می رسیم در ضمن این تقسیم بندی مسیرها باعث شده که از تجمع بیش از حد مسافرین در اتوبوس جلوگیری شود.

به نظر می رسید که تقسیم بندی مسیرها یکی از بهترین کاری بود که انجام شده و اکثرا به این موضوع اشاره می کردند .

مجید یکی از شهروندانی که شاغل است وهر روز بهمنی را به قصد سنگی با اتوبوس طی می کند می گوید: درست است که میزان سرویس دهی اتوبوس ها بهبود یافته اما هنوز کم است. تاخیرهم داریم در ضمن قیمت بلیط ها هم بیشتر شده در صورتی که شهرهای دیگری قیمت ها تغییر نمی کند یا حداقل به این زودی تغییر نمی کند.

او باز هم به انتقاد خود ادامه می دهد و می گوید: با ا ین سرویس هایی که برای ناوگان اتوبوسرانی فرستادند الان وضعیت بوشهر در این زمینه باید عالی باشد. من نمی خواهم تلاش هایی که صورت گرفته را نادیده بگیریم ولی این وضعیتی نیست که ما باید داشته باشیم وضعیت اتوبوسرانی و سرویس دهی اتوبوس ها الان باید عالی باشد اما هنوز آن معطلی ها را داریم.

عده ای از ساکنین پایگاه دریایی معتقد بودند که سرویس دهی ها بیشتر شده و عده ای دیگر نیز هیچ تغییری نکرده را عنوان می کردند و می گفتند هنوز هم نیم ساعت سرویس می آید هیچ تغییری نکرده هنوز همان است.

در مقابل ساکنین کوی سنگی خیلی راضی بودند و می گفتند ما با هر اتوبوسی می توانیم برویم چون بیشتر سرویس ها از سنگی عبور می کنند اما خط جدیدی هم برای مسیر سنگی تا باغ زهرا در نظر گرفتند که زود به زود از پارکنیگ مرکزی به حرکت در می آید.

ناصری ساکن خیابان سنگی ست که حدود یک ماه است که با اتوبوس رفت و آمد می کند او پیش از این فقط با تاکسی رفت و آمد می کرد.

ناصری می گوید: اتوبوس خیلی بهتر از تاکسی است حداقل مزیت آن، این است که لازم نیست بر سر کرایه با راننده چونه بزنی و هم سر خودت را درد بیاری و هم سر راننده را علاوه بر این از نظر امنیت و به خصوص هنگام ظهر و شب به وسیله نقلیه مناسبی ست. وجود سرویس های مجزایی چون سنگی – باغ زهرا – سنگی – بیسیم جفره وعاشوری از جمله نقاط قوتی بود که بیشتر مسافرین از جمله نصاری از آن یاد کردند.

ناصری به انتقاد می گوید: متاسفانه برای مسیرهای بیسیم – مدرس میزان سرویس دهی کم تر است و حتی تاکسی نیز کمتر برای آن مسیر پیدا می شود و ما مجبور می شویم برای آن مسیر از تاکسی تلفنی استفاده کنیم.

عده ای از ساکنین نیروگاه – بندرگاه نیز معتقد بودند علی رغم افزایش قیمت ها میزان سرویس دهی برای آن مناطق هیچ تغییری نکرده.

عده ای از خانواده های پرسنل اتوبوسرانی نیز بسیار از وضعیت اتوبوسرانی با مدیریت جدید راضی اند و از تحول به وجود آمده در سازمان اتوبوسرانی می گویند.

–احترام همه گروه از پرسنل (کارمندان ، رانندگان و...)

گوش دادن به مشکلات و خواسته های کارمندان

– ملاقات حضوری با آن ها

– پرداخت حقوق های عقب افتاده

– تهیه کارت برای یکایک خانوادهای پرسنل.

استفاده رایگان از خدمات و سرویس دهی ها.

– برقرای نظم وانظباط در سازمان و کارمندان.

مردم و کارمندان در کل از وضعیت فعلی اتوبوسرانی راضی هستند .

مردم انتظار دارند که میزان سرویس دهی ها بیشتر شود به خصوص در هنگام شب چون در حال حاضر تا ۸/۳۰ دقیقه شب است.

کارمندان نیز انتظار داشتند که حقوق هایشان به موقع پرداخت شود.

جمله پایانی ما خطاب به شیخ سقا رئیس جدید اتوبوس رانی است: خسته نباشید. امیدواریم که در خدمت به مردم موفق و سر بلند باشید.

سایه ترس عطارزاده بر سر اصولگرایان



در حالیکه عبدالکریم جمیری به عنوان کاندیدای اصلی اصولگرایان در بوشهر شناخته شده است، رایزنی و پیگیری های شدید عطارزاده برای گرفتن تایید صلاحیت خود از سوی شورای نگهبان باعث نگرانی سردمداران اصولگرایان در بوشهر شده است. گفته می شود که عطارزاده برای گرفتن تایید صلاحیت خود، از الهام (سخنگوی دولت) کمک خواسته و وی نیز به دیدار جنتی شتافته و خواستار تایید صلاحیت عطارزاده از جنتی شده است. عطارزاده هنوز امیدوار به تایید صلاحیت از سوی شورای نگهبان است و سردمداران اصولگرایان در بوشهر بیم این دارند که با تایید صلاحیت عطارزاده شاهد پخش شدن آرای سنتی و ثابت خود در بوشهر باشند. گفته می شود که عبدالکریم جمیری (رئیس سابق دفتر شورای نگهبان استان بوشهر) که چندین ماه است در حال فعالیت انتخاباتی برای مجلس است ، در صورت تایید صلاحیت عطارزاده، حاضر به کناره گیری نبوده و بنابراین در صورت تایید صلاحیت عطارزاده، اصولگرایان با دو کاندیدا در انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم شرکت می کنند که با توجه به آرای ثابت و سنتی آنان، آرای اصولگرایان بین این دو کاندیدا تقسیم می شود. پیش بینی می شود که در صورت تایید صلاحیت عطارزاده، اصولگرایان معتدل از عبدالکریم جمیری و اصولگرایان طرفدار دولت از شکرالله عطارزاده حمایت کنند.

صد وعده خوبان یکی وفا نکرد

خبرنگار نسیم جنوب – تهران : جلسه اسفند ماه انجمن بوشهریهای مقیم تهران در روز دوشنبه ۶ اسفندماه طبق روال هر ماه در مسجد امیر المومنین شهرک ژاندارمری برگزار گردید.

در جلسه این ماه که با حضور تعداد زیادی از هم استانی ها تشکیل شده بود ، همگی ازعدم حضور استاندار بوشهر (طبق قولی که خود ایشان داده بودند) ، گلایه داشتند .

قابل ذکر است که استاندار بوشهر در دوجلسه پیشین که در این انجمن شرکت نموده بود اعلام کرد که در جلسه اسفند ماه حضور پیدا خواهند کرد و بوشهریها به همراه خانواده هایشان در ضیافت شامی مهمان ایشان خواهند بود ، همچنین وی قول رفع مشکل مکان انجمن بوشهریهای مقیم تهران را برای همیشه تا قبل تشکیل آخرین جلسه انجمن داد که این مورد نیز محقق نگردید .

شیخ سقا رئیس سازمان اتوبوسرانی:

اگر امکانات کم باشد میزان سرویس دهی کم می شود

شیخ سقا رئیس سازمان اتوبوسرانی در مصاحبه با خبرنگار نسیم جنوب گفت: بعد از سهمیه بندی بنزین از تمام امکاناتمان استفاده کردیم تا مردم در زمینه حمل و نقل شهری با مشکل مواجه نشوند و برنامه های مختلفی را پیاده کردیم . از جمله تفکیک خطوط: به عنوان مثال طبق برنامه جدید برای مسیرهای مختلف ریشهر به جای یک خط ، دو خط مجزا در نظر گرفتیم برای (سرتل و رونی) – (امامزاده و ریشهر) با دو خط مجزا سرویس داده می شود و یا برای مسیرهای مختلف بهمنی نیز دو خط مجزا در نظر گرفته شده که برای(بهمنی و خواجه ها)–(دواس و دانشگاه) به جای یک خط، دو خط مجزا سرویس دهی می کنند و در خط های بیرونی نیز از اتوبوس های مگاترانس استفاده می کنیم چون کارایی بیشتر و استهلاک کمتری دارد.در کل سعی ما بر اجرای دقیق برنامه ها است.

وی افزود: از دیگر برنامه های ما برگزاری جلسه ای با حضور رانندگان بود که آنها را در نگهداری در سازمان اتوبوسرانی شرکت دادیم به گونه ای که احساس کنند جزئی از سازمان اتوبوسرانی هستند. ضمن اینکه حقوق عقب مانده رانندگان و کارمندان سازمان به طور کامل پرداخت شده و پیگیر آن هستیم حقوق ها را به موقع و بدون تاخیر پرداخت کنیم و در تلاشیم که برای آنها عیدی نیز در نظر بگیریم.از دیگر برنامه ها و اقداماتی که صورت گرفته نصب صندوق پیشنهادات جهت دریافت پیشنهادات مردمی و همچنین راه اندازی خط تلفن جهت بیان نظرات عمومی ست.

رئیس سازمان اتوبوسرانی افزود: با شروع فصل زمستان، از اول دی ماه تا اواخر اسفند زمان سرویس دهی اتوبوس ها به ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه تغییر پیدا کرده و این روال حداکثر تا پایان اسفند ماه ادامه دارد حتی در این زمینه تقاضا دادیم اگر راننده ای حاضر شود بعد از ساعت ۲۰:۳۰ نیز کار کند، این زمان را افزایش دهیم اما بعد از اسفند ماه ساعت کار به روال اداری یعنی ۹ شب ادامه خواهد یافت و همچنین با وارد کردن ۱۶ اتوبوس خریداری شده به ناوگان شهری سرویس دهی بهتر و بیشتری را انجام خواهیم داد.



وی در پایان گفت: ما تقاضا داریم که مسئولین به قولشان عمل کنند و ما را در حل مشکلات به خصوص مشکلات مالی یاری کنند تا بتوانیم حقوق کارمندان را به موقع و همچنین بدهی هایمان را پرداخت کنیم.

وی تاکید کرد: اگر وسایل یدکی تامین نشود در سرویس دهی ما تاثیر خواهد گذاشت و اگر امکانات کم باشد میزان سرویس دهی نیز کم خواهد شد.

وی در پایان از همکاری مناسب شهردار تشکر کرد.

یادمان بورقانی بهانه میثاق روزنامه نگاران

سیروس بنه گزی



یادمان مرحوم بورقانی و برگزاری این مجلس از سوی خانه مطبوعات و تمام کسانی که دستی به قلم آشنا دارند و آرزوی آزادی قلم ورسانه را می کنند، علاوه بر وظیفه صنفی شاید دلیلی باشد برای گردهم آمدن در میثاقی دوباره.

میثاق برای ادامه همان راهی که مرحوم بورقانی رفت و تاکید بر این که آن مرحوم می توانست عافیت طلب شود و بماند با خرقه معاونت و حبس و بند مطبوعات را بپذیرد و نپذیرفت.

هنوز گذشت زمان از خاطرمان نبرده است نامه استعفای ماندگار وی از معاونت مطبوعاتی در زمانه ای که باورمان نشده بود با دوم خرداد در درون نیروهای اصلاح طلب دولت اتفاق خاصی افتاده است. و این استعفا نماد این اتفاق شد و باز باورمان شد که هستند شماری از آن خیل که دل به مردم کشور دارند.

از خاطر هیچکدامان نرفته است زایش و سر بر آوردن یک روزه نشریه ای برای حفظ جریان آزاد اطلاعات به جای نشریه ای که به مرگ محکوم شده بود.

و باز از خاطرمان نرفته است فریاد تمامیت خواهانی که نور بر اعمال تاریکشان افتاده بود و هراسان که این جماعت نشریات زنجیره ای اند و آلت دست دشمن .

و آن بزرگترشان که ایده ئولوگشان بود حجت را تمام کرد که چه نشسته اید ، چمدان های مملو از دلار از آن سوی آب برای مطبوعات در حرکت اند!

و باز هم از خاطرمان نرفته است در اجرای شعار توسعه سیاسی دولت خاتمی آنچه رخ نمایاند، و جان گرفت و بارور شد، و توسعه نام گرفت و نوید فردای بهتر داد، بازخوردش اکنون است با حضور خیل روزنامه نگاران در سراسر کشور و پرورش روزنامه نگارانی مکتب نادیده اما کارآموزیده و عاشق، گویی از دامان مادر اینگونه زاده شده اند و منتظر فرصتی تا جلوه نمایند.

مرحوم بورقانی دموکراسی را با تمام وجود باور داشت و به همین خاطر برای اعتلای رکن چهارم دموکراسی در ایران همیت به خرج داد . گرچه نگذاشتند این نهال بارور شود و استوار بماند ولی آنچه بر جای می ماند همه یادآور دوران چندماهه حضورش در معاونت مطبوعاتی است که لازم است پاسش بداریم.

بورقانی حق پدری داشت در توسعه ی نهال مطبوعات پس از دوم خرداد، می گویند شوخ بود و خستگی ناپذیر، این را می شود از آنچه در رثایش نوشته اند دریافت و خود نیز وقتی آن یکی دو برخورد چند لحظه ای با وی را مجسم می کنم گواهی می دهم که چنین بود و درست نوشته و گفته اند .

او در راه پایداری و توسعه مطبوعات مزدش را هم گرفت. رد صلاحیت از حضور دوباره در مجلس و قطع حقوق از طرف دفتر ریاست جمهوری دولت مهرورز، چه باک که او مزد خود را در مراسم کوچ ابدیش از فرهیختگان مردم گرفت، به این باور که آنچه ماندگار است نیکنامی است و نه زر و سیم و ستایش که آن یکی بر قلب مردم حکم می راند و این یکی بند بندگی را تحکیم .

در پایان اگر که در آغاز یادمان بورقانی از میثاق دوباره گفتم به خاطر این است که شاید که در میان ما باشند همکاری که در اداره و سازمانی دولتی مشغول به کارند و به جرم روزنامه نگاریشان تحت فشار و دم بر نیارند.

ولی آنچه امروز به عینه شاهد مثالش بوده ایم و کوتاهی کرده ایم محدودیت های مکرر در پوشش خبری از طریق دستگاه های مختلف است و آغاز آن با ممانعت از تدریس روزنامه نگار اندیشمند آقای موذنی شروع شد که به راحتی عذرش را خواستند و ما خاموشی گزیدیم، بعدتر یکی دو نفر از معلمین همکار تحت فشار قرار گرفتند ، باز فریادی از ما برنخاست، بعدتر حکم آمد خانه ای را که برای مطبوعات ساخته ایم تا چتر حمایت خبرنگاران و نویسندگان و عکاسان و دیگر عوامل مطبوعات باشد و به آموزش و ساماندهی آنان بپردازد بایستی در اختیار دولت بگذاریم که صادقانه بگویم این را راست ایستادیم و دفاع کردیم .

بعدها خبر آمد نشریات اصلاح طلب در تحویل سهمیه کاغذ حمایتی هر ساله در امسال چوب تکفیر خورده اند و خصوصا نسیم جنوب بیشتر، و ما باز یادی نکردیم.

و امروز هم راوی این سوگنامه خود قربانی فعالیت روزنامه نگاری شده است و از فعالیت در نهادهای صنفی مربوطه محروم، به گمانم ما مصداق سر تراشیده همسایه پیدا کرده ایم و بایستی همه خود را آماده تیغ سرتراش سازیم، و اگر که دور بجنبیم آسیابی است به نوبت.

در پایان به پاکی روح و راوان بورقانی عزیز و بورقانی های دیگر و به بزرگی یاد تمام جانباختگان قلم و روزنامه نگاری ملک المتکلمین و فرخی و مسعود و دکتر فاطمی برای حمایت جمعی از نهاد مطبوعات و دفاع از حیثیت صنفی در این یادمان میثاقی دوباره ببندیم که فردا دیر است. راهش مستدام باد.

محیط بهتر با بهداشت محیط

(به مناسبت یازدهم اسفند ماه سالروز ملی بهداشت محیط)

از سال ۱۳۳۱ ضرورت وجود تشکیلات و اداره ای که توانایی ارائه ارمغان بهتر زیستن را به مردم هدیه نماید ، در کشور احساس گردید . تا آن هنگام خرید محصولات غذایی و مصرفی از سوی جامعه با اطمینان خاطر صورت نمی گرفت و به نوعی همواره در سبد غذایی خرید اری شده ، د غد غه و نگرانی نیز دید ه می شد . شکل گیری و ساختار بهد اشت محیط با ایجاد انگیزه فوق باعث شد که به منظور دستیابی به اهداف بهداشتی ، نظارت دقیق تر و پایش های بیشتر و بیشتری بر روی مواد غذایی از هنگام تولید تا عرضه به عمل آید. رفته رفته این پایش ها و مراقبت های عملی همراه با آرامش فکری جامعه دو خط موازی را طی نمودند . ثمره این تلاش و اقدام پر از موفقیت نظارت بر وضعیت آب مصرفی نیز به این بخش از نظام بهد اشتی اضافه نمود . افزون بر این بهد اشت محیط وظایف خود را بیشتر از نظارت صرف دید و به این منظور از سال ۱۳۴۶ عملیات آب رسانی به شیوه کاملا بهد اشتی و سالم با بهره گیری از روش های فنی روز، به روستاهای دور افتاده کشور از طریق این واحد و اداره نوپا با همت بلند پیشگامان آن آغاز گردید و بعد از شکوفایی انقلاب اسلامی این حرکت خدا پسند انه و مردمی شتاب غیر قابل تصوری را بخود گرفت و به دنبال آن تعداد بیشماری از روستا های کشور از عالی ترین مایع حیات بهره مند شدند و بدین ترتیب بهداشت محیط آرزوی دیرینه روستا نشینان را همچون آب ، روشنایی بخشید . واژه (محیط) در عبارت بهداشت محیط ، گستره وظایف و عرصه فعالیت های آن را بخوبی توصیف نمود ه است بنحوی که امروزه طیف وسیعی از نظارت و فعالیت های مربوط به ایجاد و اد امه زندگی بهتر و با نشاط تر در آرمان های بهد اشت محیط دید ه می شود .

هم اکنون مهمترین وظایف بازرسان بهد اشت محیط کنترل ضوابط و موازین بهد اشت محیطی مراکز تهیه و تولید ، توزیع ، فروش و نگهد اری مواد غذایی و حتی وسایل حمل و نقل آن ها و همچنین نظارت بر وضعیت اماکن عمومی و از سویی بهداشت هوا، آب و حرف صنعتی و نظارت بر دفع صحیح فاضلاب و جمع آوری و دفن زباله می باشد . واضح است که لازمه پرد اختن به هر کد ام از موارد فوق توانایی علمی خاص خود را طلب می نماید و این خود اشراف پرسنل بهد اشت محیط در این عرصه های علمی را بخوبی تعریف می نماید.

بینش زیبای پرسنل زحمتکش بهد اشت محیط ارتقاء کیفیت حیات بود ه و نگرش آنها بر این باور است که د اشتن زندگی سالم توام با نشاط و شاد ابی ، بهترین هدیه است که می توانند با صرف عمر و توان خود آن را در طبق اخلاص گذاشته و بصورت مد اوم به هم نوعان و به ویژه هم وطنان عزیز تقدیم نمایند.

واحد بهد اشت محیط و حرفه ای ـ مرکز بهد اشت شهرستان بوشهر

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۴۹۰ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

به یاد امید عزیز

مهدی صالحی زاده

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست

برای انسان های بی خیال، روزگار، ساعت و در دیوار روزها یکی پس از دیگری می گذرد چون نه هدفی وجود دارد و نه غمی در دل، یک سال از هجر شهید امید نسترن گذشت آن هم به سختی. امید، مردی از مکتب حسین زهرا، از تبار غیرت با دلی دریایی ، او از دل دریای خلیج همیشه فارس به سوی معبودش پرواز کرد، پروازی به زیبایی شهادت، شهادتی به قشنگی وصال. به عشق حقیقی، الهی امید به آرزوی خودش برساند. آن هم به چه زیبایی ؛ چون او دنیایی نبود و دنیا را به دوست داران دنیای مادی واگذار کرد، بعضی ها برای او دنیای فکر کردند چون دلبستگی به دنیا و زرق و برق چند روز زندگی آنها را مادی کرده بود، امید هیچ وقت در کاری که انجام می داد کاستی باقی نمی گذاشت. اجازه نمی داد حقی به ناحق شود، چون هدفش فقط خدا و حقیقت بود. هفته گذشته در روزهای دوشنبه و جمعه مراسمی در حسینیه رزمندگان اسلام واقع در بهشت صادق بوشهر و مسجد دوانی ها جهت سالگرد این شهید بزرگوار برپا گردید که حضور و خیل جمعیت در این مراسم حاکی از این بود که امید نزد بوشهری ها چه قدر بزرگ است. امید است مسوولین در رابطه با این گونه افراد با فکری باز و با توجه به خدایی بودن آن ها زحمت کشان روزگاران سخت انقلاب و جنگ، به بزرگی تصمیم بگیرند.

یکسال بدون امید

خانم ابراهیم زاده مادر شهید نسترن در رابطه با فرزند شهیدش به خبرنگار ما گفت: امید بسیار دلسوز بود هر چی در رابطه با خوبی ها او بگویم کم گفتم. خیلی مرد بود به همه کمک می کرد در این یک سال گذشته هفته ای نیست که به خوابم نیاید. آخرین باری که در خوابم آمد از من خواست که به یکی از دوستانش بگویم که یک کاری برای امید انجام دهد. به همه توصیه می کرد قرآن و نماز یادتان نرود. امام حسین(ع) را قلبا دوست داشت.

ابوذر (شیخ سقا) برادر شهید نسترن: ابوذر برادر کوچک شهید نسترن با این که هنوز باور ندارد که برادرش از دنیا رفته با حالتی منتظر به خبرنگار ما گفت: یک سال بدون امید خیلی سخت بود. خیل وقت ها نمی دانم جواب بچه ها یش را چی بدهم . آخرین باری که امید به خوابم آمد از او سوال کردم امید جان با توجه به این که ما این همه مراسم برایت گرفتم تو شهید هستی یا خیر؟ گفت ابوذر عزیر، این قدر که در این دنیا بدبختی کشیدم که حالا به من بگن شهید نشدی؟

او مرد بود و مخلص امام حسین، خوشبختانه همسرش برای بچه ها هم مادر و هم پدر است ، دوستان امید در مراسم او مثل این که در کارهای برادر خودشان کار می کنند، فعالیت می کردند. من از همه آن ها تشکر می کنم.

به مناسب اولین سال کوچ امید نسترن کاپیتان اسبق تیم ملی جوانان ایران

غواصی امید در اقیانوس بی کران عشق الهی





یاد آن روزها بخیر ـ از طرف امیر حسین به پدر شهیدم امید نسترن ـ به نام ا...پاسدار حرمت خون شهدایی که با خون خود از مملکت اسلامی پاسداری کردند.
اول از هر چیز از دوستان و همرزمان پدرم تشکر می کنم که یاد و خاطره پدرم و دیگر شهدا را زنده نگه داشته اند.
برای من از پدرم افتخار او و خاطراتش باقی مانده است که هر وقت به آن ها فکر می کنم دلتنگ او می شوم و دلم می خواهد که دوباره در کنارم باشد.
پدرم عاشق امام حسین و مجالس عزاداری او بود و به من و خواهرم به خاطر سینه زدن برای امام حسین جایزه می داد و می گفت هر کس امام حسین را بیشتر دوست داشته باشه و برایش سینه بزند من او را بیشتر دوست دارم و جایزه بزرگتری به او می دهم. امیدوارم که پدرم یکی از یاران با وفای امام حسین باشه. وجود پدر برای هر بچه ای دلگرمی است و امیدوارم که هیچ بچه ای پدر و مادر خود را ازدست ندهد. او دوست من بود با او به مانور می رفتیم و خیلی خوش می گذشت. یاد آن روزهایی که با هم به مسجد و دارالقرآن می رفتیم برای آموزش قرآن به خیر. یاد آن روزهایی که برای شنا می رفتیم و یاد آن روزهایی که با هم و با بچه های محوطه فوتبال بازی می کردیم. هر وقت صدای ترمز موتوری را می شنوم برای لحظه ای شاد شاد می شوم و فکر می کنم که برگشته است ولی مادرم همیشه این دلگرمی را به من و خواهرم می دهد و می گوید که شهدا همیشه زنده هستند و همه کارهای خوب شما را می بینند. مثل درس خواندن و نمازخواندن و ...و خواهرم هم شبانه روز هر کاری را که انجام می دهد برای پدرم تعریف می کند و فکر می کند که رفته است پیش خدا و یک روز بر می گردد و امیدوارم که من با درس خواندنم می توانم یاد و نام پدرم را زنده نگه دارم و می توانم مثل پدرم به دیگران کمک کنم. امیدوارم که روح پدرم و دیگر شهدا شاد باشد و برای شادی آن ها صلوات.

* **خانم نازی عدومی همسر شهید امید نسترن** که مسوولیت سنگینی در رابطه با ادامه زندگی با فرزندان شهید نسترن دارد و در رابطه با همسر شهیدش به خبرنگار ما گفت: در طول زندگی شهید همیشه به من می گفت من در جوانی شهید می شوم یعنی از روزی که با ایشون ازدواج کردم تصویر چنین روزی را در ذهن داشتم، ولی باور نمی کردم و آرزو می کردم اگر آن روز پیش بیاید من زودتر از امید از دنیا رفته باشم. ولی تقدیر این بود که من باشم و مسوولیت زیادی که خداوند بر دوشم گذاشته به پایان برسانم. قبل از شهادت ایشان خوابی دیدم که دارم خیلی عذاب می کشم. این خواب را برای امید تعریف کردم و او گفت: خیر است هر چه خدا بخواهد همان می شود. قبل از شهادت چیزهای به من گوشزد می کرد که پس از شهادت یکی یکی انجام شد. حتی نحوه تشییع پیکرش جایی که به خاک رفته و همه مسایل ، در این یک سال خیلی خواب او را دیدم اما آخرین بار در خواب به من گفت" فلانی این قدر بی قرار نکن، نگاه کن فیلم تشییع جنازه ام را، همه به قدر تو که ناراحتی ، بی قراری نمی کنند. بهش گفتم خیلی نگران و تنها هستم می گویی چکار کنم؟ او گفت: اصلا نگران نباش در زندگی سعی کن آرامش بیشتری داشته باشی."
امیدوارم بتوانم که فرزندانم را آن طور که امید دوست دارد بزرگ کنم.

***حاج محمد کامیاب** مرد دوست داشتنی ورزش و جنگ که از دوستان قدیمی شهید نسترن به شمار می رود در رابطه با شهید امید گفت: در طول این یک سال مراسم یا محفلی نداشتیم که بدون یاد امید باشد. امید مانند پاره تن ما بود. تحمل این که امید از بین ما رفته خیلی سخت است. امید آدمی بود انعطاف پذیر و در زندگی هم صبر و تحملش زیاد بود از کمک به دیگران دریغ نمی کرد. با توجه به عوارض شیمیایی که در بدن داشت اما خم به ابرو نمی آورد. چند مدت قبل از شهادتش خوابی در رابطه با او دیدیم و برایش تعریف کردم در خواب او رابا لباس زیبای غواصی دیدم که در زیر دریا حرکت می کند بدون اکسیژن و ماسک و بهش گفتم چقدر این جا زیبا است امید گفت: بیا برویم جلوتر قشنگه این جا که چیزی نیست. خلاصه آن خوابم را برایش که تعریف کردم گفت: خیر انشاا... هر چه خدا بخواهد همان می شود. بله امید در اقیانوس بی کران عشق الهی رفت و غواص عشق شد.

* **حاج محمد ابراهیمی همرزم شهید نسترن:** شهید امید نسترن با وجود سن کم در جبهه های حق علیه باطل حضور به هم رسانید و به مانند یک باتجربه در برابر دشمن فعالیت می کرد، در طول ایام جنگ مثل یک فرد شجاع باغیرت برای یاران عزیز فداکاری می کرد. او برای ایران و بوشهر یک افتخار است. بوشهر نباید کارهای شایسته اش را از یاد ببرد. با توجه به این که آثار جنگ از جمله ترکش و مواد شیمیایی بر پیکرش داشت ولی هیچ وقت گله نمیکرد. چون خودش راهش را پیدا کرده بود و برای رسیدن به معبودش لحظه شماری می کرد.

* **احمد شاکر همرزم شهید نسترن:** امید نسترن یک قوت قلبی برای بچه های بوشهر بود. یادم هست در جزیره مجنون در نقطه ای گیر افتاده بودیم و هیچ کاری از دستمان ساخته نبود. امید در آن زمان ۱۶ سال داشت و با تفنگ کلاش کار می کردیم یک مرتبه دیدم امید با تفنگ گیرینف و تعداد زیادی فشنگ ، مثل یک شیر وارد جمع ما شد ، ما که جرات سر بلند کردن در آن جارا نداشتیم امید شجاعانه از این طرف به آن طرف می دوید وقتی خودش را به ما رساند ما آرامش خاصی گرفتیم، شهید نسترن در بحث امر به معروف و نهی ار منکر در بین بچه ها بی همتا بود. دوست نداشت هیچ کس با دوستش قهر باشد.

* **مهدی نوشیروانی** که از بچه های بسیجی که اخلاق نیکویی دارد یکی از دوستان نزدیک شهید نسترن بوده و در مراسم سالگرد شهادت امید بسیار زحمت کشید. او در رابطه با خصوصیات اخلاقی و رفتاری شهید نسترن به خبرنگار ما گفت: یادم می آید که کوچک بودم، شهید به مسجد خاتم النبیا آمد و درخواست کرد که کلاس های قرآن برگزار کنیم. این گونه شد که با کلام خدا دوستی با امید آغاز شد. او همیشه دوست داشت به جوانان کمک کند. اگر کسی مشکل داشت تا کارش را به انجام نمی رساند دست نمی کشید.

* **حاج حسین وردیانی** که در این زمانه ریاست ورزش بوشهر را بر عهده دارد روزگاری در تیم فوتبال پاس با شهید امید نسترن هم بازی بوده، ایشان در خصوص شهید امید اظهار داشت: امید آدم با تعصبی بود و علاقه مند به کارش. هر کاری که به او واگذار می کردی به نحواحسن انجام می داد. در زمین فوتبال هم سرعت شوت زنی اش عالی بود. خصوصیات بارزش در فوتبال شوت های انفجاری اش بود. در زمان ورزش و جنگ همیشه از آمادگی به خوبی برخودار بود، تا روز شهادتش از بعد آمادگی جسمانی و آموزش غافل نبود . تعصب او به شهر بوشهر و تیمی که در آن بازی می کرد نمونه بود، جوانان بوشهری باید از این مردان بزرگ الگو بگیرند.

* **اصغر کامیاب** که در تیم پاس بوشهر با شهید نسترن همبازی بود در رابطه با او اظهار داشت: امید بچه بسیار خوبی بود. او استعداد خوبی در فوتبال داشت. از لحاظ بدنی و فیزیکی وضعیت مناسبی داشت. اگر لیاقت نداشت که در تیم های نوجوانان و جوانان ملی فوتبال ایران بازی نمی کرد. اگر جنگ عراق علیه ایران رخ نمی داد امید یکی از فوتبالیست های نامی ایران می شد. در تیم پارس خیلی مثمر ثمر بود . او قادر بود در چند پست بازی کند. پس از پاس که به شاهین آمد هم در خط دفاع و حمله موثر بود. زبانزد بچه ها بود. همیشه سعی می کرد به همه کمک کند در ایام جنگ هم علیرغم سن کمش یک از مردان بزرگ جنگ ایران با عراق بود.

* **حاج احمد گزی:** امید نسترن در اواخر فوتبالش در شاهین بوشهر توپ زد. در آن زمان حاج احمد گزی هم در آن تیم فعالیت مدیریتی می کرد. وی در خصوص شهید امید نسترن به خبرنگار ما گفت: امید یکی از بازیکنان با تجربه و خوب و با اخلاق بود. کمترکسی مثل او در عمر ورزشی ای دیده ام. امید کسی بود که دورده نوجوانان و جوانان توانست در تیم ملی فوتبال بازی کند. او افتخار بوشهر است. امید بچه خون گرمی بود. آن زمان که به شاهین آمد به نظرم سال ۷۳ بود. واقعا برای ما خوب بازی کرد و ما از او راضی بودیم. در جبهه های جنگ هم که همه می دانند که چقدر رشادت به خرج داد. امیدوارم که خداوند او را با تمام شهیدان محشور کند.

* **حاج علی اکبر شمسا مربی فوتبال پاس بوشهر**
آقای شمسا که در زمان مربیگری تیم پاس بوشهر ، شهید نسترن را به فوتبال ایران معرفی نمود در رابطه با شهید امید نسترن گفت: امید خیلی جوان پر انرژی و پر جنب و جوش بود، همیشه و در هر کاری احساس مسوولیت می کرد. چه در فوتبال چه در جبهه هر وظیفه ای که بهش محول می شد به نحوا حسن انجام می داد از کوچک ترین فرصت های که به او داده می شد به خوبی استفاده می کرد نسبت به باشگاهش و شهرش تعصب خاصی داشت. شهید نسترن از جمله جوانانی بود که به خاطر اعتقادات دینی اش در سنین جوانی در جبهه ها حضور داشت هیچ کس از او خاطره بدی ندارد. روحش شاد . و یادش گرامی باد.

* **حسن حیدری** بازیکن اسبق بوشهر در رابطه با خصوصیات فنی و اخلاقی شهید امید نسترن به خبرنگار ما گفت: شهید نسترن از جمله جوانانی بود که در دو جبهه جنگ و ورزش فعالیت می کرد و در هر دو بعد موفق بود. شهید امید، با وجود سن کم عازم جبهه های حق علیه باطل شد و در بین بزرگان جنگ وزنه ای قابل اعتماد بود. وی در مسایل فوتبالی هم سر آمد جوان های استان بود درتیم های ملی نوجوانان و جوانان با بازی های خوبش، قدرت خودش را به همه ثابت کرد. او با وجود تنی بیمار در امر ورزش فعالیت می کرد و در سال گذشته چیزی که در جبهه ها دنبالش می گشت در آب های بوشهر پیدایش کرد. شهادت مزد خوبی برای امید نسترن بود.

* **ولید صفری** – بازیکن اسبق پاس بوشهر: چه با معناست رفتن از میان ما، چه زیباست همنشینی با صالحین، چه پر تمناست راه شهادت و اکنون جوار همتا، جهان آراها و ماهینی ها خود را یافتن. این لطفی که خداوند به هر کس نداد. عباس خود را شناخته شده جبهه و جنگ دانست راهی که دل باختگان حسینی رفتند.
امروز با باورهای توقلم به دست گرفتیم. توصیفی برای نسل جوان امروز ازتو نقل شود.
عباس فوتبالیستی با فاکتورهایی اخلاقی بالا و سرشار از انگیزه و نشاط که در میدان های مختلف ان ها را به رخ حریفان کشاند.
سرعت بالای او و شوت های پر قدرت نفس هر دروزاه بانی را در سینه حبس می کرد.او چنان سیر صعودی را طی کرد که از تیم پاس بوشهر به تیم ملی نوجوانان ایران و حتی به کاپیتانی این تیم رسید با بازی هایی که در قطر از خودشان داد. همه او را تحسین نمودند. همه باور کردند که بوشهر شایسته و ظرفیت پیشرفت را دارند.

* **علیرضا طارمی** مدافع اسبق پاس بوشهرکه در زمان بازیگری در تیم پارس با شهید امید نسترن هم بازی بود در خصوص شهید امید اظهار داشت : بنده امید را از کوچکی می شناختم آن زمان عموهایش در تیم پاس بازی می کردند با خانواده ایشان و عمویش رضا رفت و آمد خانوادگی داشتیم، او در بعد ورزشی ژنتیکی قدرتی بود مثل دایی اش محمود ابراهیم زاده. امید شوت های سنگینی می زد و پشت کار خوبی در فوتبال داشت، در تیم پاس هم چون به جوان ها اهمیت داده می شد برای امید هم زمینه مهیا شد که خودش را نشان بدهد، یادم می آید امید نوجوان بود در قائمشهر با تیم نساجی آن شهربازی داشتیم، مربیان تیم ملی هم در آن جا بودند . در آن مسابقه آقای شمسا به امید میدان داد و به نظرم در همان زمان بود که به تیم ملی نوجوانان دعوت شد و پس از آن به تیم ملی جوانان و در آن تیم کاپیتان هم شد، در جبهه هم که مردانه می جنگید و هیچ وقت از هیچ چیز نمی ترسید چون دلش با خدا بود.

* **حیدر عبدالله زاده** مربی با سابقه بوشهر که در امر کار با فوتبالیست های جوان تبحر خاصی دارد در خصوص شهید امید نسترن اظهار داشت: شهید نسترن یکی از الگوهای مناسب ورزشی و اعتقادی برای جوانان بوشهر است. خدایش بیامرزد. آرزو دارم یک دسته بازیکنان جسور ، چابک متعصب و با غیرت و شاداب و با اخلاق مثل شهید امید دراختیار داشته باشم. بدون تعارف عرض می کنم که اگر یک تیم مثل شهید نسترن در بوشهر به وجود بیاید بدون شک قهرمانی در ایران دور از دسترس نیست، ضربان سنگین او در جریان بازی بسیار کشنده بود. گل های خوبی برای تیم پاس به ثمر رساند. او آچار فرانسه حاج علی اکبر شمسا بود.















گزارش جلسه ی انجمن بوشهری های مقیم تهران

سید مسعود رکنی – دبیر هئیت مدیره انجمن بوشهریهای مقیم مرکز

انتظار علاقه مندان و مشتاقان به پایان رسید و عصر روز دوشنبه ۸۶/۱۲/۶ جلسه انجمن بوشهر ها در یکی از سالن های مسجد جامع امیر المومنین شهرک ژاندرمری تشکیل شد. اکنون وقت آن است که بنده ی حقیر حدود بیش از ۱۲۰ دقیقه صم بکم نشسته و هوش و حواسم را جمع کنم تا هر چه سخنرانان محترم می فرمایند خوب ،بد ، زشت یا زیبا، صحیح و غلط و مغرضانه یا خالصانه را یادداشت کرده و بعد در منزل آن چه را که به خیر و صلاح باشد اعم از سیاسی و اجتماعی، ادبی و .. برگزیده و مجددا بنویسم و بعد از حک و اصلاح مجدد با دقت و با خطی خوانا به طریقی که مورد نظرو پسند سردبیر محترم هفته نامه واقع شود پاکنویس کرده و به دفترجناب آقای قیصی زاده فاکس نمایم تا در صورت تایید امر به چاپ فرمایند.کار چندان آسانی نیست، وقت می خواهد و فراغ بال و آسایش خیال. دوستانی که در جلسات حضور دارند و ملاحظه می فرمایند بنده با چه دقتی به بیانات سخنرانان گوش فرا می دهیم و حتی بعضی اوقات بعد از پایان جلسه یز با بعضی از سخنرانان محترم گپ و گفتی دارم تا رفع اشکالی شود. قبول این زحمت برای چیست؟ و چه فایده ای دارد؟ بنده به انجمن علاقه وافری دارم زیرا که این انجمن باعث انسجام و تجمع بوشهری های مقیم تهران شده و شاید هم با انسجامی که ایجاد می شود و با تبادل نظری که صورت می گیرد، توفیق خدمت به استان محروم و مردم عزیز نصیبمان گردد. در این جا لازم می دانم از جناب آقای قیصی زاده و همکاران محترمشان که چندین سال است گزارشات این جانب را در هفته نامه خوب و محبوبشان درج می فرمایند تشکر و سپاسگزاری می نمایم. خوب با توضیح مختصری که عرض شد منظورم از تهیه گزارش روشن گردید بر همگان واضح و مبرهن است که تبلیغ راجع به هر مطلب و هر موضوعی باعث شناخت بیشتر مردم از آن موضوع می شود. لذا درج گزارش بنده در بهترین و پر تیراژترین نشریه ی استانمان مسلما یک نوع تبلیغ است که مطالعه کنندگان آن هم از ساکنین تهران و شهرستان های استانمان از روز و تاریخ و نیزمحل و مکان تشکیل جلساتمان و آن چه در جلسات می گذرد.آگاهی یافته و موجب می شد که در جلساتمان شرکت فرموده و اعضا هیات مدیره را مشعوف و مسرور نموده و چنان چه سخنرانان هستند حاضرین در جلسات را از بیانات خود مستفید خواهند کرد. انشاا... که عاشقان صفا و صمیمت و مشتاقان به خدمتگزاران به جرگه ی ما پیوندند . باری ساعت ۷ بعد از ظهر فرا رسید و خوشبختانه تعداد حاضرین در جلسه نسبتا چشمگیر بود. جناب استاد رازی طبیب که جلسه ی قبل به علت کسالتی که داشتند از فیض حضورشان محروم بودیم، امروز همچون گذشته خیلی زود در جلسه حضور یافتند و راس ساعت ۷ رسمیت جلسه را اعلام و به نام ایزدمنان آغاز سخن کرد و در آغاز حق تعالی را شکر و سپاس نمود که از بستر بیماری برخواسته و توفیق مجدد دیدار دوستان نصیبشان گردیده است. سپس از دوستانی که در ایام بستری بودنشان تلفنی یا حضوری احوالپرسی کرده اند قدردانی و سپاسگذاری نمود و از پیروزی ملت ایران در رابطه با انرژی هسته ای اظهار خوشوقتی کرد و این پیروزی بزرگ را به حاضرین تبریک گفت. آقای طبیب اشار ه ای به انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی داشت و از درگاه باری تعالی درخواست نمود، افرادی به مجلس راه یابند که از هر حیث لایق و شایسته بوده و دلسوز میهن عزیز مردم باشند. سپس پیشاپیش اربعین حسینی را به حاضرین تسلیت گفت. درخواست دعای خیر نمود جناب طبیب از آقایان هوشیار و دکتر جولایی و بنده که دبیرستان تزکیه را برای تعزیه و تغذیه ی شب بیست و هشتم صفر آماده نموده ایم قدردانی کرد. آن گاه از مسافرت استاد دکترامیرمسعود حامی بوشهری به بوشهر و شرکت در مراسم عزاداری و فیلمبرداری از مراسم مزبور اظهار خوشوقتی نمود و اضافه کرد که سی دی (C.D) تهیه شده و به وسیله ایشان در دانشگاه امیر کبیر به نمایش گذاشته شد و مورد استقبال و رضایت حاضران واقع گردید . جناب طبیب اضافه کرد که به علت مسافرت آقای خلیل اختری به خارج از کشور ، از همکاری ایشان در توزیع غذای بیست و هشتم صفر و محروم هستیم و باید به فکر شخص دیگری که سلیقه و سر رشته ی این کار را داشته باشد،باشیم و اظهار داشت که آقای جواد باستی برای نوحه خوانی اعلام آمادگی کرده اند. انشاا...که به خوبی از عهده ی انجام این مهم بر آیند تا مراسم عزاداری در هر حیث باشکوه برگزار گردد.
سپس سخنرانان جلسه را نام برد و از اولین سخنرانان جناب دکتر جولایی درخواست سخنرانی نمود. وی درآغاز فرا رسیدن اربعین حسینی را به حاضرین تسلیت گفت و اضافه کرد که دوستان دیلمی در اربعین حسینی طبق برنامه هر ساله مراسم عزاداری برگزار می نمایند و آدرس محل عزاداری را اعلام کرد. هر کس مایل است در مراسم شرکت کند. دکتر جولایی چند قطعه زمین و محل موضوع هر یک را نام برد و گفت: به منظور دسترسی به هر کدام از این زمین ها پیگیری حقوقی و اداری نیاز دارد و اضافه کرد که مسوولین شهرداری و وعده همکاری داده اند. و گفت: استاندار بوشهر جناب آقای افراشته نیز وعده داده که یکی از سالن های صدا و سیما را برای تشکیل جلسات انجمن اختصاص دهند. دکتر جولایی از حاضرین درخواست نمود که در شب عزاداری و تعزیه ی بیست و هشتم صفر که در دبیرستان تزکیه واقع در خیابان پاتریس برگزار می شود حتما رعایت نظم و ترتیب نموده و اصول بهداشتی و نظافت را رعایت نمایند.
و از خواهران نیز در خواست نمود حجاب اسلامی را حتما رعایت نمایند. آقای طبیب از جناب دکتر جولایی تشکر کرد و ضمنا در این هنگام اعلام کرد هر کس که مایل به پرداخت وجه برای تامین هزینه ی عزاداری است به آقای عباس رییسی مراجعه و بعد از پرداخت وجه، قبض رسید خود را از ایشان دریافت نمایند. سپس آقای هوشیار خزانه دار عضو فعال و پر تلاش هیات مدیره را دعوت به سخنرانی کرد. جناب هوشیار درباره مراسم عزادارای شب بیست و هشتم صفر توضیحاتی داد و اضافه کرد چون تصمیم داریم که با خواست خدا، مراسم عزاداری امسال هر چه باشکوه تر برگزار گردد لذا خواهشمند است که دوستان سعی کنند هر چه بیشتر نسبت به کمک مالی اقدام نمایند. جناب طبیب ضمن قدردانی از آقای هوشیار، آقای میگلی نژاد را به سخنرانی دعوت نمود. جناب میگلی نژاد عضو هیات مدیره انجمن از حضور دوستان تشکر و قدردانی نمود و گفت به زودی سایت انجمن راه اندازی خواهد شد. و آقای میلاد متین فر اعلام آمادگی نموده که در این خصوص همکار ی های لازم را معمول دارند. و اضافه کرد، در صورتی که سایت راه اندازی شود مشخصات آقایان پزشکان و بازرگانان بوشهری به سایت داده خواهد شد و جایگاهی خواهد بود برای ارایه نظرات و پیشنهادات. جناب میگلی نژاد از انتخابات مجلس سخن به میان آورد و دعا کرد که افراد اصلح و شایسته تر وارد مجلس شوند و اضافه کرد ما باید بیدار و هوشیار در انتخابات شرکت کنیم و به افراد دلسوز جامعه و مردم رای بدهیم. جناب طبیب پس از تشکر از آقای میگلی نژاد از سرکار خانم باوری پور درخواست سخنرانی کرد. ایشان ابیاتی چند ازاشعار سروده ی خود را ترنم کرد و بسیار جذاب و جالب بود. آقای طبیب از ایشان تشکر کرد و او را پروین اعتصامی دوم خطاب نمود. جناب طبیب از جناب دکتر سید جعفر حمیدی درخواست سخنرانی کرد و در پایان سخنرانی تمام دوستان، حاضرین دست افشانی می کنند و برای جناب دکتر حمیدی در آغاز نیز ابراز احساس می کنند. جناب دکتر حمیدی گفت: جمعه گذشته در یک جلسه سخنرانی ، از خلیج فارس صحبت کردم و اضافه کرد در این گردهمایی از ادیبان و سخنرانان و شعرا قدردانی به عمل آمد. جناب دکتر سپس درباره ی واژه های بیگ، بیگم؛ و با توضیحات بسیار جالبی دارند و اضافه کرد:دین اسلام برای زمان ارزش و احترام خاصی قایل است و گفت در زمان ساسانیان زنان ایرانی دارای یک حجاب مثلثی شکل به نام سمبوسه بوده اند .
دکتر در ادامه گفت: واژه ی "ستی" یعنی بی بی و بانو و "مهستی" با فتح سین که به غلط با سکون سین تلفظ می شود یعنی ماه بانو و یک کلمه ی فارسی است و اضافه کرد : خان یعنی چاه، حوض، استخر واین هم یک کلمه ی فارسی است. روز آدینه یعنی روز بزرگداشت دین و این کلمه نیز فارسی است و بعدا تبدیل به جمعه شد ه است. توضیحات جناب دکتر حمیدی درباره واژه ها و لغات مورد توجه حاضرین واقع شد. جناب طبیب ضمن تشکر از دکتر حمیدی از جناب استاد امیر مسعود حامی بوشهری درخواست سخنرانی کرد . دکتر حامی راجع به مطالبات بازنشستگان قبل از سال ۷۹ و دوازده درصدی که سال هاست درباره ی آن بحث می شود توضیحاتی داد و گفت پنجاه درصد وجوه ۱۲ قبل از عید نوروز پرداخت خواهد شد و پنجاه درصد دیگر در سال آینده پرداخت خواهد شد. توضیحات جناب دکتر حامی بوشهری برای اکثر حاضرین بسیار جالب و شنیدنی بود.آقای طبیب با تشکر از جناب دکتر حامی، آقای محمد علی پور را به سخنرانی دعوت کرد. جناب محمد علی پور شهردار اسبق بوشهر از ظلم و ستمی در زمان رژیم گذشته به خانواده اش شده بیانات جانکاهی داشت و از جمله گفت: برادرم را کشتند و حتی جسدش را به ما ندادند و مفقود الاثر باقی ماند. سپس درباره ی فاضلاب بوشهر با تاسف و تاثر سخن به میان آورد و گفت:این تفعن و این بوی گند مردم را به ستوه آورده و سال های سال است مردم در رنج و عذابند ولی یک فکر و چاره اساسی در این خصوص نمی شود و اضافه کرد که برای رفع نقص فاضلاب بوشهر باید کانال کشی فنی انجام گیرد تا آب و باران در آن ها باقی نماند و در ادامه بیانات خود از جناب میگلی نژاد و شهردار سابق بوشهر به نیکی یاد کرد. و از اقدامات و خدمات چشمگیر ایشان تحسین و تمجید نمود. و نیز راجع به اوضاع فرهنگی بوشهر صحبت کرد و گفت در زمان حکومت گذشته جوانان بوشهر برای ادامه تحصیل به شهرهای دیگر رهسپار می شدند ولی اکنون استان بوشهر دارای ۳۵ دانشگاه است باعث خوشوقتی است آقای طبیب از جناب محمد علی پور قدردانی نمود و آقای غلامرضا حیدری را به سخنرانی دعوت کرد . جناب حیدری که اهل کاکی است و کاندیدای انتخابات برای تهران است از حضور خود در جمع همشهرهای و هم استانی ها اظهار خوشوقتی کرد و سپس درباره هدف از خلقت انسان با استناد به آیات قرآن کریم توضیحاتی داد و اضافه کرد: که خدمت به انسان مورد توجه تمام انبیا و امامان هدفی بوده و در تمام کتب دینی درباره ی خدمت به مردم توصیه زیادی شده است. آقای طبیب از آقای حیدری سپاسگزاری کرد و در ساعت ۹/۱۵ ختم جلسه را اعلام نمود.

۳۰۰ واحد بدون برق در بوشهر؟!

مدیر عامل محترم شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر
جناب آقای دکتر دشتی
با سلام احتراما به استحضار می رساند این جانبان امضا کنندگان نامه از مالکان واحدهای ساخته شده در ضلع شمالی زمین های کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بوشهر واقع در منطقه دواس بوده که از سال های ۱۳۸۲ تاکنون به دلیل سهل انگاری و عدم تفکر بنیادین و برنامه ریزی صحیح و پیش بینی شده در ساختار شهری فاقد هر گونه برق مورد نیاز برای واحدهای ساخته شده خود می باشیم.
وجود بیش از ۳۰۰ واحد ساخته شده که همگی در رهن بانک های گوناگون و با اقساطی بسیار سنگین و کمر شکن با توجه به فشار تورم افسار گسیخته موجود برای جامعه کارمندی بسیار سنگین و طاقت فرست بوده و تاسف بارتر این که خانه های مذکور بیش از یک سال است که از شروع اقساط آن ها گذشته در حالی که هیچ یک از مالکان واحدها به دلیل نبود برق قادر به استفاده از خانه های خود نبوده و نیستند هر چند مراجعات مکرر این جانبان به انحای گوناگون به شورای اسلامی شهر بوشهر، شهرداری، استانداری، فرمانداری و ادارت برق شهرستان و استان و بعد از مدت ها سرگردانی و پرسش های بی جواب بی نتیجه بوده، اکنون مدتی است که بارقه ی امید به چشمان در انتظار بیش از ۳۰۰ خانوار کارمندی مشاهده می شود اما آن چنان که باید کارها به سرعت رو به رشد نبوده و پیشرفت پروژه مورد نظر نیز به کندی و حرکتی لاک پشتی به خود گرفته است. پروژه ای که اگر در هر زیر مجموعه و یا دور افتاده ترین گوشه این کشور بود تاکنون به پایان رسیده بود. در حالی که در حال حاضر برای این جانبان میراث و محصولی جز ناامیدی اقساطی وحشت زا و کمر شکن نتیجه ای در بر نداشته است امید که با اتکال به خدای بزرگ و با توجه به حسن نیت خیرخواهانه ، حضرت عالی بانی خیری باشید تا این مشکل چندین ساله به یمن وجود شما حل گردیده و دعای خیر صدها خانوار را پشتوانه پاداش و اجر آخرتتان سازید.
(جمعی از ساکنان)

تشکر از کارکنان آب و فاضلاب

از آن جایی که کارکنان بسیار تلاش و زحمتکش اداره آب و فاضلاب بوشهر همیشه و همه جا با جان فشانی و مساعدت بی دریغ، شب و روز خود را وقف خدمت رسانی به مشترکان استان نموده اند و ما شاهد بوده ایم که با وجود بارندگی های اخیر و سرمای کم سابقه در سراسر کشور که موجب کمبودها و خرابی ها ناشی از مشکلات سیلابی در زمینه های گازرسانی و برق و ... گردیده است اما خوشبختانه کمبود یا نارسایی آب یا مشکل بی نظمی در کار فاضلاب در سطح شهر بوشهر مشاهده نشده است و ما اهالی بخشی از جنوب خیابان بهمنی مراتب تشکر و امتنان از مجریان برنامه های آب و فاضلاب بوشهر اعم از طرح های توسعه یا بخش اتفاقات را بر خود لازم می دانیم و اجر الهی برای این خادمان راستین از پیشگاه احدیت مسئلت داریم و من ا... توفیق

بخشی از ساکنان خیابان بهمنی – محله ی دانش

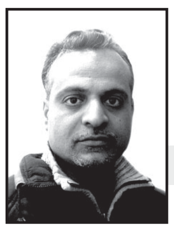
اصلاحیه

آگهی د عوت مجمع عمومی عاد ی نوبت د وم

از کلیه سهامد اران و اعضاء محترم د عوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عاد ی نوبت دوم شرکت تعاونی مرزنشینان بخش مرکزی بوشهر یک / چغادک که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۲۶/۱۲/۸۶ در محل مسجد الزهراء (ص) چغادک برگزار می گردد حضور بهمرسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی به شرح ذیل می باشد:
۱ – انتخاب بازرسان
۲ – پیش بینی اقلام بودجه سال ۱۳۷۸
۳ – هزینه حسابرسی از سال ۱۳۸۰ لغایت پایان سال ۱۳۸۶
۴ – فروش زمین شرکت واقع در چغادک
۵ – فروش و خرید خودرو شرکت

هیئت مدیره تعاونی مرزنشینان
بخش مرکزی بوشهر یک / چغادک

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۴۹۰ یکشنبه ۱۲ اسفند ماه
NASIM JANOUB



دبیر صفحه: مهدی صالحی زاده

آسانسور شاهین!



علیرضا محمدی ـ گفتند : شکست، یعنی تو دیگر به آن نمی رسی .
گفت: نه، من باید از راه دیگری به سوی هدفم حرکت کنم .
گفتند: شکست، یعنی تو دیگر باید تسلیم شوی .
گفت: نه من باید بیشتر تلاش کنم.
در عصر ارتباطات و فن آوری" کلمه " مهم ترین چیزی است که همه در جستجوی آن هستند. هر چیزی وقتی می تواند به یک کمیت با ارزش تبدیل شود که در قالب واژه ها و کلمات بتواند بیان شود. هنر درک نظرات دیگران از روی گفته ها یا نوشته هاشان هنری است که مدیران موفق و لایق به عمق آن پی می برند و با تقویت یافته های خود و با تحلیل و بررسی دقیق نظرات در راستای اهداف تعیین شده ی حوزه ی مدیریتی اش در بهره وری بهتر به اجرا در می آورد. اما برای شنیدن گفته ها و ناگفته ها و انتظارات در ورزش می توان هنر گوش دادن به سایر نظرات حتی ایده های مخالف را توسعه داد. با چند دقیقه خیره شدن در چشمان پیشکسوتان شاهین، با خواندن و تاملی چند بر مطالب نشریات، با دقت کردن در گفتگوهای تماشاچیان بازی ها و دیدن شرم و حیای جوان با ادبی که پس از مساوی شاهین در بوشهر با بغض استادیوم را ترک می کند و هیچ نمی گوید و حتی با شنیدن تمام صحبت هایی که برخی کوچه بازاری ها می کنند که اگر فلان کنیم یااگربهمان کنیم بهتر می شود و ... آسانسور شاهین چه بخواهیم و چه نخواهیم در بین پله های اول تا دوازدهم لیگ دسته یک ایران در نوسان است.

همه ی ما هم از مدیر باشگاه تا پیشکوستانی که با دلخوری از مدیر و کارهای انجام شده به استادیوم نمی آیند و در خانه بیشتر از همه نگران وضع تیم اند و تا بازیکنانی که بیشترین انتقادها از آن هاست و سعی در بهتر تمرین کردن و پیروزی در بازی آینده دارد تا یک هوادار ساده همه و همه سوار بر این آسانسوریم.

می توانیم حتی با سعه ی صدر بیشتر و احترام به نظر همه افراد چه منتقد و چه مخالف یکدیگر را در این فضا تحمل نماییم. تا بل که مدیران از سر دلسوزی به راهکارهایی برای نجات تیم محبوبمان دست یابند.

بیایم در آسانسور شاهین انسان های اطراف خود را با هر ایده و طیف و نگرش به ارایه راهکارهایی از بحران کنونی دعوت نماییم. بیاییم هنر شنیدن نظرها و راهکارهای علمی برای صعود به طبقات بالاتر در آسانسور شاهین از فعل به عمل تبدیل کنیم.

اشکال کار در کجاست؟

علی اکبر شمسا



مدتی بود دوستان ورزشی نویس و سردبیران ورزشی نشریات استانی از حقیر خواستار نوشتن مطالبی در رابطه با ورزش فوتبال استان بودند ولی به دلایلی که مطلع بودند سر باز می زدم! اما در این برهه از زمان احساس می کنم جامعه ی ورزش و ورزش دوستان استان نیاز به کالبد شکافی و مداوای این ورزش بیمار دارند. امید است به مطالب عنوان شده در این رابطه با دیدی خوشبینانه و کسی که سال ها در عرصه ی فوتبال استان و کشور دستی در آستین دارد نه از دیدگاه یک بررسی خارج از گود، نگریسته شود.

با نگاهی به لیست تیم های لیگ دسته یک فوتبال آزادگان می بینیم تنها تیم هایی مثل صنایع اراک، شهرداری بندرعباس، نساجی مازندران و شاهین بوشهر مربیان غیر بومی دارند. شهرهایی مثل اراک و بندرعباس سابقه ای در فوتبال کشور نداشته فقط بوشهر با این همه سابقه و افتخارات از مربیان غیر بومی استفاده کرده و بقیه تیم ها از داشته ها و استعداد های بومی خود در رهبری تیم هایشان به عنوان سرمربی بهره می برند و اکثرا هم موفق بوده اند و نسبت به پتانسیل و هزینه های که کرده اند نتیجه نسبتا قابل قبولی گرفته اند.

دراین جا این سوال پیش می آید چه کسی یا کسانی باعث کنار ماندن مربیان بوشهری از همراهی نمایندگان فوتبال استان در کشور شده اند؟ چه کسانی باعث مهاجرت بازیکنانی شدند که هم اکنون در لیگ یک کشور و تیم های رقیب و حتی لیگ برتر بازی می کنند. بیش از ۸۰ درصد تیم های لیگ یک کشور از سر مربیان بومی استفاده می کنند ولی شاهین و ایران جوان دو تیم باسابقه بوشهری از مربیان غیر بومی استفاده می کنند و متاسفانه تاکنون موفقیتی هم کسب نکرده اند. مدیریت ارشد ورزش و فوتبال استان اگر دخالتی در انتخاب سرمربیان و مربیان ندارند امری است غیر منطقی چون تمامی نمایندگان استان در فوتبال کشور در رده های مختلف از قبیل تربیت بدنی و هیات فوتبال کمک های مالی و حمایت های و اداری می شوند پس باید نسبت به عملکرد کادر فنی تیم ها بی تفاوت نباشند.

اگر هم دخالت در گماردن مربیان داشته و دارند به دلیل حضور در هیات مدیره و هیات رییسه و به عنوان کارشناس فوتبال چرا کنکاش در عملکرد خود نمی کنند؟! چرا در مقابل سوال مردم و افکار عمومی سکوت کرده یا اظهارمی دارند ما هیچ کاره هستیم؟

چرا در زمانی که مربی قبلی شاهین بازیکنان به درد بخور بومی را جذب نکرد این کارشناس و اعضای هیات رییسه دفاعی از بازیکنان تبعیدی بوشهری نکردند و حرفی نزدند و در مقابل بر کناری و خود محوری و بی تجربگی آقای سعداوی سکوت اختیار کردند و اجازه دادند هر کاری دلش خواست انجام دهد؟ و وقتی زمان از دست رفت و آب از سر گذشت و با اعتراض تماشاچیان روبرو شدند مجبور به کنار گذاشتن او شدند و تا این لحظه هم می گویند اخراج نشده است؟!

شاید هم سعداوی خودش دلش خواست بیاید و هر وقت هم خودش خواست برود! هیچ کس در آمدن و رفتنش نقش نداشت.

تجربه ی چندین ساله نشان داه است بی توجهی و کم محلی به مربیان بوشهر که صاحب تجربه های گرانبهایی بوده از یک طرف و خود کم بینی و عدم خود باوری و مهاجر دوستی و غریبه پرستی از منظری دیگر نه تنها جواب نداده بلکه فوتبال بوشهر را به ورطه ی نابودی کشانده است، چرا مدیران دوست دارند از مربیانی استفاده کنند که فقط اسم وشهرت و احیانا پسوند تیم ملی داشته باشند و چند صباحی در خدمتشان باشند و افتخار کنند که روزی مربیانی باشگاهش بازیکن یا مربی ملی بوده و به این موضوع افتخار می کنند و چند عکس یادگاری با هم داشته باشند. در فوتبال امروز دنیا چیزی که مورد ارزیابی و ملاک مدیران و مسوولین باشگاه ها می باشد کارنامه و عملکرد و مربیان می باشد نه شهرت و سابقه بازیگری و حتی مربیگری تیم ملی. بیاییم به داشته ها و استعدادهای بومی خود در عرصه های فوتبال کشور به عنوان مربی بازیکن و کارشناس و... ایمان آورده و تشویق و تقویت و حمایت کنیم. اگر از تهرانی ها، اصفهانی ها، شیرازی ها یاد نمی گیریم از کرمانی ها و رفسنجانی ها و سیرجانی ها و یزدی ها الگو بگیریم و عقب نمانیم. پیشرفت و موفقیت هر شهروند بوشهری در تمام عرصه های ورزشی و غیر ورزشی افتخاری برای همه بوشهری هاست. از تجربه و توانایی همه ی زحمتکشان جهت رشد و تعالی ورزش و فوتبال استان استفاده نماییم.

لیست تیم های حاضر در مسابقات فوتبال لیگ دسته یک جام آزادگان

نام باشگاه	نام مربی	اهلیت
۱ –مرصاد مقاومت شیراز	محمد شفیعی	بومی
۲ –شموشک نوشهر	محمد علی فتاح زاده	بومی
۳ –مس رفسنجان	اکبر زبر دست	بومی
۴ –ماشین سازی	غلامرضا باغ آبادی	بومی
۵ –شاهین بوشهر	سعداوی– نصرت ایرن دوست	غیربومی
۶ –صنایع اراک	کمال وند – ناصر ابراهیمی	غیربومی
۷ –پیام مشهد	علی حنطه	بومی
۸ –گل گهر سیرجان	قاسم شهبا	بومی
۹ –هما تهران	فرشاد پیوس(؟)	بومی
۱۰ –اتکا تهران	یوسف نادریان	بومی
۱۱ – نساجی مازندران	ابراهیم طالبی	غیر بومی
۱۲ –فولاد خوزستان	ایناسیو	خارجی
۱۳ – شاهین اهواز	جام اهلیرف	بومی
۱۴ – سرخپوشان	حمید علی دوستی	بومی
۱۵ –داماش ایرانیان	امیرحسن پیروانی	غیر بومی ساکن تهران
۱۶ – کاوه زنجان	علی نیکبخت	بومی
۱۷ –سپاهان نوین	حسین چرخابی	بومی
۱۸ –کوثر تهران	محمود کلهر	بومی
۱۹ –تراکتور سازی	احد شیخ لاری	بومی
۲۰ – تربت یزد	کاظمی	بومی
۲۱ –استیل آذین	کاظمی	بومی
۲۲ –شهرداری بندرعباس	کربکندی	غیر بومی
۲۳ –نیروی زمینی		غیر بومی
۲۴ –شهرداری تبریز		بومی

تعداد تیم ها ۲۴ تیم – تعداد مربیان بومی ۱۸ نفر – تعداد مربیان غیر بومی ۴ – تعداد مربیان ساکن تهران ۱ – تعداد مربیان خارجی ۱

ندا عبدا...زاده ملی پوش بوشهری تیم ملی فوتبال بانوان ایران:

برای حضور در ترکیب اصلی نهایت تلاشم را می کنم



چندی پیش از سوی مربی تیم ملی بانوان ، ۵۷ بازیکن از سراسر کشور به اردوی اولیه تیم ملی جهت اعزام به مسابقات نهایی جام ملت های آسیا دعوت شدند که در مرحله اول ۱۰ نفر و مرحله دوم ۱۷ نفر خط خوردند و از سی نفر باقی مانده ۵ نفر دیگر از لیست خارج خواهند شد. ندا عبدا... زاده ملی پوش تیم ملی فوتبال بانوان ایران در خصوص وضعیتش در تیم ملی به خبرنگار ما گفت: من برای حضور در ترکیب اصلی نهایت تلاشم را می کنم. ضمن این که در پست من (هافبک نفوذی) با خانم مریم نوری ، (خواهر پژمان نوری) بازیکن تیم پرسپولیس تهران رقابت شدیدی دارم. وی ادامه داد از زمانی که دختر ناصر حجازی در تیم ملی خط خورد مطمئن باشید با خواهر پژمان نوری هم رقابت سالمی خواهم داشت. امیدواریم دختر آقای عبدا... زاده برای چندمین بار شایستگی خودش را در تیم ملی ثابت کند.

حسین ماهینی افتخار فوتبال بوشهر



حسین ماهینی بازیکن بوشهری تیم استقلال اهواز هفته گذشته در پیروزی سه بر صفر تیمش مقابل شیرین فراز کرمانشاه نقش بسزایی ایفا کرد. این بازیکن اولین گل اهوازی ها را در بازی مذکور وارد دروازه حریف کرد و هنر گلزنی خود را پس از تبحر در خط دفایی به رخ همه مدافعان ایران کشید. امید است این جوان محجوب و دوست داشتنی به آنچه که لیاقتش دارد یعنی لباس مقدس تیم ملی فوتبال دست یابد.

محسن شادکامی قربانی لج بازی



محسن شادکامی از جمله جوانانی است که امسال سعداوی او را تایید نکرد، ولی با آمدن جناب نصرت ایران دوست بر سر هدایت گری تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی که فلسفه اصلی وی استفاده از بازیکنان بومی بود، محسن شادکامی را تایید کرد و طی نامه ای به هیات رییسه باشگاه از آن ها درخواست نمود که ایشان را قبول داشته و با وی قرارداد امضا نمایند.

به هر صورت این جوان به مانند جوان های دیگر بوشهر قربانی لج بازی بعضی از آقایان گردید که خودش در آینده نزدیک همه چیز را در این خصوص اعلام خواهد کرد.

قدم پالیزدان خوش یمن بود



پس از این که محمد محمدی باغملایی از تیم فوتبال شاهین پارس کنار گذاشته شد، مسعود پالیزدان، آنالیزور این تیم در سمت مربی گری در کنار ایران دوست و اسپندار در دو جبهه فعالیت می کند.

اولین کار دو شاخه پالیزدان در شاهین خوش قدم بود. امید است در ادامه راه، تیم به همراه این کادر فنی موفق باشد. با توجه به این که لیاقت محمد باغملایی بیش از این برخوردهای نامسوولان بود.

محمدی قربانی مافیای فوتبال



محمد محمدی باغملایی بازیکن اسبق تیم فوتبال شاهین بوشهر و مربی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی هفته گذشته به دلایل خاص و نامشخصی از این تیم کنار گذاشته شد. باز هم دست پنهان مافیای فوتبال بوشهر قربانی به نام محمدی گرفت. قبل از محمدی بازیکنانی چون محسن قائدپوری، قوسی، نظرزاده، دانش طلب، راستکردار و ... فدای اینگونه رفتار شده بودند.

پرواز شاهین با بال های هما برای بقا



شاهین پارس جنوبی بوشهر ۲ – هما تهران صفر
گلها : محمد کاشی نژاد (۶۱) اخطار: عبدی زاده و خنیفر از شاهین
ستاره میدان: با تقدیر از هادی خنیفر ، فریسات و بشکوفه ، عبدا... کرمی.
تماشاگران: حدود ۲۵۰۰ نفر

در سالی که خداوند برکت به تیم شاهین داد بعضی از مسوولین ناکارشناس و خدا نشناس چنان بلایی به سر فوتبال بوشهر و پاکی و صداقت مهندس دمشقی آوردند که هیچ وقت این عمل تیره و چرکین از یاد بوشهری ها نخواهد رفت. در هفتمین روز اسفند ماه ۸۶، که یزدان پاک هوای خوب به شهر بوشهر هدیه داده بود، برای شاهین خوش یمن به پایان رسید. با نسیم تند جنوبی در لیان، جایگان خوبی برای فرود طیاره لرزان همای تهران نبود. تهرانی ها که در جدول حال و روز بهتری از شاهین پارس ندارند در این روز مربی جدیدی به نام ابراهیم قاسم پور (مربی اسبق نفت آبادان) را به خدمت گرفته ولی نسخه او هم برای تهرانی ها شفا بخش نبود. در نبرد دو مربی بزرگ ایران یعنی ایران دوست و قاسم پور این شاگردان ایران دوست بودند که با دوندگی مزدکار خود را گرفتند. در خط دفاعی اکثر نفرات خوب بازی کردند ولی کمی کند به نظر می رسیدند، خط میانی دوندگی خوبی داشت اما انتظارات فنی از بازیکنان این منطقه بسیار بالاتر بود. خط حمله با تجربه بود ولی فاقد هنر گلزنی و عدم شناخت هم دلیل گل زدن آن ها بود. دژان هم در کل خوب کار کرد. در روز پیروزی بر هما فریسات، کرمی، خنیفرو بشکوفه عالی کار کردند، اما عبدا... کرمی با میدان داری و حمایت همه جانبه از اکثر نظرات شاهین ستاره ی بی چون چرای میدان بود.

کسب سه امتیاز شیرین از دورترین نقطه کشور

گاز سرخس صفر – ایران جوان بوشهر ۱
گل: کامران خالدی (۶۰ پنالتی)

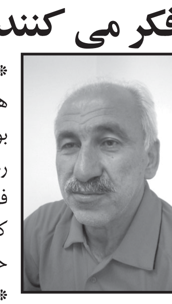
کاروان تیم ایران جوان با طی نمودن ۲۲۳۰ کیلومتر بر نقطه صفر مرزی با کشور همسایه تر کمنستا ن رفت تا میهمان سر خس خراسان شمالی باشد، و با عزمی راسخ مقابل قوی هیکلان و قدرهای گاز سرخس صف آرایی کردند. سرخسی ها با انجام بازی مستقیم که با چاشنی خشونت هم توام بود در ۴۵ دقیقه اول ایران جوان را تحت فشار نسبی قرار داد که با تدبیر سرمربی حمید معماری ایران جوانی ها در نیمه اول جان سالم به در بردند. با توجه به فشار حریف، بوشهری ها در سه نوبت به صورت جدی دروازه گازی ها را تهدید کردند و در این بین گلر سرخس در شرایط تک به تک با مهاجم ایران جوان و بیرون ۱۸ قدم خودشان با دست توپ را لمس کرد و که داور ضعیف میدان او را فقط با کارت زرد جریمه کرد. ایرانجوان چندین مصدوم در اختیار داشت و در این بازی دو مصدوم جدید هدیه گاز به بوشهر بود (پولادی و احمدی). پرس منطقه ای و نزدیک شدن به دروازه به خصوص از میانه خط دفاعی در دستور کار شا گر د ا ن معماری بود.



در پی همین روش و روی ضربه پنالتی که توسط خالدی بهترین بازیکن میدان به ثمر رسید سه امتیاز شیرین به دست آورد. در دقیقه ۴+۹۰ داور میدان یک ضربه پنالتی به سود سرخسی ها که سمت گرفت که گلر ایران جوان (زایر ابراهیمی) ضربه ی پنالتی را به کرنر فرستاد. در این دیدار زایر ابراهیمی ، درویشی ، زارعی ، خدری ، آتشی بهتر از دیگران بودند ولی ستاره میدان با تجربه ای به نام کامران خالدی بود.

نصرت ایران دوست سرمربی شاهین پارس جنوبی بوشهر :

فکر می کنند که ما از دست مردم فرار می کنیم



* بازیکنان در بازی با هما،همایی ها خوب بودند اما من واقعا از رهبری خوب عزیز فریسات تشکر می کنم او برای ما مهره حساسی است.

*اگر همیشه این جوری باشند به هیچ تیمی نمی بازیم.

* به دلیل این که سمت راست آن ها (باوی فرد) خوب کار می کرد علی بشکوفه رابه سمت چپ آوردم تا کمی عقب تر بازی کند و مواظب حرکت او باشد.

* در تمرینات هفته گذشته روی مسایلی که در مسابقه انجام شد خیلی کار کردیم به خصوص روی گلی که به ثمر رساندیم.

* ما از جمعه صبح به عسلویه می رویم تا در زمین چمن مصنوعی به تمرین بپردازیم تا برای بازی با کوثر تهران آماده باشیم.

* بعضی ها فکر می کنند که ما از دست مردم فرار می کنیم نه به خدا چنین چیزی نیست. مردم بزرگ بوشهر با محبت و تشویق و حمایت تا به حال ما را شرمند ه کرده اند من واقعا شرمنده مردم بوشهر هستم

* من در جزییات اخراج آقای محمد محمدی باغملایی نیستم. این تصمیم از طرف مسوولین تیم بود و من دخالتی نداشتم.

* آقای رفیعی این خبر را به محمدی داده که دیگر در تیم بزرگسالان فعالیت نکند و به تیم های پایه برود.

حمید معماری سرمربی تیم ایران جوان بوشهر:

سرخسی ها از بازی ایرانجوانی ها تعریف می کردند



– سلام خسته نباشی سرهنگ مبارک باشه سه امتیاز شیرین؟ – خیلی ممنون این پیروز را تقدیم به هواداران ایران جوان می کنم.

– بازی دل چسب بود؟ – در هر صورت ما سه امتیاز لازم را کسب کردیم و تا حدودی به خواسته تاکتیکی به خصوص در ۴۵ دقیقه نیمه دوم رسیدیم.

–مثل این که داور خیلی شما را اذیت کرده بود؟ –این جزیی از بدشانسی های فوتبال بوشهر است. به هر صورت داور در این بازی به خصوص نیمه اول زیاد عادلانه قضاوت نکرد. به خصوص زمانی که گلر حریف از محدوده ی جریمه با دست توپ را مهار کرد این در شرایطی بود که با مهاجم ما تک به تک بود.

– متاسفانه دو مصدوم دیگر روی دست افتاد؟ – بله در این بازی بینی حسین پولادی شکسته شد ولی این بازیکن با تعصب بازی کرد و باعث گل برتری ما شد و دومی ولید احمدی از ناحیه پا دچار مصدومیت گردید.

– هواداران سرخسی چگونه بودند؟ – ای کاش آن جا بودید و می دیدید که چگونه از بازی بچه ها تعریف می کردند و به مربیان و بازیکنان خود می گفتند که از بوشهری ها یاد بگیرند.

– روند تیم از بازی قزوین بهتر شده بود یا خیر؟ –بله خیلی بهتر شده بود.

بیاد جوانان دیروز

غلامحسین بارونی ورزشکار دیروز و هنرمند امروز:

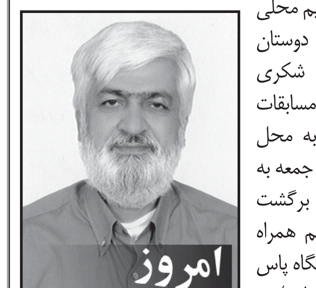
جایگاه پیشکسوتان را باید در زیر خروارها خاک جستجو کرد

مصاحبه از رضا سیاوشی

– لطفا خودتان را معرفی کنید.

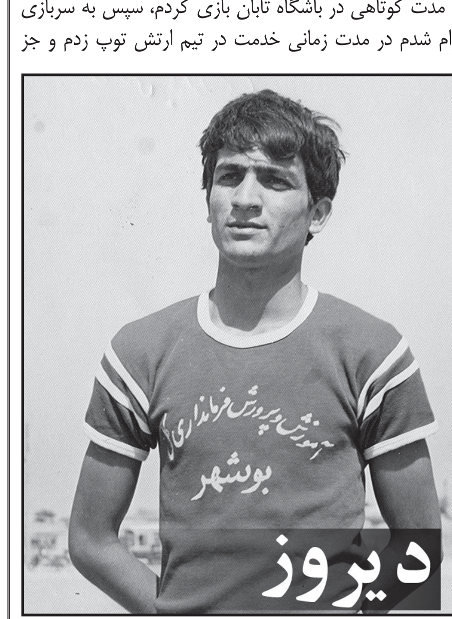
– غلامحسین بارونی هستم متولد ۱۳۳۰/۱/۹ هنر آموز هنرستان حاج جاسم بوشهری، بازنشسته آموزش و پرورش .

– لطفا سابقه ورزشی تان را شرح دهید.



– از زمان نوجوانی در تیم محلی به نام فانوس همراه با دوستان هم محلی در کوی شکری فوتبال را شروع کردم و مسابقات محلی، که از محلی به محل دیگر بیشتر در روزهای جمعه به صورت دعوتی رفت و برگشت پی می گرفتیم کم کم همراه با عباس احمدی به باشگاه پاس آن زمان (باشگاه شهربانی) به مربی گری جناب آقای کازرونی که خود را در شهربانی انجام وظیفه می کرد، فوتبال را ادامه دادم در زمانی کوتاه باشگاه پاس جای خود را به خوبی در بین باشگاه های شهر پیدا کرد. این تیم در مسابقات شهری برای دو باشگاه رده بالا شهر تابان و ایران جوان مشکل ساز شده بود و با این دو باشگاه در مسابقات دست پنجه نرم می کرد نمی دانم چه پیش آمد و چه طور شد که به همراه با آقایان رضا ماهینی، محمود ابراهیم زاده، عباس احمدی به باشگاه تابان پیوستم. البته در آن زمان جابه جائی بازیکنان از این باشگاه به باشگاه دیگر از نظر روانی کار ساده و آسانی نبود وهمانند حال نبود که بازیکنی به خاطر تومانی بیشتر شخصیت فردی و ورزشی خود را بفروشد هر چند که بیشتر بازیکنان از خانواده های کم درآمد بودند.

در هر حال این کار صورت گرفت لطمه بزرگی به باشگاه پاس وارد شد مدت کوتاهی در باشگاه تابان بازی کردم، سپس به سربازی اعزام شدم در مدت زمانی خدمت در تیم ارتش توپ زدم و جز



تیم ارتش سوم منطقه شیراز انتخاب شدم (البته در زمان تحصیل) ضمن فوتبال کارهای بازیگری در مدرسه شرکت داشتم که کار تئاتر بعد از پایان خدمت سربازی ما را بیشتر به خود کشید و فوتبال کم کم جای خود را به هنر بازیگری – تئاتر و فیلم و سریال داد که هم اکنون هم ادامه دارد.

– در چه پستی بازی می کردید؟

– در گوش چپ انجام وظیفه می کردم.

– چه مقایسه ای از وضعیت موجود فوتبال با دوران بازیگری خودتان دارید؟

– به طور خلاصه عرض کنم مقایسه کردن وضعیت فوتبال گذشته با حال فکر می کنم یک نوع ظلمی باشد به مربی ها و بازیگران گذشته.

– با کدامیک از همبازی های هم دوره خود در ارتباط هستید؟

– به علت جدا شدن خط سیر کاری ورزش با هنر، برخورد کم است لیکن هرگز فراموش نشده اند و همیشه در قلبم جای دارند.

– چه توقع و انتظاری از مسئولین ورزشی استان دارید؟

– توقع و انتظارات بزرگان و صاحب نظران و پیشکسوتان آن چه لازم بوده اشاره شده است گفتن و عمل نشدن چه سود.

– چه پیشنهادی جهت رشد ورزش استان، به خصوص فوتبال دارید؟

– بهتر است افراد و دست اندرکاران، چهل و پنجاه سال به عقب نظر بیندازند.

– یک خاطره ورزشی، تعریف کنید.

– در گذشته صداقت و روراستی و .. وجود داشت که خود بهترین خاطره است.

– جایگاه پیشکسوت در بوشهر کجا قرار دارد؟

– سوال جالبی و از طرفی خنده آور– می توان گفت باید در زیر خروارها خاک جستجو کرد.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• عکاس خبری: عباس حید ری
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی چاپ: کارگر



یادداشت یک همشهری

چگونه می توان تعادل روانی داشت؟

دکتر محمد جعفر ایزد پناه

شما توی منزلتان نشسته اید مثل بچه آدم زندگیتان را می کنید کاری به کار هیچ کس هم ندارید. مثل یک شوهر مهربان مشغول پاک کردن برنج برای نهار فردایتان هستید، گزارشگر تلویزیون از نقش سرنوشت ساز مردم در پای صندوق های رای گزارشی تهیه کرده است. مردم هم مشتاقانه آماده حضور پای صندوق های رای هستند. همه شان می خواهند با رای دادن مشت محکمی به دهان استکبار بکوبند و دشمنان خارجی و داخلی را مایوس کنند! هیچ کس روی مسئله رای دادن هم اعتراض یا انتقادی ندارد. بین مصاحبه ها چند سرود حماسی همراه با تصاویری از آثار باستانی و دیدنی ایران به نمایش در می آید. عرق ملی در شما شروع به غلیان می کند. تصمیم می گیرد هر طور شده وظیفه ملی و میهنی خود را به نحو احسن انجام دهید. در حالی که قابلمه را روی گاز می گذارید با خود می گویید ۲۴ اسفند همه برنامه هایم را باید لغو کنم، نکند آن روز مریض شوم.

فردا پرسان از طریق جراید و گفته های شفاهی اقوام و آشنایان پیگیر می شوید بدانید چه کسانی برای نمایندگی ثبت نام می کنند تعدادی اسم توی ذهنتان دارید. خدا خدا می کنید همه شان وارد عرصه بشوند و رقابت نفسگیری را شاهد باشید و از میان کاندیداهای مورد نظرتان بهترین آن ها انتخاب شوند تا آینده ای روشن را برایتان رقم بزنند. اما متوجه می شوید تعدادی از کاندیداهای مورد علاقه تان پیشاپیش به خاطر بهانه های جزیی وادار به کناره گیری شده اند و خودشان به دست خودشان از صحنه رقابت حذف شده اند به خود می گویید: عیبی ندارد هنوز چند تایی هنوز باقی مانده اند. از میان همین ها یکی انتخاب بشود خودش کلی می ارزد! با آن ها تماس می گیری وبه ایشان قول همکاری می دهی و برایشان آرزوی موفقیت می کنی. چند روزی نمی گذرد که خبر از رد صلاحیت کاندیداهای مورد علاقه ات را می شنوی تا خبر را در جراید نمی خوانی باورت نمی شود. دلایل حذف؛ کلی و غیر قابل اثبات هستند. دلایلی هستند که در هیچ محکمه ای به اثبات نرسیده اند و تو حیران و سرگردان می مانی که این دیگر چه جور قضاوتی در مورد افراد مورد علاقه ات است!!! چاره ای جز ابراز تاسف و امید واهی دادن به این که در انتخابات های بعدی موفق باشند برایت نمی ماند در میان کاندیداهای باقی مانده به زحمت فرد دیگری را انتخاب می کنی و منتظر می مانی. آخرین کاندیداهای مورد علاقه ات نیز از هیات نظارت رد نمی شود. توان ابراز تاسف هم نداری. رسانه ملی کماکان تو را دعوت به شرکت در انتخابات می کنند! به خودت می قبولانی که نباید کوتاه بیایی با ذره بین بین باقی مانده ها که نسل شان عین دایناسورها منقرض شده دنبال کاندیدایی می گردی که شاید حداقلی از معیارهایی مورد علاقه ات را در او ببینی چنین شخصی را پیدا نمی کنی و به یکی از گزینه ها که به قول اقوام و آشنایان آدم خوبی بوده و یکی دوبار برایشان کاری انجام داده اعتماد می کنی و پای صندوق می روی. رسانه ملی پایه صندوق ها حضور دارد و از حضور سبز شما فیلم می گیرد با چند نفر مصاحبه می کند هم آن ها هم چنان برای مشت کوبیدن به دهان استکبار خارجی و یاوه گویان داخلی آمده اند. رسانه تا چندین روز بعد کماکان از حضور شما تقدیر می کند از این که به سرنوشت خود اهمیت داده اید و مجلس را هم چنان در راس امور نگه داشته اید. نماینده مورد نظر شما انتخاب نمی شود آخرین امیدتان هم نقش به آب می شود فردی نماینده شهرتان می شود که توانایی مدیریت یک اداره را هم ندارد تا چه برسد به مدیریت یک استان، به خودتان امید می دهید که انشا ا... در مجلس معجزه ای رخ می دهد و نماینده شهرتان در کسوت یک وکیل الدوله موفق به گرفتن حق و حقوق شهرتان و پیشرفت کشورتان می شود. ماه ها می گذرد و دیگر شما خبری از نماینده تان دریافت نمی کنید در گوشه و کنار می شنوید وارد تجارت شده، دفتر بازرگانی تاسیس کرده، مقداری ساخت و ساز هم می کند، گاهی وارد مناقصه می شود و خلاصه به همه چیز و همه کس می پردازد الا وظیفه نماینده گی اش و تو می مانی هاج و واج که آیا حضور سرنوشت ساز همین بود؟! کاری از دستت بر نمی آید منتظر می مانی تا انتخابات بعدی. تا ببینی اگر عمری باقی بود باز هم با حضور سرنوشت ساز شاید فرجی شود و اتفاقی پیش آید .

ترور رییس کلانتری شهر برازجان



یاس نیوز: سرگرد قاسم متولی رییس کلانتری ۱۲ شهر برازجان ساعت ۲۳ دوشنبه شب در مقابل منزلش به شهادت رسید. رضا فرزند شهید متولی که بعد از شنیدن صدای تیراندازی و مراجعه به درب منزل با بدن خونین پدر مواجه می شود. وی ماجرا را اینگونه شرح داد: داخل خانه نشسته بودیم، صدای تیر را که شنیدیم من به سرعت به طرف در خانه دویدم، دیدم پدرم درازکش روی زمین افتاده، پدرم را بلند کردم، او را صدا زدم، از او خواستم که به من جواب بدهد، ولی جواب نمی داد. خون تمام درب حیاط را برداشته بود، مامانم با مامورین نیروی انتظامی تماس گرفت ولی کسی در محل حاضر نشد و خودمان پدر را سوار ماشین کردیم و به بیمارستان رساندیم. آنجا بود که ماموربن حضور پیدا کردند!

سرهنگ رضا محمدی یگانه فرمانده انتظامی استان بوشهر در این رابطه گفت: شهید متولی بعد از خروج ازکلانتری در مقابل منزلش از طرف فرد یا افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت که در این حادثه، یک تیر به سر نامبرده اصابت کرد. این افسر برای مداوابه بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان منتقل شد که بدلیل وخامت وضعیت، وی به بیمارستان فاطمه زهرا (س) بوشهر منتقل شد ولی به رغم تلاش پزشکان، بر اثر شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

محمدی یگانه افزود: اقدامهای اولیه برای شناسایی قاتل و یا قاتلان وی از ساعات اولیه این حادثه آغاز شد و تاکنون چند نفر مظنون دستگیر شده‌اند و بررسی بیشتر در این زمینه ادامه دارد. مطمئن باشید تا چند روز آینده هم به مردم دشتستان و هم به مردم استان خبرهای خوبی از دستگیری عاملین جنایت گزارش خواهیم داد. یک منبع آگاه درباره اسلحه استفاده شده در ترور سرهنگ شهید متولی فرمانده کلانتری ۱۲ برازجان گفت: به احتمال زیاد اسلحه استفاده شده قناسه با دوربین دید در شب بوده است. در بازرسی ماموربن نیروی انتظامی از محل حادثه پوکه گلوله شلیک شده پیدا شده و ماموربن از روی پوکه این را تشخیص داده اند.

وی ادامه داد: محل اختفای قاتل در این جنایت با منزل شهید متولی فاصله داشته و چون منطقه جنوب خیابان منتهی به منزل ایشان غیرمسکونی بوده قاتل در آنجا مخفی شده است. با این فاصله ای که وجود دارد تنها این اسلحه می تواند با یک شلیک آن هم سر یک نفر را نشانه برود.

ماجرای ترور سرگرد متولی اولین مورد ترور نیروهای نظامی و انتظامی در شهرستان نیست، چند سال پیش در دوره فرماندهی سرهنگ ملکی صادقی نیز یکی از ماموربن نیروی انتظامی در چهار راه آمار شهر برازجان توسط یکی از اشرار سابقه دار و معروف شهر برازجان، به شهادت رسید. سال گذشته یکی از اشرار معروف و سابقه دار برازجان در داروخانه دکتر کلانتری برازجان با یکی از نیروهای سپاه درگیر می شود و با خنجر چندین ضربه به بدن وی وارد می کند. در حال حاضر این نیروی بسیجی و سپاهی از چند ناحیه بدن با مشکل مواجه است. در آبان ماه امسال یکی دیگر از ماموربن انتظامی شهرستان دشتستان به نام ستوان ناصر حیات نیز به دست یک شرور مسلح و سابقه دار ترور شد که بعد از چند روز وی نیز جان خود را از دست داد.

مصاحبه با مجید حسینی کنگانی دبیرسابق هیات مدیره منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

آنچه از ما در پارس جنوبی گذشت باید برای پارس شمالی تجربه باشد

مصاحبه از سجاد بهزادی

مقدمه :از آنجا که مجید حسینی کنگانی دارای سوابق مختلف مدیریتی و اجرایی موفق در استان بوده است، توسعه را خوب می شناسد و عوامل و زمینه های شکل یافتن توسعه در زمینه های متعدد را به خوبی تحلیل می کند . وی بیش از آن که در پارس جنوبی به کار و در آمد مشغول بوده باشد توسعه استان با محوریت نفت و گاز را به تحقیق نشسته است. اکنون وی مانند یک فارغ التحصیلان دانشگاه با دانستنی ها و توانایی های متعدد می خواهد حوزه ای دیگر را تجربه کند . کنگانی به مدت دو سال از مدیران کلیدی مهمترین حوزه انرژی استان یعنی پارس جنوبی بوده اید، گویا او در آن منطقه ماموریت داشته توسعه استان بوشهر را از کریدور انرژی مورد بررسی قرار دهد و از این حیث اظهار نظر هایش و راهکار هایی که ارایه میدهد قابل تامل است. وی همیشه تاکید دارد که بنای جریان توسعه باید در ابتدا تربیت نیروی انسانی و تقویت دانشگاه ها و استفاده از بدنه نخبه و اندیشه هر جامعه باشد ، اما آنچه که همگان در مورد این صاحب نظر اتفاق نظر دارند موفقیت او در بخش انرژی و پارس جنوبی است که نزدیک به دو سال تجربه موفقیت آمیزی را در آن حوزه داشته است و از آنجا که مدیریت را نیز در دانشگاه خوانده است بیشتر اظهار نظر های وی را جذاب می کند.

ازآنجا که انرژی به عنوان یکی ازمهمترین مولفه های توسعه در استان بوشهر و به خصوص دیر و کنگان و جم تاثیر گذار تحولات منطقه بوده است سعی بر آن شده است که در این مصاحبه بیشتر از تجربیات این صاحب نظر در این حوزه بهره جوییم. در رابطه با پارس جنوبی در شماره ی اخیر مصاحبه ای بسیار خواندنی بعمل آمد و اکنون پارس شمالی .

– جناب حسینی کنگانی در ابتدا در مورد حوزه انرژی پارس شمالی و تعریفتان از آن سخن بگویید؟

– میدان بیضی شکل گازی پارس شمالی یکی دیگر از ذخایری است که استان و شهرستان های ما را تحت تاثیر قرار خواهد داد و طبق سیاست گذاری وزارت نفت، شرکت نفت و گاز پارس مسوولیت توسعه میدان‌های گازی پارس شمالی، گلشن و فردوس را برعهده دارد .

– فکر می کنید این اقدام در چه تاریخی اتفاق بیفتد؟

– آن طور که آقایان گفته اند باید در ۱۲ فروردین سال آینده کلنگ بخورد .

– تاریخ های زیادی تا کنون اعلام شده است ولی به نظر شما چرا هر بار توسعه پارس شمالی به تاخیر می افتد؟

– عوامل زیادی تاثیر گذار بوده است . از منازعات منطقه ای در مورد مکان یابی آن گرفته تا عوامل خارجی مانند تحریم و عدم استقبال سرمایه گذاران، ضمن اینکه موقعیت ما برای مخزن مشترک در پارس جنوبی آن قدر دچار استرس است که آقایان را ببیشتر درگیر آن منطقه کرده است . در هر صورت به زودی عملیات اجرایی پارس شمالی آغاز می شود ولی بنده بیش از آن که نگران زمان کلنگ زنی پارس شمالی باشم نگران از دست رفتن و تخریب هایی هستم که بر سر پارس جنوبی و عسلویه آمد و اگر برنامه ریزی صحیح در این مورد نداشته باشیم برای پارس شمالی نیز پیش می آید .

– می توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟

– متاسفانه در اثر ایجاد فازهای پالایشگاهی در استان ما از جم گرفته تا عسلویه خسارات پیرامونی کم نبوده اند. از خسارت به محیط زیست و کشاورزی گرفته تا از بین رفتن شغل ماهیگیری برای بومیان و کشاورزی برای کشاورزان و ما اکنون در مورد پارس شمالی در برهه ای حساس از این بعد قرار داریم.

– تلاش سازمان حفاظت محیط زیست باید این باشد که توسعه میدان گازی پارس شمالی منجر به تخریب طبیعت و پیامدهای مخرب زیست محیطی نشود و حال من دغدغه ام این است که آیا در آستانه کلنگ زنی این اتفاق میمون این برنامه ریزی ها صورت گرفته است .

– باور من این است که اگر مکان یابی این منطقه بر اساس اصول کارشناسی صورت نگیرد محیط زیست محدوده پارس شمالی با خطر مواجه می شود و حتی کسانی که در دیر تنها راه امرار معاششان دریاست باید دیگر با آن خداحافظی کنند. باید از مسؤولان وزارت نفت خواست که هر گونه توسعه را از نگاه زیست محیطی دنبال کنند تا زیانی که در عسلویه بر سر محیط زیست آمد در این جا تکرار نشود. صدها جانور و گونه گیاهی در پارک جنگلی نای بند در عسلویه زندگی می کنند که باید حفاظت شوند. آیا می شوند؟

بیشتر کشاورزی شهرستان جم وبه خصوص بخش ریز براثر کم آبی و مکیدن آب های زیر زمینی توسط پالایشگاه گاز فجر جم رو به نابود شدن هستند و من سوال می کنم آقایان چرا مطالعات آبخیز داری و مهار آب های سطحی در آن منطقه را انجام ندادند؟

– راهکار چیست ؟

– همزمان با توسعه فازها در پارس شمالی، مرکز تحقیقات محیط زیست نیزباید آغاز به کار کند تا بتواند موارد خود اظهاری پارس شمالی را پیگیری کند.

توسعه پارس شمالی و جنوبی جهانی است و خیلی مهم است پس باید به موازات آن ارزیابی سازمان های زیست محیطی جهان نیز شاهد باشیم و حتی NGO ها بر این مناطق حساس باشند .

از نظر محیط زیست میزان فضای سبز و ایجاد تصفیه خانه فاضلاب در آینده پارس شمالی به شدت نیازمند گسترش و تقویت است و در این مورد محیط زیست با وزارت نفت باید وارد تعامل شود.

> **این مسئله خیلی درد آور است که پارس جنوبی یک مکان جهانی و ملی در قلب عسلویه قرار دارد، اما نام عسلویه را کسی نمی شناسد، من با تجربه خودم هشدار می دهم که کاری نشود که بر اثر پارس شمالی نام دیر نیز حذف شود و تنها نام پارس شمالی بر زبان ها بیفتد**

وزارت نفت باید همین طور که به دنبال جذب سرمایه و سرمایه گذار برای توسعه فازهای خود در پارس جنوبی و آینده در پارس شمالی است یک شرکت بخش خصوصی را برگزیده و هزینه و امکانات در اختیارش قرار دهد تا از محیط زیست و در یا ها نیز حمایت و مراقبت کند.

باید پالایشگاه فجر جم نسبت به احداث چندین سد در آن منطقه مطالعات خود را شروع و با هزینه وزارت نفت اجرایی شود وگرنه در آینده نزدیک مردمان کشاورز آن جا نیز باید با کشاورزی خداحافظی کنند. این مسائل جدی است و من متاسفم که باید آنها را به اطلاع مردم برسانم .

– آقایان مدعی هستند طرح های ملی قابل سرزنش و ملامت نیستند و عوارض آن را نیز باید تحمل کرد. شما آقای کنگانی خیلی آرمان گرا هستید؟

– اگر نگاه ما شهروندان و مسولین بوشهر غیر از این باشد شکست بزرگی خورده ایم. همان شکستی که در مورد تامین نیروی انسانی برای پارس جنوبی خوردیم. به فکر آموزش و مراکز فنی حرفه ای نبودیم و تازه فهمیدیم که چه قدر آسب دیده ایم .آما هنوز دیر نشده است پارس شمالی پیش روی ماست و پارس جنوبی نیز هنوز به نصف نرسیده و این آرمان گرایی نیست بلکه حداقل توقعات مردم منطقه است .

> **در زمانه ای که سرعت تحولات صنعتی بی سابقه است دیری ها و کنگانی ها ویا جمی ها اگر می خواهند از انرژی نهفته در زمین های خود سهمی ببرند باید رکود و سکون را فراموش کنند .منتظر ماندن تا شاید صنعت و یا فلان مسول کمی به انتظار ما یا برای ما بایستد اشتباهاست**

آرمان گرایی این است که تمام کارگران و مهندسان و کارکنان پارس شمالی و جنوبی از بچه های استان بوشهر به خصوص دیر، کنگان و جم باشد ولی آیا ما این گونه توقع ای تا کنون داشته ایم؟ هرگز. اما ما معتقدیم که باید تعداد قابل توجهی نیروهای پارس شمالی و جنوبی از فرزندان این آب و خاک باشد.



این دیگر آرمان گرایی نیست و باید برنامه ریزی کرد .

اول برآورد نیروی انسانی که در پروژه‌های صنعت نفت می‌خواهد در آینده پارس شمالی و جنوبی را بسازند درحدود ۱۱۰ هزار خانوار می‌باشد و به همین دلیل افق طراحی اسکان برای ۱۱۰ هزار خانوار پیش بینی شده است.

باید کاری کرد فرزندان این مرزبوم نیز توانا و سپس شاغل و نهایتا جز این خانوارها قرار گیرند.

برای کسانی که در صنایع پایین دستی در پارس جنوبی نیز سرمایه گذاری می‌کنند نیز اسکان حدود ۱۰۰هزار خانوار پیش‌بینی صورت گرفته است.

افق پنج ساله برای اسکان حدود ۲۰۰ هزار خانوار در نظر گرفته شده است و ۳هزار میلیارد تومان پیش‌بینی سرمایه‌گذاری شده است.

این همه سرمایه گذاری برای کسانی است که هنوز در پارس جنوبی و شمالی مشغول به کار نشده اند پس باید تلاش کرد. زنده و امیدوار تلاش کرد و برنامه ریزی ها زیر بنایی به خصوص برای پارس شمالی انجام گیرد حال شما آرمان گرایی یا هر چیز دیگری اسمش می خواهید بگذارید.

– جناب کنگانی ، از نظر من همیشه تمام مشکلاتی که برای ما در حوزه انرژی پیش می آید الزاما متاثر از بی عدالتی ها و برنامه ریزی های غلط نفتی ها نبوده است بلکه ما نیز خود در به وجود آمدن بسیاری از گرفتاریها نقش به سزایی داشته ایم.

– بله . در روزگار جهانی شدن مناسبت ها بسیار بی رحما نه است ، استان بوشهر باید نیازهای خود را برای شهرهای اطراف پارس جنوبی و شمالی به درستی بشناسد، و سپس برای رسیدن به آنها برنامه ریزی و اصرار داشته باشد. در زمانه ای که سرعت تحولات صنعتی بی سابقه است دیری ها و کنگانی ها ویا جمی ها اگر می خواهند از انرژی نهفته در زمین های خود سهمی ببرند باید رکود و سکون را فراموش کنند .منتظر بودن تا شاید صنعت و یا فلان مسول کمی به انتظار ما یا برای ما بایستد اشتباه است.

پارس جنوبی و شمالی همواره تداعی بخش توسعه در استان هست و با شروع شدن پارس شمالی این دغدغه توسعه همواره با ما خواهد ماند. پس همیشه باید حرکتی جدی در استان برای هماهنگی با این توسعه و رساندن ابزارهای مورد نیاز برای خدمت به شتاب توسعه در اختیارمان باشد .

جامعه دانشگاهی و دانشجویی استان بوشهر ، به خصوص جوانان دیر باید بیشتر خود را درگیر توسعه و خبرهای پارس شمالی کنند. به هر حال آن چه مسلم است، این که شهرستان دیر به زودی اتفاق مهمی را تجربه خواهد کرد در دنیای متمدن برای هر کار ساده ای به صورت سیستماتیک و مکانیزه برنامه ریزی می شود چه رسد به مسایل کلانی مثل انرژی که کل یک شهرستان را می تواند دگرگون کند .

این مسئله خیلی درد اور است که پارس جنوبی یک مکان جهانی و ملی در قلب عسلویه قرار دارد، اما نام عسلویه را کسی نمی شناسد، من با تجربه خودم هشدار می دهم که کاری نشود که بر اثر پارس شمالی نام دیر نیز حذف شود و تنها نام پارس شمالی بر زبان ها بیفتد .

مراسم بزرگداشت احمد بورقانی در بوشهر برگزار شد:

بورقانی مدافع تکثر گرایی مطبوعاتی









مراسم سوگیاد احمد بورقانی روزنامه نگار فقید ایرانی در خانه مطبوعات بوشهر برگزار شد. در این مراسم نخست یونس قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات استان بوشهر در سخنانی با عرض تسلیت به خانواده بورقانی و جامعه مطبوعاتی ایران، بورقانی را از افراد تاثیر گذار در فضای مطبوعاتی ایران دانست که تاریخ به نیکی از وی یاد خواهد نمود.

وی با اشاره به دیدارهای خود با آن مرحوم اظهار داشت: بورقانی در سخنان خود درک صحیحی از نقش مهم مطبوعات در جامعه مدنی داشت و البته از سختی ها و موانعی که در این راه وجود دارد نیز به خوبی آگاه بود. وی بورقانی را مدیر و نیرویی شایسته و ثابت قدم در عرصه فرهنگی دانست که خدمات وی در فراهم ساختن فضای باز مطبوعات و آزادی بیان ماندگار خواهد بود.

رئیس خانه مطبوعات در ادامه سخنان خود با اشاره به دوران معاونت مطبوعاتی بورقانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از آقای ابطحی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در آن زمان به نیکی یاد کرد و وی را مدیری که توانست فرهنگ تساهل و تسامح را در فرهنگ بوشهر رواج دهد، دانست.

قیصی زاده در ادامه تشکر خانواده مرحوم بورقانی را از روزنامه نگاران بوشهری به خاطر برگزاری این مراسم به اطلاع آنان رساند.

در ادامه برنامه سیروس بنه گزی و محمد قدسی دو تن از نویسندگان مطبوعات مقالات خود را در سوگ احمد بورقانی قرائت نمودند.

سید نورالدین ابطحی مدیر کل اسبق اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر سخنران بعدی مراسم بود که در سخنان خود به توصیف مدیریت فرهنگی بورقانی در وزارت ارشاد پرداخت. وی بورقانی را دارای دیدی بلند در توسعه مطبوعات دانست که معتقد به تکثرگرایی در مطبوعات بوده و از این دیدگاه به شدت دفاع و حمایت کرده است. ابطحی با اشاره به نقش بورقانی در عمق بخشیدن به فضای مطبوعاتی ، جمع آوری موضوعی مطالب نشریات در بخش پژوهشهای مطبوعاتی در معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد را در این راستا ذکر نمود.

مدیرکل اسبق ارشاد بوشهر سپس به مقایسه مطبوعات استان بوشهر با دیگر مناطق کشور پرداخت و غنای محتوایی و کیفیت مطلوب نشریات استان را با توجه به امکانات موجود، مثبت تلقی نمود و اظهار داشت: مطبوعات بوشهر نقش غیر قابل انکاری در توسعه استان داشته اند و علاوه بر این آنها توانسته اند که استعدادهای بسیاری را کشف نمایند و این خود دلیل محکمی است بر اینکه تکثرگرایی در مطبوعات نه تنها محکوم نیست بلکه اثرات بسیار مفیدی نیز دارد.

ابطحی در پایان سخنان خود گفت: گرامی داشت بورقانی ، گرامی داشت یک اندیشه و تفکر است که ساده به دست نیامده و بنابراین ساده هم نباید آن را از دست بدهیم.

در ادامه جلسه خانم کرمی یکی از روزنامه نگاران بوشهری متن نامه دختر بورقانی را در سوگ پدر قرائت نمود که موجب تاثر حضار گردید.

پایان بخش این برنامه قرائت پیام تشکر خانواده بورقانی از روزنامه نگاران و جامعه مطبوعاتی بود که توسط علی هوشمند مجری این برنامه قرائت گردید.

فرصتی تاریخی

(سخنی با دانشجویان و روشنفکران ،به بهانه تایید صلاحیت کاندیدای اصلاح طلب حوزه انتخابیه دیر ،کنگان و جم)

***سجاد بهزادی عضو فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران**



همیشه خداحافظی کردن کار سختی است و هر وقت می خواهم از کسی یا چیزی یا جریانی خداحافظی کنم یاد لحظه ابتدای کلام و شروع آشنایی می افتم .هم در سلام و هم در خداحافظی غربتی نهفته است که وقتی به آن می رسی انگار هرگز دلت نمی خواهت با آن آشنا شوی.

این را گفتم ، تا قبل از هر چیز با مخاطبم سخنی بگویم. مخاطبی که این قدر از سرما و گرمای روزگار زخم دیده که دیگر چیزی و کسی را باور نمی کند . او دیگر باور نمی کند که شاید فرصتی تاریخی برایش پدید آمده است، به عنوان مقاله ام می خندد و می دانم که شاید دیگر زندگی خود را نیز به خنده گرفته است.

دیگر کمتر انتخاباتی را باور دارد و کلا برای ورود به صحنه ضمن این که بی اشتهاست به دیگران نیز که در این عرصه فعالند پوزخندی زهر آلود می زند .

و من به عنوان فردی که با خیلی سلام ها آشنا هستم و با تمام بی رحمی ها و ناامیدی ها باآنها خداحافظی کردم بار دیگر دوباره می خواهم سلام بگویم. از رو نرفته ام و دوباره اصلاحات را جدی گرفته ام. در انتخابات ریاست جمهوری با پذیرفتن مسئولیت ستاد معین در شهرستان جم سلام کردم و وقتی آن عدم اقبال مردم را دیدم دوباره ناگزیر به خداحافظی، ولی اکنون دوباره برگشته ام .

در گذر میان این سلام و خداحافظ تجربیاتی گران به کارنامه زندگی اضافه می شود که بر لذت زیستن پس از آن می افزاید. اما شروع رو به حرکت رفتن و گرما را حس کردن است و پایان؛ گویی تاریکی و سرما را تداعی می کند. و من نمی خواهم تاریک بمانم. من با ذره ای از امید ها دل خوشم و راه رسیدن به شرایط مطلوب برایم حمایت از اصلاحات است.

و اکنون که به همت دوستان عزیز سخنگوی ائتلاف اصلاح طلبان شهرستان جم شده ام نیز هر لحظه شرایط پیش رو را پیگیری کردم تا اینکه به جایی رسیدم که همه شاهد هستیم.

بالاخره در کشور، استان و برخی حوزه های انتخاباتی افرادی اصلاح طلب تایید صلاحیت شدند و گویی باید تلاشی دگر گونه آغاز کرد. به رغم سنگ اندازی های بیرونی و ناکارآمدی های درونی اصلاحات، اینک که در آستانه نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و مرحله دیگری از جنبش اصلاحات قرار گرفته ایم، دوباره باید به مردان اصلاحات امیدوار بود و ما فرزندان حوزه دیر ، کنگان و جم بار دیگر چونان اندک حوزه های دیگر دوبار ه اصلاحات را در پیش روی خود می بینیم.

لازم است با درکی واقع بینانه تر از شرایط داخلی و بین المللی، با انتخاب فردی که با صراحت و قاطعیت و با ارایه برنامه های مترقی، ترجمان بخش کلانی از مطالبات به حق جنوبی های توسعه خواه و مدافع حقوق از دست رفته شهروند جنوبی می باشد، گامی جدید در سمت و سوی تعمیق و بسط اصلاحات در مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه خود وبسط توسعه در مسائل مختلف استان و این حوزه انتخابیه خود برداریم.

من بر این باورم که در شرایط کنونی ، عدم مشارکت نیروهای اصلاح طلب تایید نشده و یا حتی به نتیجه نرسیدن بر روی یک کاندید واحد در انتخابات، کمک خارق العاده ای به پیشبرد برنامه های آقایانی خواهد کرد که در گذشته چیزی جز حقارت برای استان و حوزه انتخابیه دیر، کنگان و جم به ارمغان نیاورده اند.

در پایان باید بگویم استراتژی عدم شرکت در انتخابات کنونی، استراتژی غلطی است و در مجموع دستاورد رأی دادن به کاندیدای اصلاح طلبان را بیش از فایده خانه نشینی برای روشنفکران و صاحبنظران و دانشجویان شهرستان های دیر ، کنگان و جم می دانم. پس باید همه بکوشند. «من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی خیزند ، من اگر بنشینم تو اگر بنشینی چه کسی برخیزد»

آقای شهردار آیا این انضباط مالی بود که می گفتید؟

یکی از برنامه های اصلی مهندس رجایی شهردار بوشهر در هنگام ارائه برنامه های خود به شورای شهر، انضباط مالی وی بر مجموعه شهرداری بود. اما با نگاهی به کارنامه چندین ماهه وی می توان دریافت که رجایی هنوز نتوانسته است کارنامه قابل قبولی را در این زمینه از خود نشان دهد. آخرین نمونه این بی نظمی مالی نصب پرتابل های شهری (تابلوهای تبلیغاتی) است. گفته می شود پس از ارائه طرح جدیدی از نصب پرتابل های تبلیغاتی توسط یکی از کانون های تبلیغاتی، شهرداری در یک اقدام عجیب بجای موافقت با این طرح جدید، خود وارد عمل شده و بدون کار کارشناسی، اقدام به خرید و نصب ۳۰ عدد نوع درجه دوم این پرتابل های تبلیغاتی در سطح شهر بوشهر نمود. جالب اینجاست که بعد از گذشت ۲ ماه از نصب این پرتابل های درجه ۲ تقریبا تمامی آنها بر اثر وزرش باد در بوشهر خراب شده و غیر قابل استفاده می باشد. گفته می شود که نوع پرتابلی که شهرداری بوشهر در خیابانهای شهر نصب نموده مخصوص فضای بسته و سرپوشیده است. از آنجا که قیمت هر کدام از این پرتابل ها بیش از ۴۰۰ هزار تومان است، بنابراین بر اثر این تصمیم اشتباه شهرداری بیش از ۱۲ میلیون تومان صدمه به اموال شهرداری بوشهر وارد آمده است. گویا روابط عمومی شهرداری در این تصمیم دخیل بوده است. انتظار است که شورای شهر بوشهر و مهندس رجایی که برنامه انضباط مالی را از برنامه های اصلی خود اعلام نموده در این خصوص توضیح قانع کننده ای را برای افکار عمومی داشته باشند.

اینبار تنگستانی ها کاندیدای دشتی را به مجلس می فرستند

با رد صلاحیت شدن زمانی و حیدرزاده دو کاندیدای اصلی تنگستان و وجود چندین کاندیدا در دشتی، آرای تنگستانی ها در این دوره از انتخابات اهمیت بسیاری در این کارزار پیدا کرده است. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب هم اکنون رقابت فشرده ای بین ستاد انتخاباتی علوی نژاد و پورفاطمی برای بدست آوردن آرای تنگستان در جریان است. در این دوره انتخابات این تنگستانی ها هستند که با رای خود یک کاندیدای اهل دشتی را به مجلس می فرستند. با توجه به مقبولیتی که حیدرزاده در این دوره از انتخابات در تنگستان بدست آورده است، به نظر می رسد که حمایت وی از یکی از کاندیداها بتواند نقش مهمی در جهت دهی آرای تنگستانی ها داشته باشد. تاکنون موفقیت علوی نژاد در جذب آرای تنگستان بیشتر از پورفاطمی بوده است ولی پورفاطمی نیز امید زیادی به جذب رای در این شهرستان دارد. این در حالی است که طرفداران حیدرزاده هنوز امیدوارند که صلاحیت وی در روز چهاردهم تایید گردد.